



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

رشد آموزش



فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
۶۴ صفحه، دوره ۵۴م، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱

مدیر مسئول: محمد ناصری وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

سر دبیر: کاوه تیموری رایانامه: [honar@roshdmag.ir](mailto:honar@roshdmag.ir)

هیئت تحریریه: تلفن مجله: (داخلی ۴۲۸) ۹-۸۸۳۱۱۶۲ - ۰۲۱

علاءالدین کیلاشکی، مهدی الماسی، مجتبی باثیان، پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۰۲۱

حمید قاسم‌زادگان، محمود حاجی‌آقایی و مهسا قباپی مدیر مسئول: ۱۰۲ دفتر مجله: ۱۱۳

مدیر داخلی: زهرا آرامون امور مشترکین: ۱۱۴

ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

طراح گرافیک و جلد: سید جعفر ذهنی تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶ شماره‌گان: ۷۰۰۰ نسخه

تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۵۸۵ چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- سرمقاله / به خارزار جهان گل به دامنم با عشق صفای روی تو تقدیم می‌کنم با عشق / ۲
- گفت‌وگو / لذت نگارش شاهنامه فردوسی / هیئت تحریریه / ۴
- مقاله / نقش همه جلوه نقاش شدا! / محمدعلی اشرفی / ۱۴
- دیدگاه / به یاد کودکی! در تصاویر کتاب‌های درسی / پرویز کلانتری / ۲۰
- گزارش / حضور معلمان در دومین دوسالانه بین‌المللی خوشنویسی ایران / ۲۲
- مقاله / عکاسی از فضاهای داخلی / مهسا قباپی / ۲۶
- مقاله / در زیر آفتاب همه چیز تازه است / کاوه تیموری / ۲۸
- مقاله / نقد هنری، فرصتی برای طرح دیدگاه‌های شما / ۳۴
- مقاله / آینه / سیده منصوره رحیم‌آبادی / ۳۶
- معرفی کتاب / مجموعه آموزشی کارگاه نقاشی / مهدی الماسی / ۴۴
- گزارش / ملک هنر در موزه ملک / ۴۸
- گفت‌وگو / تخصص؛ گمشده درس هنر / حمید قاسم‌زادگان / ۵۴
- پژوهش / آشنایی با هنر چهل تکه / ۶۲

## قابل توجه همکاران نویسنده و مترجم

● مجله رشد آموزش هنر، آثار هنرمندان، استادان و صاحب‌نظران، به ویژه معلمان و مدرسان هنر و نیز، هنرجویان و دانشجویان رشته‌های هنری را که در نشریات عمومی منتشر نشده باشد، برای چاپ می‌پذیرد. ● مطالب ارسالی باید با اهداف کلان آموزش هنر در نظام آموزشی کشور همخوان باشد و به حل مشکلات ریز و درشت آموزش هنر در مدارس و مراکز رسمی آموزش کمک کند. ● مطالب باید با خطی خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شود و حاشیه صفحه و فاصله سطرها برای اعمال ویرایش مناسب باشد. ● حجم مقالات از ۱۵ صفحه دست‌نویس و ده صفحه حروف‌چینی شده بیشتر نباشد. ● اگر مطلبی، عکس یا تصویر و جدول و نمودار دارد، جای قرار گرفتن آن‌ها در حاشیه صفحات مشخص شود و تمام موارد به صورت لوح فشرده (با فرمت tif یا jpeg و dpi حداقل سیصد) همراه متن فرستاده شود. ● کپی صفحات اصلی متن ترجمه ضمیمه شود تا در صورت لزوم، بررسی صحت ترجمه و همخوانی آن با متن اصلی ممکن باشد. ● اهداف مقاله و چکیده آن همراه پنج کلیدواژه در صفحه‌ای مجزا ضمیمه شود. ● معرفی کوتاه پدیدآورنده، همراه نشانی و مخصوصاً شماره تلفن او در برگی‌ای جدا پیوست باشد. ● بی‌نوشت‌ها و منابع باید کامل و شامل نام نویسنده، مترجم، نام کتاب، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه باشد. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. ● مطالب چاپ‌شده، لزوماً بیانگر دیدگاه گردانندگان مجله نیست و مسئولیت پاسخگویی با پدیدآورنده است. ● دفتر مجله از نگهداری یا بازگرداندن مطالب رد شده، جز در موارد خاص، معذور است. ● ترتیب چاپ مطالب به معنای درجه‌بندی و ارزش‌گذاری نیست، بلکه بر حسب ملاحظات فنی و رعایت تناسب و تنوع است.

# به خارزار جهان گل به دامنم با عشق



با انتشار شماره سی و دوم مجله رشد آموزش هنر، که در زمستان سال ۱۳۹۱ تقدیم شما می‌شود، این مجله نه سال را پشت سر گذاشته است. در آغاز کار همواره این بیم و امید وجود داشت که سرنوشت مجله در مصاف با مشکلات چگونه خواهد بود اما به‌طور ویژه همراهی و همدلی شما در استقبال از مجله خودتان این نوید را داد که می‌توان با اتکا و دلگرمی به اهل هنر آموزش و پرورش در این راه گام‌های مستحکمی برداشت.

مرور فصل به فصل مجله نشان می‌دهد که تمایل هنرمندان اهل قلم، یعنی دبیران جوان و بانگیزه و مدرسان پخته و با تجربه هنر آموزش و پرورش، روندی رو به صعود دارد و به همین دلیل، مجله به میعادگاه اهل هنر تبدیل شده و مقالات و تجربه‌های آموزشی از چهار گوشه کشور، روشنی‌بخش صفحات مجله است. چه توفیقی بالاتر از اینکه مجله خوانده می‌شود و دریافت پیام‌ها، نامه‌ها و مقالات حتی از سوی پژوهشگران و هنرمندان خارج از حوزه رسمی آموزش و پرورش، یاران مجله را در خدمت بیش از پیش مصمم و دلگرم می‌سازد.

مشکلات را درک می‌کنیم، اما همکاران خوب! درس هنر را به‌خاطر کمبود ساعات تدریس آن در مدرسه دست کم نگیرید و آن را در هر جلسه با جدیت شروع کنید؛ هم‌طرز و هم‌تراز با سایر درس‌های مدرسه. این خُبرگی و علاقه معلم هنر آفرین در درسی که لایه‌های جمال‌شناختی و شوق جمال‌دوستانه بچه‌ها را هدف قرار می‌دهد، همان ارزش و اعتباری را دارد که معلمان برای درس‌های مهمی چون ریاضی یا علوم قائل‌اند. نیاز بچه‌ها به تلطیف حس زیباشناختی و وظیفه ما در رفع این نیاز، مهم‌ترین انگیزه و زمینه را برای کار بیشتر ایجاد می‌کند. معلمان و مدرسان خوب هنر باید به درس هنر بیاموزند که به خودش اعتماد کند و روی پای خودش محکم و استوار بایستد. هنر زبان دل



# صفای روی تو تقدیم می‌کنم با عشق

بچه‌هاست و کدام هم‌زبانی به زیبایی هنر و تا این حد بلیغ و رسا قادر است رضایت معنوی را برای خود شکوفایی فرزندان ما فراهم کند؟ نفوذ و تأثیری که معلم هنر بر روح دانش‌آموزان خود دارد، نفوذی معنوی و بسیار قوی است. به محض اینکه معلم هنر لذت خود را از بازدید یک نمایشگاه هنری یا خرید یک کتاب هنری به کلاس منتقل کند و بگوید که از دیدن آثار هنری و خواندن فلان کتاب هنری لذت برده است، دانش‌آموزان سعی می‌کنند حتماً با تأثیر گرفتن از فضای ذهنی - هنری او، کتاب موردنظر را تهیه و در دیدن نمایشگاه‌های هنری و لذت بردن از آن‌ها با وی سهیم شوند.

بیایید با درس هنر و زیبایی‌های آن، محیط زندگی و جامعه را برای دانش‌آموزان جذاب‌تر کنیم تا دل‌های پرشور آن‌ها و چشم‌های تیزبینشان که به آینده دوخته شده است، هیچ‌گاه خالی از شوق و احساس جمال‌شناختی نباشند؛ آن هم در کشوری که در تار و پود آن هنر جاری و ساری است.

یاد قیصر امین‌پور به‌خیر که می‌گفت:

**«زیبایی زیباست و دیدن زیبایی زیباتر، زیبا دیدن از هر دو زیباتر»**، تمرین زیبا دیدن بچه‌های کلاس با شما معلمان و مدرسان با ذوق و با صفای هنر است.

در زمستان امسال با گشودن دریچهٔ مهربانی هنر، تابش دوبارهٔ گرمی و نور آفرینی را به مانند خورشیدی در کلاس با بچه‌ها تجربه کنیم.

این شماره را با قلبی پر از عشق، چونان دامنی از گل آن هم در خارزار جهان به صفای روی شما تقدیم می‌داریم تا با نقد و نظرهای سودمند خود یاری و یابوری را همچنان ادامه دهید. هر چه هست، همان پل‌های معنوی و تفاهمی است که نگه‌دارندهٔ تلاش مشترک ما و شماست و البته بهانهٔ اصلی این تفاهم، همان هنر است که جهان را زیباتر و دلنشین‌تر برای ما تصویر می‌کند.

سر دبیر

گفتگو

# لذت نگارش شاهنامه فردوسی

در گفتگو با استاد رسول مرادی، مدرس مرکز تربیت معلم  
هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

رسول مرادی

رشد آموزش

شماره ۲۳

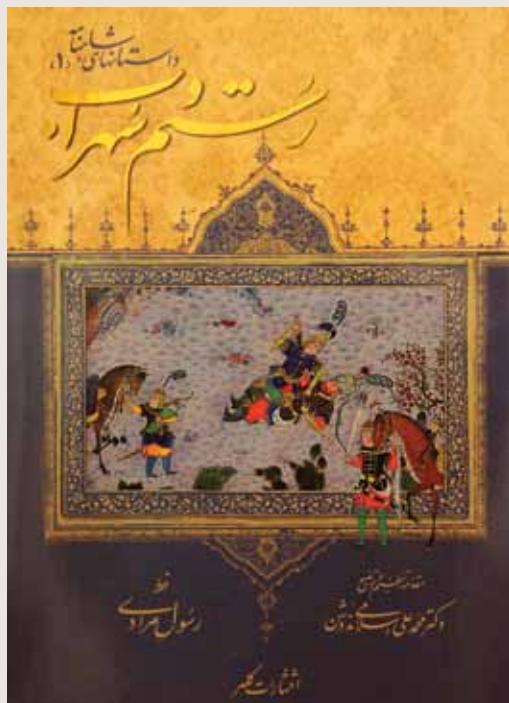
دوره دهم

شماره ۲

زمستان ۱۳۹۱

## اشاره

کتابت رکن اصلی در هنر خوشنویسی است اما کدام کتابت ماندگار و حیرت‌انگیز است؟ کتابت ۶۰ هزار بیتی شاهنامه کاری بزرگ و نفیس‌گیر است که هر کس به راحتی نمی‌تواند این توفیق را از آن خود کند اما در میان همکاران فرهنگی، صاحبان همت‌های بلندی را سراغ داریم که به این خدمت فرهنگی نائل شده‌اند. رشد آموزش هنر با هدف معرفی همت‌های بلند هنری و هنر بلندهمت‌ی در کمین هنرمندانی گمنام ولی پرکار بوده است تا با آن‌ها به گفت‌وگو بنشینند. در گفت‌وگویی که در پی می‌آید، یکی از این نمونه‌ها، روایت خود را از تلاش خستگی‌ناپذیرش بیان می‌کند. استاد رسول مرادی، کاتب شاهنامه و خوشنویس دیوان حافظ و غزلیات شمس، از تجربیات گران‌قدر خود با معلمان هنر صحبت می‌کند.



## ■ استاد متولد چه سالی هستید؟

متولد ۱۳۳۲ هستم و از شش سالگی به مدرسه رفتم. از سال ۴۴ خط کتاب‌ها تغییر کرد و همین باعث شد که خطم بد شود.

بعد خوشبختانه معلم ما، معلم خوش خطی بود که عشق و علاقه‌اش به خط زیاد بود و خط می‌نوشت و به دیوار کلاس نصب می‌کرد. یادم می‌آید که در کلاس اول و دوم هم‌اش آرزو می‌کردم که بروم کلاس سوم و مشق درشت بنویسم. در آن زمان قلم نبود و ما از درخت چوب می‌کندیم و آن را می‌تراشیدیم.

من تا ششم ابتدایی در روستای گوارش، که نزدیک مشهد و چسبیده به طوس است، درس خواندم؛ در همسایگی حکیم سخن، فردوسی. از بچگی یادم هست که شاهنامه فردوسی در ذهنیت همه بچه‌ها بود؛ مثلاً داستان‌ها و صحبت‌هایمان در مورد رستم یا انعکاس نمادهای شاهنامه بود. واقعاً ما از کودکی با شاهنامه مأنوس بودیم تا اینکه برای ادامه تحصیل در دبیرستان به مشهد آمدم.

## ■ جناب استاد مرادی، با سلام و عرض ادب، از

اینکه فرصتی در اختیار مجله رشد آموزش هنر قرار دادید تا تصویری از سیر و سلوک جناب عالی را در عرصه یکی از هنرهای ریشه‌دار ایران اسلامی، یعنی هنر خوشنویسی، ارائه دهیم تشکر می‌کنم. به روال معمول مجله رشد هنر، تقاضایم این است که ابتدا مقدمه‌ای در خصوص علاقه‌مندی‌تان به هنر خوشنویسی و سیر و سلوکی که در دوران آموزش این هنر داشته‌اید، بیان کنید.

استاد مرادی: به نام خداوند جان و خرد/ کزین برتر اندیشه بر نگذرد.

خوشحالم که توفیقی نصیب بنده شد که شما را در اینجا زیارت کنم. در زمانی که ما به مدرسه می‌رفتیم، به یاد دارم که از کلاس سوم ابتدایی «مشق درشت» که امروز به آن خوشنویسی می‌گوییم، جزو تکالیف شب بود و کتاب‌هایمان هم همه به خط نستعلیق بودند. در واقع، من از سال ۱۳۴۲، که سال سوم ابتدایی بودم، خوشنویسی را آغاز کرده‌ام.

## ■ شما بعد از دوران تحصیل جذب آموزش و پرورش

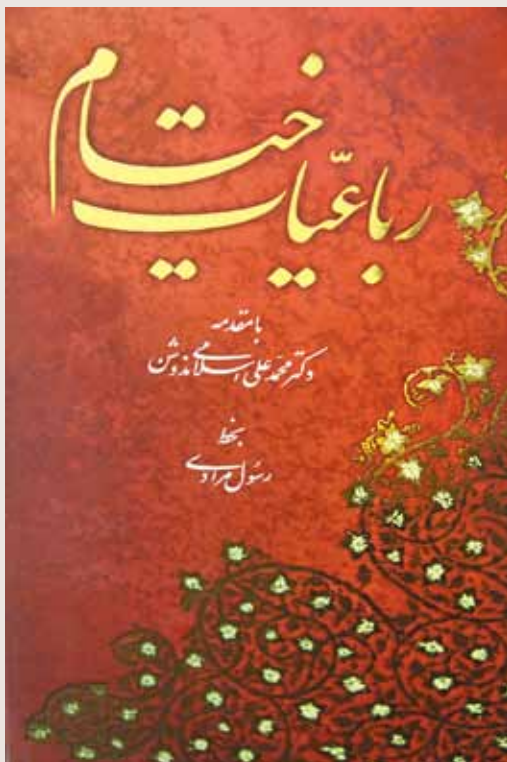
شدید؟

من در دانشگاه رشته زیست‌شناسی می‌خواندم. دانشجوی سال سوم بودم که گفتند هرکس دبیر شود و پنج سال تعهد دبیری بدهد، او را بورسیه می‌کنیم. همین چهار سال دانشگاه را هم به عنوان سابقه‌اش حساب می‌کنیم و ماهی هزار تومان کمک هزینه هم به او می‌دهیم. دبیری هم در آن زمان جایگاه خاصی داشت و چون فارغ‌التحصیل دانشگاهی به تناسب جمعیت کم بود، طالبان دبیری به راحتی جذب کار می‌شدند.

من بعد از گرفتن مدرک لیسانس به سربازی رفتم. از آنجا به کاشمر رفتم و چند سالی در آنجا دبیر بودم. ادامه کارم در خراسان بود و ده سال آخر خدمتم را در مرکز آموزش عالی فرهنگیان و تربیت معلم تدریس می‌کردم.

## ■ بفرمایید که در سال‌های دبیرستان رابطه شما با خط و خوشنویسی چطور بود؟

چون خط را بسیار دوست داشتم، وقتی برای دوره دبیرستان به مشهد آمدم شروع به تابلونویسی کردم. در آن زمان یک دوچرخه داشتم که روی چرخ‌های آن نوشته بودم «تابلونویسی سیار». حتی جعبه‌ای درست کرده بودم که رنگ و قلم‌مویم را آنجا می‌گذاشتم و می‌رفتم در مغازه‌هایی که تازه افتتاح شده بودند و شیرنگ و چیزی نداشتند، کارت می‌دادم و از امکانات ممکن استفاده می‌کردم. خطم را به



آن‌ها نشان می‌دادم و بعد به من اطمینان پیدا می‌کردند. درآمد خوبی هم داشتم. در تابستان که کار می‌کردم و در طول دوره مدرسه هم مشتری‌های خودم را داشتم. در آن زمان به‌طور متوسط روزی ۲۰ تومان کار می‌کردم.

## ■ آیا در آن زمان در زمینه آموزش خط به‌طور خودجوش کار می‌کردید؟

در آن زمان در مشهد تابلونویس‌های بسیار خوش خطی بودند که یکی آسیای و دیگری خلیل نام داشت. به‌خصوص آقای آسیای بسیار خوش خط بود و من هم مشق نظری از کارهای او می‌کردم.

## ■ آیا تحت تأثیر کتیبه‌های خطی آستان قدس قرار نگرفتید؟

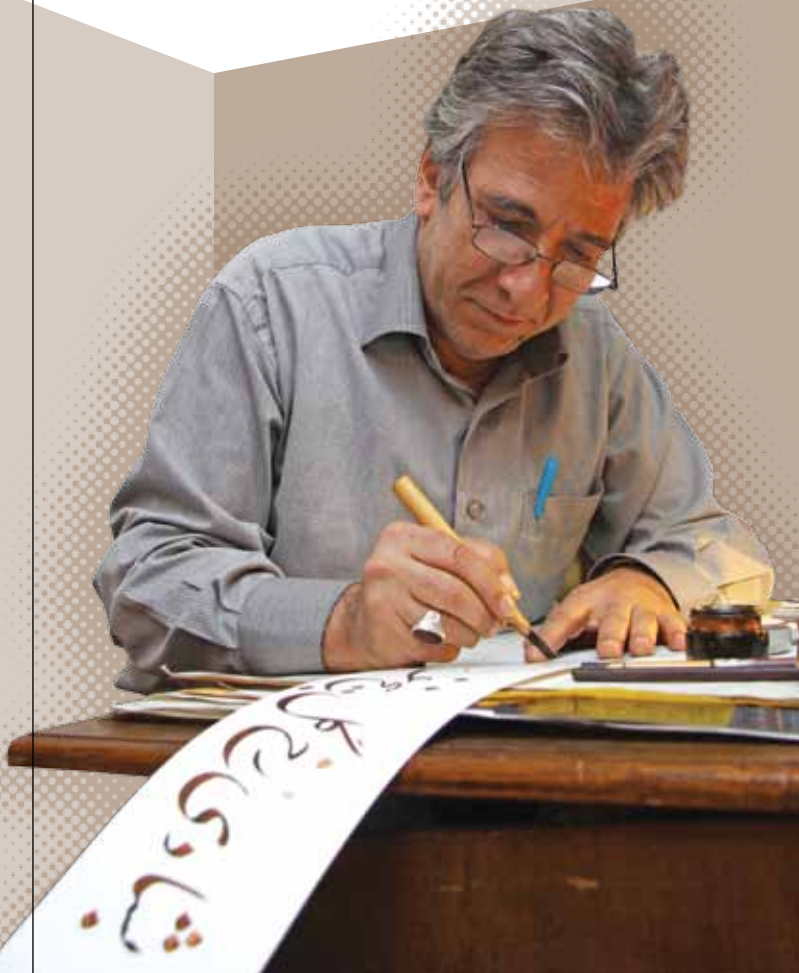
چرا؛ به هر حال من یکسره در خیابان‌ها به تابلوهای سردر مغازه‌ها نگاه می‌کردم و هر جا تابلوی خوش خطی می‌دیدم، به آن توجه می‌کردم؛ به‌خصوص آثار استاد آسیای. ایشان اگر قرار بود خط درشت بنویسد، مانند استاد امیرخانی بود. فقط ایشان در انجمن خوشنویسان نبود. گاهی با خودم فکر می‌کنم که وقتی تابلوهای نثونی آمد، چرا من نرفتم و تابلوهای ایشان را نخریدم!

## ■ کار کلاسیک خوشنویسی شما از کی آغاز شد؟

من از دوره ابتدایی کار کلاسیک با قلم نی را شروع کرده بودم. آن زیربنا را داشتم و به سمت تابلونویسی رفتم. در دانشگاه زیاد جریان خط نبود؛ چون کتاب‌ها و درس‌ها خیلی سنگین بودند و دانشگاه‌ها در آن زمان بسیار سخت‌گیری می‌کردند، فرصت تابلونویسی را هم نداشتیم. ضمناً از آموزش و پرورش حقوق می‌گرفتم. بعد در آن زمان به موسیقی هم علاقه‌مند شدم.

تا سال ۱۳۶۲ که استاد امیرخانی در مشهد کلاس خط گذاشتند. در آن زمان، من در کاشمر دبیر آموزش و پرورش بودم و در کلاس استاد شرکت می‌کردم و در حقیقت از آن موقع به‌طور جدی پیگیر خط شدم. از سال ۶۰ در خدمت مرحوم استاد مصطفی مهدی‌زاده بودم که دوباره آن شور و شوق خوشنویسی با قلم‌نی در من زنده شد. از کلاس استاد موسوی هم بهره می‌بردم - که ایشان هم به رحمت خدا رفتند - و کارهایم را به خدمت این دو بزرگوار می‌بردم. وقتی استاد امیرخانی آمدند، من با کارهای ایشان آشنایی یافتم و دیگر با فتوکپی کارهای ایشان مأنوس شدم. در سال ۶۲ انجمن خوشنویسی کاشمر را راه‌اندازی کردم و درجه ممتاز را در سال ۶۴ گرفتم. در آن زمان ممتاز کم بود و شاید در کل کشور به ۱۰۰ نفر هم نمی‌رسید.

سال ۶۸ در مجمع نمایندگان ساری از استاد امیرخانی اجازه گرفتم که به‌طور حضوری خدمت ایشان برسم



یکی از مشکلاتی که  
ما داشتیم، این بود که  
برخی ناخواسته دبیر  
هنر بودند. خیلی‌هایشان  
دوست داشتند و خیلی‌ها  
به خوشنویسی علاقه  
نداشتند ولی وقتی به این  
دوره‌ها آمدند، بیش از  
۹۰ درصدشان عاشق هنر  
خوشنویسی شدند

و ایشان قبول کردند. این بود که من حداقل هر ماه به تهران می‌آمدم و هر بار هم قطعه‌ای ناب خدمت استاد ارائه می‌دادم. در سال ۷۱ یک نمایشگاه در خانه آفتاب گذاشتم. شیوه‌ی قدما را با تحقیق کار کرده بودم. هر جا که سیاه‌مشقی از غلامرضا اصفهانی، میرحسین ترک و میرعماد می‌دیدم، یک کپی از آن می‌گرفتم. منتخبی از کارها در کتاب «در عرصه سیاه‌مشق» چاپ شد. ضمن اینکه در آن موقع آثار استاد امیرخانی هم چاپ نشده بود و گاهی به عنوان پوستر در مناسبت‌های مختلف چاپ می‌شد. من در محضر استاد تعلیم می‌دیدم و خط استاد را از نزدیک مشاهده می‌کردم. از سال ۷۰ تا ۷۵ مسئولیت انجمن خوشنویسان مشهد را برعهده داشتم. در سال ۷۲ استاد را به مشهد دعوت کردیم. به ایشان پیشنهاد کردم که چون در سراسر کشور از فتوکپی کارهایشان استفاده می‌کنند، آثاری از مجموعه استاد چاپ شود.

کلید کتاب معروف «صحیفه هستی» در آنجا زده شد. تا یکی دو سال روی صحیفه هستی کار کردم و بسیاری از آثار را جمع‌آوری کردم. استاد مدیریت این کار را به من دادند و به این ترتیب، بسیاری از کارهایی که تذهیب نداشت، تذهیب شد. صحیفه هستی در سال ۷۵ توسط انتشارات کلهر چاپ شد. استاد روی اعتمادی که به من داشتند، انتشارات کلهر را قبول کردند و وقتی کار را برای اولین بار به استاد تقدیم کردیم، بسیار خوششان آمد.

■ استاد، از آنجا که مخاطبان ما در مجله رشد آموزش هنر معلمان و مدرسان هستند و شما هم سابقه آموزش دبیران هنر را در کارنامه خود دارید، برای ما از آن سال‌هایی که از نزدیک با همکاران فرهنگی ارتباط داشته‌اید و نیز اصولاً درباره جایگاه هنر خوشنویسی در تعلیم و تربیت بفرمایید تا دوستان از تجربه شما استفاده کنند.

جناب‌عالی هم در ضمن آموزش عالی فرهنگیان تدریس می‌کردید و یادم هست با دانشجویان به موزه رضا عباسی و نمایشگاهی که من در آنجا داشتم، تشریف آوردید و صحبت فرمودید. همان موقع‌ها منی واحد خط برای دبیران هنر داشتم. هشت سال تقریباً چهار دوره دانشجویی از کاردانی به کارشناسی آموزش خوشنویسی و تاریخ هنر درس می‌دادم. یکی از مشکلاتی که ما داشتیم، این بود که برخی ناخواسته دبیر هنر بودند. خیلی‌هایشان دوست داشتند و خیلی‌ها به خوشنویسی علاقه نداشتند ولی وقتی به این دوره‌ها آمدند، بیش از ۹۰ درصدشان عاشق هنر خوشنویسی شدند.

■ می‌خواهید بفرمایید که مدرسی که عاشق کارش باشد، می‌تواند احساس خوبی را منتقل کند.

ما نیاییم تمام هنرها را به  
دانش آموزان تحمیل کنیم. که از  
آن هیچ کدامشان هیچ چیز هم  
یاد نمی گیرند؛ نه خوشنویسی، نه  
از نقاشی و نه... فقط به طور صوری  
و تئوری آشنایی مختصری پیدا  
می کنند و این کافی نیست

بله، اینها آن قدر علاقه مند بودند که می گفتند ما تازه  
متوجه شده ایم که در کلاس چطور با بچه ها کار کنیم  
و مشکل ما معلمان هنر این است که نمی دانیم در یک  
ساعت آموزش هنر چه کار کنیم. در یک ساعت چگونه  
به آنها بیاموزیم که نگارگری، عکاسی، خوشنویسی و...  
چیست. من یک راه به آنها پیشنهاد کردم. گفتم شما  
ببایید دانش آموزان را در کلاس برحسب علاقه مندی به  
چند گروه تقسیم کنید. بعد با هر کدام به طور اختصاصی  
کار کنید؛ مثلاً به کسی که به خوشنویسی علاقه دارد،  
سرمشق بدهید و تمرین کنید. در آن زمان من به کتاب  
هنر انتقاد داشتیم و الان هم داریم.

### ■ الان چه پیشنهادی دارید که از نگاه اصلاحی بر آن تأمل شود؟

من الان کتاب هنر دخترم را که در رشته گرافیک درس  
می خواند می آورم. اگر به بخشی که به خوشنویسی تعلق دارد  
نگاه کنید، می بینید که اصلاً از پایه و اساس مشکل دارد. بخش  
خوشنویسی را باید استادان طراز اول یا کسانی که حداقل  
خطشان مورد قبول جامعه خوشنویسی است، بنویسند.

### ■ شما انتظارتان این است که کتابی که می خواهد به عنوان مدل آموزشی چاپ شود، از لحاظ طراز زیباشناختی در رده بالا باشد؟

بله، ضمن اینکه به کمک صاحب نظران و اهل فن چیزی  
تدوین شود که واقعاً بتواند استعدادشناسی کند. من برای  
آموزش و پرورش برنامه ای داشتم که متأسفانه همکاری نکردند.  
به هر حال، همین الان در مدرسه ای که چهارصد دانش آموز  
دارد، مطمئنم که ده نفر دست به قلم و عاشق خوشنویسی  
پیدا می شود. پس لازم است همان جا کلاسی تشکیل بشود  
و استاد به آنجا برود نه اینکه آنها به کلاس های خوشنویسی  
بیرون بیایند.

### ■ نکته بسیار خوبی که ما و دبیران هنر از صحبت شما استنباط می کنیم، بحث استعدادشناسی تخصصی در بین دانش آموزان است.

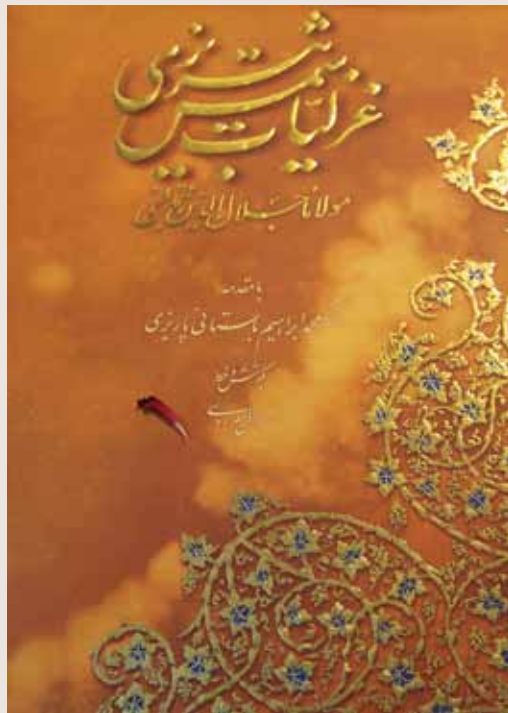
یعنی ما نیاییم تمام هنرها را به دانش آموزان تحمیل  
کنیم. که از آن هیچ کدامشان هیچ چیز هم یاد نمی گیرند؛  
نه خوشنویسی، نه از نقاشی و نه... فقط به طور صوری و  
تئوری آشنایی مختصری پیدا می کنند و این کافی نیست.

### ■ به نظر شما این مسئولیت دبیر هنر را سخت تر نمی کند؟ یعنی دبیر هنر باید آن قدر توانایی و اطلاعات داشته باشد تا در تمام زمینه ها استعدادها را کشف کند.

دبیران هنری با من کار کردند و من به آنها گفتم و







خوشنویسان مشهد را داشتم، ماهی یکبار هم به تهران خدمت استاد می‌آمدم، عضو شورای عالی انجمن خوشنویسان بودم و سال‌هایی در کلاس کنکور هم تدریس می‌کردم.

اولین اثرم کاری آموزشی شامل مجموعه سرمشق‌های نستعلیق بود که جلد اول آن در سال ۶۸ چاپ شد. جلد دوم آن را با عنوان «یکصد سرمشق نستعلیق» چاپ کردم که در آن زمان تأثیر خود را گذاشت. در سال ۷۳ مجموعه سرمشق‌های نستعلیق را چاپ کردم که در آن زمان امضای همه استادان را به عنوان تأیید داشت و بر روی جلد آن ذکر کردم که با اجازه رسمی از انجمن خوشنویسان چاپ شده است. آن موقع استاد امیرخانی خیلی اعتراض داشت که هر کس می‌رسد، بدون مجوز و تأییدیه رسم‌المشق چاپ می‌کند. جلد سوم این مجموعه با عنوان «کلک شیرین» در سال ۸۵ چاپ شد.

■ شما مقدمه خوبی بر این کتاب نوشته‌اید که ما می‌خواهیم در رشد آموزش هنر از آن استفاده کنیم. مقدمه فنی و آموزشی خیلی خوبی است.

من این کتاب را اول به استاد امیرخانی دادم و ایشان مطالعه کردند و وقتی تأیید کردند که خوب است، چاپش کردم.

■ استاد، این سیروس‌سلوک آموزشی شما باید به همکاران ما انرژی بدهد. توصیه‌تان در این مورد به

رفتند و کار کردند و موفق هم شدند. این شیوه جواب داد و آن‌ها هنوز هم با من در ارتباط‌اند. در واقع، این افراد تئوری هنرهای دیگر را می‌خواندند ولی در هنگام عمل آن‌ها که می‌خواست نقاشی کار می‌کرد و دیگری هم که خوشنویسی می‌خواست، خوشنویسی کار می‌کرد. این دبیران هنر کسانی بودند که با عشق و علاقه می‌رفتند و کار می‌کردند.

■ پس شما این را به عنوان یک شیوه آموزشی همچنان پیشنهاد می‌کنید؟

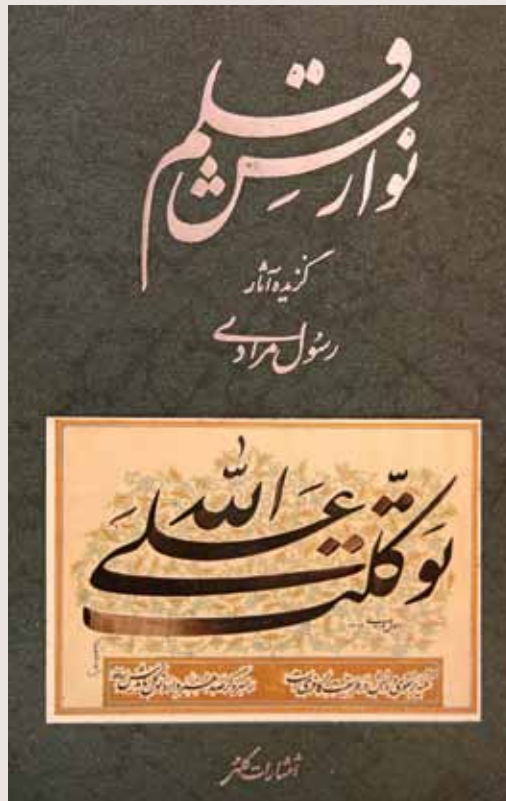
بله پیشنهاد می‌کنم و زمان تدریس هنر هم از یک ساعت و یک جلسه باید افزایش پیدا کند. ضمن اینکه دبیران هنر باید بروند از استادان یاد بگیرند که خط خودشان از حد عالی کمتر نباشد. وقتی دبیر هنر که سرکلاس می‌رود در حد مبتدی و متوسط نمی‌تواند خط بنویسد، با دانش‌آموزان هم نمی‌تواند کار کند. شاید ۵ درصد از دبیران بتوانند خط را عالی بنویسند. من پیشنهادی داشتم و آن، این بود که کلیه دبیران دوره راهنمایی و متوسطه خوشنویسی را تا دوره‌های ضمن خدمت برای دبیران برگزار کرد اما کسی به این پیشنهادها من توجه نکرد. من فقط در آن چهار دوره‌ای که بودم، برای تربیت دبیران هنر تلاش بسیار کردم که مؤثر هم بود و مطمئن هستم که این دبیران تأثیرات خود را می‌گذارند ولی عرض کردم که برای تعلیم دبیران هنر و هم جهت تدریس به دانش‌آموزان علاقه‌مند به خوشنویسی، که فرصت رفتن به انجمن را ندارند، ما باید تعدادی فارغ‌التحصیل خوشنویسی در حد ممتاز را به مدرسه‌ها بفرستیم.

■ پس پیشنهاد شما در واقع این است که در مدرسه

۵۰۰ یا ۶۰۰ نفری کلاسی ۲۰ نفره از علاقه‌مندان تشکیل شود و استعدادیابی صورت بگیرد و در زمان کلاس‌های فوق برنامه به این استعدادها پرداخته شود، چه در زمینه خوشنویسی، چه نقاشی و نگارگری. پیشنهاد شما بسیار عالی است، یعنی هم آموزش در ساعت رسمی و هم در ساعات فوق برنامه که به کارکرد آموزش و پرورش چیزی اضافه می‌کند.

استاد شما به‌رغم بازنشستگی، خوشنویسی را به‌طور جدی تری دنبال کرده و کارهای سنگینی را تمام کرده‌اید. تا آنجا که حافظه من یاری می‌کند، یکی از این کارها دیوان حافظ بوده است. اگر موافق باشید، مروری بر آثار شما داشته باشیم. می‌خواهم درسی به معلمان بدهید که در کنار شغل معلمی می‌توان به کارهای بزرگ دیگری هم دست زد.

من بسیار فعال بودم. دبیر بودم، مسئولیت انجمن



شامل می‌شد. بعد از آن، متوجه نوشتن حافظ شدم. در سال ۷۵ تفال زدم به حافظ و با اجازه‌ی خواجه نوشتیم و حتی گفتم که این را برای خودم می‌نویسم. صد صفحه که نوشتیم، با نشر کلهر قرارداد بستیم. اولین چاپ کتاب هم در قطع رحلی نفیس در ۴۳۱ صفحه چاپ شد. کار بعدی کتابت شاهنامه بود. البته یک کتاب پژوهشی به نام «در عرصه‌ی سیاه‌مشق» نیز چاپ کردم. در آن زمان بیشتر کارهای نمایشگاهی می‌کردم تا اینکه در سال ۸۲ قرارداد شاهنامه را نوشتیم و این کار را در سه سال تمام کردم.

■ با توجه به اینکه خواندن شاهنامه به‌خاطر زیادبودن ابیات برای خیلی از همکاران ما دشوار است، چطور شد که این اراده در شما به‌وجود آمد که شاهنامه را کتابت کنید؟

من از بچگی توجه و علاقه‌ی خاصی به شاهنامه داشتم و این را یک وظیفه می‌دانستم. ضمن اینکه در سال ۸۲ بازنشسته شدم و وقتم آزادتر شد و تمام وقتم در اختیار خودم بود. در طول سه سال کتابت شاهنامه، من در طول شبانه روز، اوقاتم را طوری تنظیم می‌کردم که اول به شاهنامه بپردازم.

■ پس هیچ مزاحمت محیطی برای شما وجود نداشت؟

دبیران هنر چیست؟ عده‌ای می‌گویند چون ما معلم هستیم، وقت پژوهش و تولید اثر هنری را نداریم. من به این مطلب اعتقاد ندارم. تا زمانی که دبیر بودم، زیست و زمین‌شناسی و برحسب علاقه، فلسفه هم تدریس می‌کردم و انرژی زیادی برای تدریس می‌گذاشتم. حتی ۸۰ درصد از شاگردان من کنکور قبول می‌شدند. کلاس خط را هم داشتم، کتاب هم می‌نوشتیم و سعی می‌کردم از تمام وقتم درست استفاده کنم. در واقع، اگر وقت را مدیریت کنیم، به همه‌چیز می‌رسیم.

■ یعنی همکاران فرهنگی ما نباید به صرف تدریس بسنده کنند؟

بنده این کار را کرده‌ام. من زیست‌شناسی تدریس می‌کردم ولی بیشتر وقتم را روی خوشنویسی گذاشتم و در نتیجه، حافظ را یک‌ساله نوشتیم. بعد «آلبوم نوازش قلم» را نوشتیم که این کتاب در بخش مؤلفان معلم جایزه‌ی سیمرغ بلورین را گرفت و در کتاب‌های هنری جایزه‌ی اول را به خود اختصاص داد. من قبل از نگارش حافظ تجربه‌ی یک کتابت جدی داشتم. «ترانه‌های روستایی خراسان» را در سال ۶۸ نوشتیم که در همان زمان چاپ شد. تجربه‌ی این کار هم‌زمان با آن کتاب آموزشی در سال ۱۳۷۶ بود. آن کتاب تقریباً ۵۰۰ رباعی را



اصلاً؛ گاهی از ساعت سه نصف شب شروع به کار می‌کردم تا صبح و اگر در کارم وقفه می‌افتاد، مجبور بودم جبرانی کار کنم. شاهنامه را در هر صفحه چهار ستونه نوشتم که موقع چاپ تفکیک کردند و دوستونه شد.

### ■ استاد، وقتی شاهنامه تمام شد، چه احساسی داشتید؟

من سه سال با شاهنامه زندگی کردم و در آن زمان بود که متوجه شدم فردوسی برای این کشور چه کرده است! این‌طور احساس می‌کنم که شاهنامه هویت فرهنگی ایران است.

### ■ وقتی شاهنامه را می‌نوشتید، احساس نمی‌کردید گنجینه لغاتان بیشتر می‌شود و با واژه‌های بیشتری آشنا می‌شوید؟

سؤال جالبی کردید. مثلاً پدر بزرگ‌های ما اصطلاحاتی را به کار می‌بردند. گاهی می‌گفتم که این‌ها چیست که می‌گویند. هنگام کار با شاهنامه متوجه شدم که این‌ها همه آن اصطلاحات در شاهنامه هست. آن‌ها به‌طور زنده از آن استفاده می‌کنند. دیگر اینکه من با شاهنامه زندگی کردم؛ با خوشی‌هایش خندیدم و با داستان‌های غم‌انگیزش گریه کردم. من یک سوم شاهنامه را در ظرف یک سال نوشتم و پس از آن، نه راه پس داشتم و نه راه پیش که یک دفعه

داستان فرهاد و بیستون به ذهنم آمد و با خودم گفتم این نماد همت و پشتکار است و باید شاهنامه را پیش ببرم. با خودم گفتم چه کاری بهتر از نوشتن شاهنامه!

### ■ وقتی کار تمام شد، احساس شما چه بود؟

در آن زمان بود که کار نوشتن رباعیات خیام را شروع کردم. یک‌بار نوشتم و نزد استاد امیرخانی بردم. ایشان فرمودند که دوباره بنویس و دوباره نوشتم که استاد پسندید. این بود که من در دل شاهنامه، دو بار هم خیام را نوشتم. در این زمان‌ها بود که دیوان شمس را هم به من پیشنهاد دادند. روزی یک صفحه از این می‌نوشتم و یک صفحه از شاهنامه.

### ■ فکر نمی‌کردید که این کار بر یکنواختی کتابت شاهنامه تأثیر بگذارد؟

مسلماً اگر شما به حافظ نگاه کنید، بسیار یکدست است ولی من روزی دو ساعت و نیم آن را می‌نوشتم.

### ■ اینجا نکته‌ای پیش می‌آید و آن این است که خوشنویس‌ها در جریان کتابت ظرفیت خود را پیدا می‌کنند. علی‌القاعده شما فرصتی نداشتید برای اینکه بنشینید و یکی یکی ابیات را بررسی کنید و محک بزنید.

کتابت عالی‌ترین درجه خوشنویسی است؛ چون مثلاً ما در موسیقی بداهه‌نوازی داریم و این هم نوعی بداهه‌نویسی است و دست و ذهن است که به‌طور خودکار دارد کار می‌کند. در لحظه بداهه‌انگار خط در وجود خوشنویس است و او از آن لذت خاصی می‌برد.

### ■ من یک ویژگی خاصی در خوشنویسی شما حس می‌کنم و به نظرم می‌رسد که سوای ارزش‌های فنی، گویا و خوانا بودن کار برای شما مهم بوده است. شما اگر حافظ را هم ملاحظه بفرمایید، همین ویژگی را دارد.

### ■ احساس شما بعد از پایان کار چه بود؟

من در آن زمان در سرازیری کار افتاده بودم و موقع نوشتن  $\frac{1}{3}$  آخر جشن گرفتم؛ چون صفحات را براساس چهار ستون تنظیم کرده‌ام و با اینکه این‌ها از هم جدا شده‌اند ولی هنوز هویت خود را دارند. کما اینکه اگر قرار بود من برای دو ستون هم تنظیم کنم، می‌توانستم.

در آن زمان که در سرازیری افتاده بودم،  $\frac{1}{3}$  دیوان شمس را هم نوشتم که کار آن



بسیار سریع پیش می‌رفت. با اینکه آن اثر ۱/۵ برابر دیوان حافظ است، برای من مثل زنگ تفریح شده بود.

#### ■ کتاب شاهنامه دقیقاً چه زمانی تمام شد؟

کتابت شاهنامه در آبان ماه ۸۵ تمام شد. یک صفحه از شاهنامه مانده بود که ما دو هفته به سفر مراکش رفتیم. وقتی برگشتم آقای مجتبی سبزه آمدند و مصاحبه کردند و من بیت آخر را که نوشتیم، عکس برداری شد.

#### ■ در واقع، شما این توفیق را معلول چه می‌دانید؛ برنامه‌ریزی خودتان یا توفیق الهی؟

گفتم که همان انگیزه مضاعفی که آن داستان در من ایجاد کرد و من فکر می‌کنم در درجه اول خط و بعد روح فردوسی کمک کرد. چون در حقیقت من بچه سرزمین طوس هستم و دوست داشتم این کار انجام شود.

#### ■ پس شما پس از این کار غزلیات شمس را هم تمام کردید؟

اگر دقت بفرمایید، غزلیات شمس بسیار دشوار است و بحرهای بلند و کوتاه زیادی دارد و تنظیم آن‌ها دشوار است.

#### ■ استاد شما در شیوه کتاب خود خط می‌کشیدید یا از مسطر استفاده می‌کردید؟

مسطر می‌کشیدم. خط مدادی را کنار گذاشته بودم و از کاغذ کتابت نیمه گلاس استفاده می‌کردم. این را توضیح بدهم که ما می‌خواستیم استاد شفيعی کدکنی منتخبی را گردآوری کند. ایشان از قبل منتخبی داشت که شامل حدود ۳۹۸ غزل بود و ما به حدود ۷۰۰ غزل نیاز داشتیم. خدمت ایشان رفتیم و فرمودند من الان فرصت انتخاب مجدد را ندارم و شما از همان استفاده کنید. وقتی من بررسی کردم، دیدم که هم تعداد غزلیات کم است و هم تعداد سطرها؛ مثلاً از ۱۸ سطر ایشان فقط ۸ سطر را آورده بودند. در نهایت خودم انتخاب کردم. شما الان هر غزلی که از ذهنت بگذرد، در این کتاب پیدا می‌کنی. دکتر پاریزی هم خوششان آمد و گفتند که برای کتاب مقدمه می‌نویسند و خیلی موفق بود؛ برای اینکه اولین باری بود که دیوان شمس کتابت می‌شد. بنابراین، ظرف کمتر از شش ماه چاپ این کتاب تمام شد. چاپ دوم این کتاب هم تمام شده است و چاپ سومی دارد که به همراه تابلوست. ضمناً کتابت این با حافظ تفاوت دارد. این را به سبک شاهنامه سریع نوشتیم.

#### ■ بعد از این کار، چه اثر دیگری از شما داشته‌ایم؟

بعد از این، رباعیات خیام آمد که ظرف دو سال ۵ بار به چاپ رسید و در خانه هنرمندان رونمایی خیام و غزلیات

یک دبیر موفق هنر حداقل در یکی از زمینه‌های هنری باید موفق باشد و این لذت هنری را حس کرده باشد. وقتی هنر در وجودش باشد، به عنوان تفریح سر کلاس هنر نمی‌رود



شمس انجام شد. گلستان سعدی و عطار را هم نوشته‌ام. البته منتخب عطار را نوشتم که در آن هم انتخاب با خودم بود.

### ■ استاد، شما برای یک معلم هنر موفق چه مؤلفه‌هایی قائل هستید؟

یک دبیر موفق هنر حداقل در یکی از زمینه‌های هنری باید موفق باشد و این لذت هنری را حس کرده باشد. وقتی هنر در وجودش باشد، به عنوان تفریح سر کلاس هنر نمی‌رود. اگر این عشق در وجودش باشد، می‌تواند آن را به دانش‌آموز هم منتقل کند. ضمن استفاده خوب از وقت هنر باید تاریخ هنر را هم بشناسد و به‌طور مداوم مطالعه داشته باشد. یک بار زمانی که من کلاس داشتم، قرار بود دانشجویها را به اردو ببریم. ما آن‌ها را به موزه‌های مختلف در شهرهای مختلف بردیم. دبیران می‌گفتند ما تازه تاریخ هنر را درک می‌کنیم و بعد از این اردو نگاه آن‌ها به هنر کاملاً عوض شد.

### ■ پس معلمان ما باید تغییر نگرش دانش‌آموزان را در برنامه کاری خود قرار بدهند؟

بله باید این‌طور باشد. آموزش و پرورش باید برای معلمان هنر اهمیت قائل شود. این‌طور نباشد که اگر یک مدرسه معلم هنر نداشت، مثلاً از معلم جغرافیا بخواهد که برود هنر تدریس کند. خود معلمان هنر هم باید از این درس حمایت کنند و آن را جدی بگیرند. در اروپا از هنر به عنوان غذای روح یاد می‌کنند.

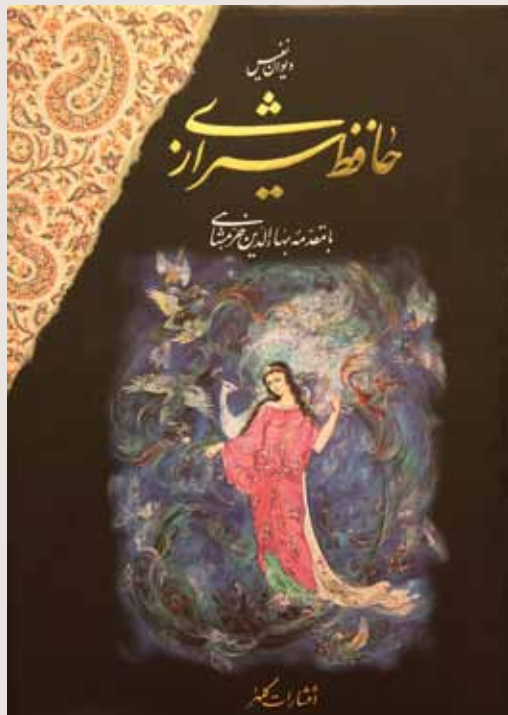
### ■ بارها اعلام کرده‌ایم که هنر می‌تواند در پیشرفت درسی دانش‌آموز مفید باشد. نظر شما چیست؟

صددرصد این‌طور است. من بارها به آموزش و پرورش گفته‌ام و برنامه‌اش را داده‌ام که درس هنر باید زمینه‌ای بشود و به دانش‌آموزان برای انجام دادن کارهای دیگر انگیزه بدهد. نگاه تحقیرآمیز به هنر باید کنار گذاشته شود.

### ■ استاد، بفرمایید برنامه آینده شما چیست؟ کتابت یا برگزاری نمایشگاه؟ کدام در دستور کارتان وجود دارد؟

به هر حال من هر دو یا سه سال نمایشگاهی برگزار می‌کردم. از دو سال پیش که نمایشگاه برگزار کرده‌ام، دیگر نمایشگاه داخلی نداشته‌ام. در این فاصله سه نمایشگاه در هند، در دانشگاه علیگر، که از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های آسیاست، داشتم که از آن‌ها استقبال خوبی شد. ضمن اینکه خوشنویسان هند ۱۲ - ۱۰ سال است که دارند با من کار می‌کنند.

### ■ استاد، شما موفقیت‌های بسیاری داشته‌اید؛ رمز موفقیت خود را در چه می‌بینید؟



در اصل توفیق الهی است. مدیریت زمان هم هست. من بزرگانی چون فردوسی را که سال‌ها زحمت کشیده‌اند، الگوی خود قرار دادم. به هر حال، آدم وقتی کتاب‌های این بزرگان را می‌نویسد، خود را کوچک و حقیر می‌بیند. شاهنامه اولاً کتاب دین ماست؛ یعنی مثلاً در شاهنامه از نیکی سخن می‌گوید و شر و بدی جواب خود را می‌گیرد. این کتاب، دست‌ورنامه اخلاقی است. می‌گویند که هفت‌خان رستم، هفت وادی سلوک است که رستم گذرانده و فردوسی آن را با درایت طراحی کرده است. در ضمن، از نظر شاهنامه یک ایرانی، یک خداشناس واقعی است. یک ایرانی کشور و دین خود را سرآمد همه چیز می‌داند و جانش را در مقابل این‌ها بی‌اهمیت می‌بیند. این‌ها در اصل رموز موفقیت شاهنامه است. من اعتقاد دارم که اگر شاهنامه نبود، ایران به شکل امروزی‌اش نبود؛ چون شاهنامه زبان ما را حفظ کرده و اصل هم‌بستگی هر ملتی زبانش است. وقتی زبان به کنار است، طبیعی است که هر کس ساز خود را بزند. اگر فردوسی را در یک کفه ترازو قرار دهیم و کسانی را که برای ایران زحمت کشیده‌اند در کفه دیگر، فردوسی بر همه سنگینی می‌کند.

■ خوش به حالتان که فرصت همنشینی با این بزرگان را از دریچه خوشنویسی داشته‌اید! از مصاحبت با شما بسیار بهره بردیم و امیدواریم خوانندگان رشد آموزش هنر هم این بهره را ببرند. از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، کمال تشکر از دارم.

# نقش همه جلوه نقاش شد!

## تصویری کردن شعر و نوشته در کلاس هنر

محمدعلی اشرفی  
دبیر هنر

### اشاره

نزدیک ساختن و منطبق کردن واژه‌های شعر و متن به تصویر و نقاشی یکی از تکنیک‌های مهم در عرصه پرورش خلاقیت هنری دانش‌آموزان است.

در سنت ادبی و هنری سرزمین ما این موضوع سابقه‌ای دیرینه دارد. ترجمان تصویری صحنه‌های شورانگیز شاهنامه و نگارگری از موضوعات عرفانی آثار مولانا و سایر متون ادبی نمونه‌هایی تکامل‌یافته‌اند که زنگ مفهومی متن را در ذهن بیننده به صدا درمی‌آورند. در این نوشتار با تکیه بر شعر غنی فارسی به این تکنیک به عنوان روشی کاربردی توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: تصویری کردن، شعر، کلاس هنر



هر گلی بزنی...



نرود میخ آهنین در سنگ.

او چو خورشید بود و من فانوس  
حالت قطره بود و اقیانوس  
(افشین علا)



یعنی ای طفل بیندیش و بکار  
که همان می‌دروی آخر کار



و زان دیدن که حیرت حاصلش بود  
دلش در چشم و چشمش در دلش بود  
(نظامی)



گر به دست تو خدنگی است مرا هم سپریست!



چار چیز آمد که یابد دیده و دل نور از آن  
خط خوب و روی خوب و سبزه و آب روان



به خار زار جهان گل به دامنم با عشق  
صفای روی تو تقدیم می‌کنم با عشق  
(مشیری)

در کلاس درس یکی از روش‌های کاربردی که بازخورد و کارایی مناسبی هم دارد، تبدیل کردن تک مصرع‌ها و تک بیت‌های تصویری به موضوعی برای تصویرسازی و نقاشی است. زمان درس هنر فرصت بسیار مناسبی است که اصالت هنری بکر و دست‌نخورده دانش‌آموزان را شکوفا کنیم و خلاقیت پیش‌بینی نشده آن‌ها را در تبدیل کردن متن، شعر و داستان، به تصویر و نقاشی محک بزنیم.

این روش شرط سنی و دوره‌ی درسی خاص ندارد اما برای به‌بار نشستن آن یک الزام جدی وجود دارد و آن این است که آستین معلم و مدرس هنر در مقاطع مختلف پراز سوژه‌ها و مضامین جاذب و به‌قولی «دانش‌آموزپسند» باشد تا این روش به‌جای بازخورد منفی، با استقبال آن‌ها روبه‌رو شود. لازم به یادآوری است که کتاب‌های درسی، به‌ویژه درس فارسی، دارای نمونه‌های مناسبی هستند که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در عین حال، برای بسط موضوع به برخی از نمونه‌ها، که از ساده به پیچیده تنظیم شده‌اند و دارای ظرفیت تصویرسازی و نقاشی هستند، نگاهی می‌اندازیم:

باد آمد و برگ لاله را برد

(نظامی)



سال‌ها مشعل ما پیشرو دنیا بود

چشم دنیا همه روشن به چراغ ما بود

(شهریار)



سبکبار مردم سبک‌تر روند

•••

با جوانه‌ها، نوید زندگی است

زندگی شکفتن جوانه‌هاست

(مشیری)

•••

هر روز به شاخه گل زرد

پروانه چو بال و پر فشانند

یا بلبلی از درون پر درد

فریاد کند، ترانه خواند

هر سوی فرشته بال گستر

ای دوست مرا به‌خاطر آور

(اسدا... اشتری)

•••

الا ای ساحل امید، سعی عاشقان دریاب

که ما کشتی در این طوفان به سودای تو

می‌رانیم

(ابتهاج)

•••

ملک هستی اجتماع ذره‌هاست

(بختیاری)

•••

ای صبا امشبیم مدد فرمای

(حافظ)

•••

مشورت در امور تا نشود

گره از کار بسته وانشود

•••

آیینۀ نگاهت پیوند صبح و ساحل

لبخندِ گاه‌گاهت صبح ستاره‌باران

(شفیعی کدکنی)

•••

افق رنگی دریاچه چشمان تو را

اختران غرق تماشا که چه چشم‌انداز است!

(شهریار)



عفت بهشت پروردگرم

مدا به آفتاب و آفتاب از توست  
ستاره آسمان، مهتاب از توست  
مدا ای مسلمان، یک رنگی  
مدا ای سائیک، مدای تشکیلی

•••

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست

که هر چیزی به‌جای خویش نیکوست

(شبستری)

•••

ای جوانی چه زود می‌گذری!

(پژمان بختیاری)

•••

نامه را گر می‌بری قاصد زبانی هم بگو

نامه را آهسته بگشا دل در آن پیچیده است

•••

راستی موجب رضای خداست

کس ندیدم که گم شد از ره راست

•••

دلَم گهواره غم‌های عالم

ز مشرق تا به مغرب تاب می‌خورد

(اخوان)

•••

پاییز رنگ و بوی مرا زرد کرده است

سبزم کن ای نسیم لطیف بهاری‌ام

(ولیئی)

•••



سرشار از نمونه‌های تصویرگرایانه است که می‌توان  
از آن‌ها در انتخاب مضامین بهره گرفت؛ از جمله:  
می‌توان با این خدا پرواز کرد  
سفره دل را برایش باز کرد

•••

البته در اینجا یاد کردن از منظومه زیبای «حیدر بابا سلام» استاد  
شهریار نیز بسیار بسزاست؛ زیرا به تعبیر ادبا این قطعه زیبا به خاطر  
تصویرگری شاعرانه‌اش مانند یک اثر تصویری متحرک است که با  
حرکت آرام کلمات و عبور کند آن‌ها اجرا می‌شود.  
اشعار پروین اعتصامی نیز علاوه بر سادگی و همه‌فهم بودن  
از نظر داشتن ویژگی تصویری و داستانی، منبع قابل استفاده‌ای  
برای تمرین بیشتر این شیوه کاربردی است. به خاطر داشته  
باشیم که قدرت تصویرسازی از مضامین اشعار و نوشته‌ها و  
موضوعات به مثابه یک توانایی هنری در تمام هنرهای تجسمی  
امری مورد نیاز و ضروری است که باید آن را پرورش داد و  
تقویت کرد. آنچه باید به این نکته افزود این است که در مراحل  
اولیه ضرورتی ندارد جزء به جزء کلام به تصویر و نقاشی تبدیل  
شود بلکه تصویرگری کردن قسمت‌هایی که امکان آن برای  
دانش‌آموزان وجود دارد، کفایت می‌کند؛ زیرا در این مرحله،  
هدف برقراری ارتباط بین کلام و تصویر است.

به نمونه‌هایی از اشعار پروین توجه کنید.

کوشنده همیشه رستگار است

•••

سرمایه راستی به دست آر

•••

چراغ هنر شمع راه تو باد



وصله ناجور است.

•••

به پرستو، به گل، به سبزه درود  
به، شکوفه، به صبحدم، به نسیم  
به بهاری که می‌رسد از راه

(مشیری)

•••

بیگانگی نگر که من و یار چون دو چشم  
همسایه‌ایم و خانه هم را ندیده‌ایم

(صائب)

•••

آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت

(حافظ)

•••

جز طریق راستی راهی مپوی

(رسا)

•••

بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی

(حافظ)

•••

تیزترک گام زن منزل ما دور نیست!

(اقبال)

•••

ای «رسا» جمله دانش‌آموزان

باید این نکته را بیاموزند

مردمان موفق امروز

کودکان جسور دیروزند

(دکتر رسا)

•••

به گیتی نام ایران جاودان باد

هماره خاک پاکش درامان باد

(دکتر رسا)

•••

در میان شعرای معاصر، شعر زنده‌یاد قیصر  
امین‌پور به دلیل آشنا بودن وی با هنر نقاشی

صحبت سنگ و سیو راست نیاید هرگز

•••

صید غافل زحمت صیاد را کم می کند

•••

عافل به کنار جوی تا پُل می جُست

دیوانه برهنه پای از آب گذشت

•••

هرجا که پری رخی است، دیوی با اوست

•••

در گفت‌وگو با نقاشان و نگارگران بزرگ کشورمان، استفادهٔ همیشگی آنان از گنجینهٔ شعر و ادب فارسی به عنوان مهم‌ترین منبع الهام مورد تصدیق قرار گرفته است. این روش کاربردی، مقدمه‌ای برای وصل کردن دانش‌آموزان به منبع غنی، سرشار و پایان‌ناپذیر ادبیات فارسی است که در ساحت زرین هنر می‌تواند نقش زیربنایی و قوام‌دهندهٔ پایه فکری داشته باشد و به خلاقیت هنری دامن زند.

ملاحظه می‌شود که در این مضامین می‌توان طیفی از مصداق‌های عینی تا مفاهیم انتزاعی از آسان به پیچیده یا از واقعیت به ذهنیت را دسته‌بندی کرد و کارایی آن‌ها را در آزمایشگاه هنری کلاس سنجید.

به‌طور حتم، به دلیل پیش‌بینی ناپذیر بودن موضوع و نحوهٔ برخورد هنری بچه‌ها با سوژه‌های مطرح شده، نتیجهٔ کار بسیار جذاب خواهد بود. نگارنده تجربیات عینی و ارزنده‌ای از لایه‌های جمال‌شناختی دانش‌آموزان با این روش کسب کرده که حتی برای معلمان نیز درس‌آموز است.

از مرحلهٔ سوژه‌های شعری که عبور کنیم برخی از نویسندگان قدرت تصویرسازی خود را در متن‌ها و داستان‌های نگاشته شده به زیبایی به‌کار گرفته‌اند. برای نمونه، ترجمهٔ یکی از اشعار «آلفرد تنیسون»، ادیب و نویسندهٔ معروف انگلیسی، واجد ویژگی تصویری فوق‌العاده‌ای است که در این شعر با عنوان «شکوه عقاب» آمده است:

عقاب، این پرندهٔ شکوهمند را می‌بینی

که چگونه بر صخره‌های بلند چنگ می‌اندازد

در زمین‌های پهناور دوردست، نزدیک به خورشید  
پرواز می‌کند

و چون می‌نشیند، آسمان لاجوردین همچون  
حلقه‌ای برگردن اوست.

دریای مواج در زیر پایش می‌خزد

•••

به این فهرست می‌توان شمار قابل توجهی از اشعار و عباراتی را که در درازنای زمان به ضرب‌المثل‌های تصویری تبدیل شده‌اند، اضافه کرد:

صفای هر چمن از روی باغبان پیداست

•••

سیلاب نپرسد که ره خانه کدام است؟

•••

کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است

•••

شغالان جای شیران را گرفتند

•••

سبزه بر سنگ نروید چه گُنه باران را؟

•••

طبل رسوایی ما بر سر بازار زدند

•••



آب در هاون کوبیدن.



او از فراز دیوارهای مرتفع کوه به دریا می‌نگرد  
و به‌ناگاه چون صاعقه بر سر صیدی فرود می‌آید.<sup>۲</sup>

تصویرهای آفریده شده در این شعر در هماهنگی با اجزای کلمات بسیار دیدنی است؛ تا آنجا که دکتر حسین الهی قمشه‌ای در توصیف این ترجمه شعری می‌نویسد:

«این شعر بسیار به نقاشی نزدیک شده است و نشان می‌دهد که با قلم نیز مانند قلم‌مو می‌توان نقاشی کرد و گاه نقشی خوش‌تر و بهتر و بادوام‌تر آفرید. یکی از امتیازات شعر بر نقاشی این است که نسخه اصلی ندارد که در موزه‌ای باشد و دیگران نقش آن را در کتاب ببینند یا گاهی برای دیدنش به موزه روند، بلکه شعر برای همه کس نسخه اصلی است.<sup>۳</sup>»

نکته جالب‌تر اینکه شعر ظرفیت آن را دارد که یک معنی بسیار بزرگ را در خود بگنجاند؛ به طوری که از یک مصرع یا بیت آن به عنوان شعاری محوری برای رخداد‌های بزرگ جهان استفاده شود. برای نمونه، «هیئت انتخاب شعر المپیک سال ۲۰۱۲ لندن به سرپرستی کارول ان دافی، که ملک‌الشعرا انگلستان است، پس از بررسی ۳۶۰ شعر و جمله، بالاخره بخشی از شعر آلفرد تنیسون را انتخاب کرد. این گروه به دنبال متنی بودند که به نحوی بیان‌کننده تلاش، شکوه و بُرد و باخت ورزش المپیک باشد و سرانجام از میان آثار بررسی شده سطر «تلاش کردن، پوییدن، یافتن و تسلیم نشدن» را از آن شاعر بزرگ برگزیدند.<sup>۴</sup>»

ملاحظه می‌شود که این سطر عمیق و پرمعنا از زوایای گوناگون می‌تواند منبع الهام برای خلق اثر نقاشی، طراحی، گرافیک و حتی خوشنویسی به حساب آید و همچنان که شعار المپیک جهانی قرار گرفته است، می‌تواند موضوع دست‌ورزی هنری و قلم‌گردانی آزادانه بچه‌ها در کلاس نیز باشد.

می‌دانیم که تبدیل نوشته به اثر هنری، آن هم به شکل کلاسیک و کاربردی، کار تازه یا بدیعی نیست و هر کدام از معلمانی که این نوشته را مطالعه می‌کنند، تجربیاتی ارزنده از این دست را خود به عنوان خاطرات دلنشین تدریس به یاد می‌آورند. در عین حال، استفاده از این روش به عنوان یک «روش تدریس فعال» نیز گاهی مغفول می‌ماند و علت تأکید در این نوشتار فقط یادآوری و تأکید بر بهره‌گیری از آن است. باید توجه داشته باشیم که در این روش به دنبال آن نیستیم که حتماً انتظارات معلم هنر در رعایت اصول و مبانی هنرهای تجسمی توسط دانش‌آموزان برآورده شود بلکه هدف، بالابردن قدرت تصویرسازی از متن و به‌راه انداختن چرخ تصویرسازی خیالی دانش‌آموزان است تا هر کس آزادانه و بدون قید و بند، زبان هنری و شخصی خود را به کار گیرد. اتفاقاً برخورد هوشمندانه معلم هنر در

آزاد گذاشتن ذهن و ضمیر و دست بچه‌ها شیوه‌ای است که با بهره‌گیری از آن، می‌توان آرام‌آرام مبانی و اصول را در جریان کار به دانش‌آموزان یادآوری کرد.

این شیوه اگر در کلاس درس هنر نهادینه شود، بی‌تردید تأثیر خود را در بیرون از کلاس نشان خواهد داد؛ زیرا آثار بچه‌ها نمایشگاهی از نگارخانه خیال خلاق هنری آن‌هاست که در تمام مدرسه قابل به نمایش گذاشتن و تماشاست. بروز این احساس هنری به دلیل آنکه با ضمیر ناخودآگاه بچه‌ها مرتبط است، پایانی ندارد و می‌توان دمدام دست‌چین‌های تازه و تازه‌تری از آن را برای سفره هنر مدرسه به ارمغان آورد.

اما تأکید نهایی همان است که شکل‌آفرینی از موضوع نوشتاری، مستلزم انس پیوسته معلم با ادبیات یا حداقل، بهره‌گرفتن از ادبا و گفت‌وگو با آنان یا همنشینی با آثار ادبی است که دست‌مایه اولیه را برای این روش فراهم می‌کند.

#### ببینی نوشت

۱. نگاه کنید به کتاب ارزشمند «فوت کوزه‌گری، مثل‌های فارسی و داستان‌های آن»، زیر نظر مصطفی رحماندوست، انتشارات مدرسه. در این کتاب دو جلدی ضرب‌المثل‌های شیرین زبان فارسی همراه با داستان‌های مرتبط با آن‌ها به تفصیل ذکر شده است. بسیاری از این ضرب‌المثل‌ها قابلیت تبدیل شدن به تصویر و نقاشی را دارند و مطالعه آن‌ها موجب غنی‌شدن ذهن معلمان و همکاران هنری در ارتباط با ظرفیت‌های زبان فاخر فارسی و موضوع مورد نظر می‌شود. در این کتاب برخی از ضرب‌المثل‌ها به تصویر تبدیل شده‌اند.
۲. ترجمه شعر «شکوه عقاب» اثر آلفرد تنیسون در کتاب در قلمرو زرین (ص ۵۳۵)، ترجمه حسین الهی قمشه‌ای، انتشارات سخن، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳. همان منبع، ص ۵۳۵.
۴. روزنامه ابرار ۱۳۸۹/۱۲/۱۱، صفحه «آیینة هنر».

# به یاد کودکی! در تصاویر کتاب‌های درسی

پرویز کلانتری

اشاره

دنیای خیالات دوران مدرسه از رنگین‌کمان خاطره‌انگیز تصاویر کتاب‌های درسی به الوان گوناگون درآمده است؛ زیرا زیبایی «نقش اول» همواره آن را در حافظهٔ کودکان ماندگار می‌کند و بی‌دلیل نیست که قصه‌های شورانگیز کتاب‌های درسی در کنار تصاویر آن دوران، از شیرینی و کشش ویژه‌ای برخوردارند. انتظار آفرینی داستان‌ها در عین کوتاهی و سادگی لحظه‌هایی را رقم می‌زد که تمام وجود دانش‌آموز را به خود جذب می‌کرد. جنگ قهرمان با اژدها، گفت‌وگوی کبوتر با بادصبا، قصهٔ روباه و خروس و... با تصاویر رنگین کتاب بعد نمایشی جالبی به خود می‌گرفت تا همه چیز برای نشان دادن مضمون واقعی در ذهن کودکان فراهم شود. در آن روزها، مثل همیشه، تصاویر بهترین مدد رسان و گویاترین وسایل کمک آموزشی بودند تا نگرشی نو را در کودکان دیروز؛ شکل دهند نگرشی که با آن بتوانند در دنیای فردا زندگی کنند و با هموعان خویش تعامل داشته باشند.

اما تصویرسازی که آن دنیای کودکی را در کتاب‌های درسی خیال‌انگیز می‌کردند، کسانی هستند که همچون هنر تصویرسازی خود به دنیای یادها و خاطره‌ها راه یافته و در خاطرهٔ جمعی کودکان روزگار خویش ماندگار شده‌اند. می‌دانیم که برای اهل هنر، اهل ادب و اهل علم ورود به دنیای کتاب‌های درسی در اشکال مختلف آن آرزویی برجسته است که تحقق آن حضور دائمی و مؤثر صاحب اثر را در دورهٔ حیاتش معنی تازه‌ای می‌بخشد و این تجربه را برای او منحصر به فرد می‌کند. براین اساس، خاطرهٔ دلنشین استاد پرویز کلانتری، از تصویرسازان دیروز کتاب‌های درسی و از استادان به‌نام نقاشی امروز، برای همکاران هنر آموزش و پرورش خواندنی و برخی از تصویرسازی‌های ایشان در کتاب‌های درسی دیدنی است.

رشد





کتاب ای درسی

از پرویز گلزاری

اگر شباهت کنم در سال ۱۳۳۴ به آن که زمان زمانی دینی بر عنوان گرفت در  
موسسه اشادات فرانکلین عمده دار نقاشی کتاب ای درسی شدیم. حجم کار  
زیاد بود به تدریس هکلرانی که عمدتاً از دانشجوهایان و با نابع استخوان  
دانشگاه هراسی و بیاسی تهران بودند. ما می‌نوشتیم من غلامعلی مکتبی که در تئوری ای  
کار به یونان، پاریس رفت و در آن وقت هم میان با هکلرانی می‌کرد و دیگری  
من ترانت سیگالیان، فریدون جانانی و یان طرکاد. از خوشتر زبان هم آقای مستور  
و زنده یاد یزدانی هکلر ما بودند زنده یاد هروز و حمید حسون آمد و خاتم شهادت  
صورتی نقش بردند. کار ما نیز نظر مولفین کتاب ای درسی انجام می‌گرفت  
کسانی مثل دکتر محمد حسن گنجی پدر جغرافیای ایران دکتر ساعدت زمانزما استاد تاریخ  
دکتر محمود بهار در رشته علوم طبیعی دکتر احمد آرام رشته علوم خاتم نمیتد با آنچه می‌مان  
دلیل آن هم عمده داتین فارسی آقای قرانی و اشیات و دیگران...  
در پایان کار در سال ۱۳۶۰ هرگز گروه مولفین کتاب ای درسی بر آن آشتی  
با اصول کار کتاب ای درسی در سراسر عرصه به امریکا در دانشگاه کلیا در  
نیویورک برآمد ای برای مولفین ترتیب داده شد و

بنده در آن زمان هم بر آن آشتی با شیوه آن همه به تفکیک رنگ در نقاشی  
کتاب در استودیوی DAN RAW در نیویورک به کار خود می‌پرداختیم.  
شیدمانی پس از انقلاب در سراسر به عنوان تحلیل از پیشگوران نقاشی کتاب ای درسی  
جنبه دیر آگوش و پرویز گلزاری در بر این غیرنگاران من اهلای لوح اختصار به  
بنده فرمودند: آقای گلزاری وقت من به دبستان می‌رفتم نقاشی این فریادی کار  
در کتاب ای درسی هنوز به خاطر دارم. در نقاشی کتاب ای درسی از خاطر بوی ایران  
استاد کوردهم برای مثال در نقاشی حاکم کبابی؟ تصویر حاکم از روی تصویر ورتیانی اهل طابان  
به آن نگاه و لباس و دستای نقاشی که ما هم می‌دانیم که در نقاشی آن کتاب میراثی ایران با دو اس  
از درسی کس ای دستار ساطن که ناگهان ایران نقاشی کله ۱۰۰ این بهترین تجربه ای بود که  
امروز با در فارسی به خاطر فرهنگ ایران در نقاشی ادامه داده ام.

میلاد ۱۳۹۱





حضور معلمان هنر در



# دوسالانه المملانی خوشنویسی ایران

گزارش

## اشاره

اردیبهشت و خردادماه ۱۳۹۱ شهر «هنر بنیاد» قزوین به عنوان پایتخت هنر خوشنویسی ایران، مهم‌ترین رخداد هنری را با دومین دوسالانه خوشنویسی تجربه کرد. اولین دوسالانه در سال ۱۳۸۹ برگزار شد. در راه‌اندازی و بنیان‌گذاری حرکت دوسالانه استاد فقید مرحوم ابوالحسن محمص مستشاری که خود از دبیران هنر و پیش‌کسوتان آموزش و پرورش بود، نقش مؤثری داشت و اینک در دو سالانه دوم، آن معلم وارسته با ذکر خدمات هنری‌اش مورد تقدیر قرار گرفت. دوسالانه از بخش‌های متنوعی چون بخش مسابقه، نمایشگاه (با حضور استادان پیش‌کسوت و مدعو در خطوط چهارگانه)، بخش بین‌الملل، بخش قطعات کتابت و بخش ویژه شکسته نستعلیق با یاد استاد کل درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۸۵-۱۱۵۰ ه.ق) تشکیل شده بود. مسئولان برگزاری بر این باورند که توجه به هنر خوشنویسی به عنوان یک هنر بالذات زیبا، بدون دربرداشتن تذهیب و پیرایش و آرایش می‌تواند نقطه عطفی در جریان جشنواره‌های خوشنویسی کشور محسوب گردد. بر این اساس، این باور وجود دارد که یک اثر خوشنویسی واجد همه زیبایی‌های بصری است و هدف از برگزاری دوسالانه ارتقای حس زیباشناختی و درک بصری برای عموم مردم و توسعه عمومی هنر خوشنویسی بوده است. نکته قابل توجه این دوسالانه حضور خوشنویسان جهان اسلام در شیوه‌های نسخ و ثلث و نقاشی‌خط بود که سطح خوشنویسی این کشورها را در مقایسه با ایران به نمایش می‌گذاشت و بیننده می‌توانست ریشه و عمق هنر خوشنویسی ایران را در آینه کیفیت سایر آثار به راحتی ارزیابی کند.





از نکات قابل توجه دیگر، حضور گسترده خوشنویسان فرهنگی، مدرسان تربیت معلم و هنرمندان معلم در بخش‌های مسابقه و نمایشگاه بود. این نکته نشان می‌دهد که همکاران حوزه هنر آموزش و پرورش از رخدادهای فرهنگی و هنری مهم کشور با عنایت ویژه استقبال و استفاده می‌کنند و همین توجه، پویایی و روزآمدی اهل هنر آموزش و پرورش را گواهی می‌دهد؛ رویه‌ای که با برطرف شدن موانع نهادینه خواهد شد.

دوسالانه، ویژه‌نامه‌ای با عنوان «دریچه هنر» چاپ و عرضه کرده بود که حاوی نکات کلیدی و برخی گفت‌وگوهای مفید بود و چند و چون دوسالانه را به علاقه‌مندان گزارش می‌داد. نحوه برگزاری مسابقه یکی از ویژگی‌های این جشنواره به‌شمار می‌آمد؛ به این ترتیب که مسئولان با انتخاب موضوع نگارشی واحد در هر یک از خطوط نستعلیق، شکسته، نسخ و ثلث، اندازه قلم و قالب نوشتن را برای بروز خلاقیت‌های فردی آزاد اعلام کرده بودند. ملاحظه قطعات نوشته شده نشان از رشد خیره‌کننده قلم به‌دستان جوان داشت. این نکته راه را بر داوری سلیقه‌ای بسته بود و داوری‌ها تا اندازه درخور توجهی به روش مبتنی بر معیار استوار شده بودند و از این طریق برگزیدگان انتخاب می‌شدند. برای برگزیدگان جوایز قابل توجهی در نظر گرفته شده بود.

یکی دیگر از اهداف دوسالانه، ایجاد فضای مناسب برای فروش آثار و کمک رساندن به موضوع مهم اقتصاد هنر است؛ امری که جای خالی آن را در بخش هنر وزارت آموزش و پرورش می‌توان احساس کرد. اگر مصوبه دولت مبنی بر اختصاص یک دهم بودجه برای خرید آثار هنری جنبه اجرایی پیدا کند و متولیان خرید آثار، همکاران فرهنگی و نخبگان هنر آموزش و پرورش را در اولویت قرار دهند، بدون تردید حرکتی مهم و انگیزه‌بخش در حوزه هنر تعلیم و تربیت به‌وقوع می‌پیوندد.

قطعات بسیار زیاد و متنوع خوشنویسی در دوسالانه جلوه‌هایی کوچک از عشق و علاقه زیاد مردم کشورمان به هنر خوشنویسی را نشان می‌داد. شهر قزوین نیز به راستی شایسته این جشنواره بزرگ خط بود.

از آنجا که به‌طور حتم بسیاری از دبیران و مدرسان هنر نتوانسته‌اند از این نمایشگاه در سرای سعدالسلطنه (یکی از بناهای تاریخی قزوین) بازدید کنند، تعدادی از قطعات خوشنویسی ارائه شده در آنجا را در مجله رشد آموزش هنر به نمایش می‌گذاریم.







خط: علی فرزانه، مدرس تربیت معلم اصفهان

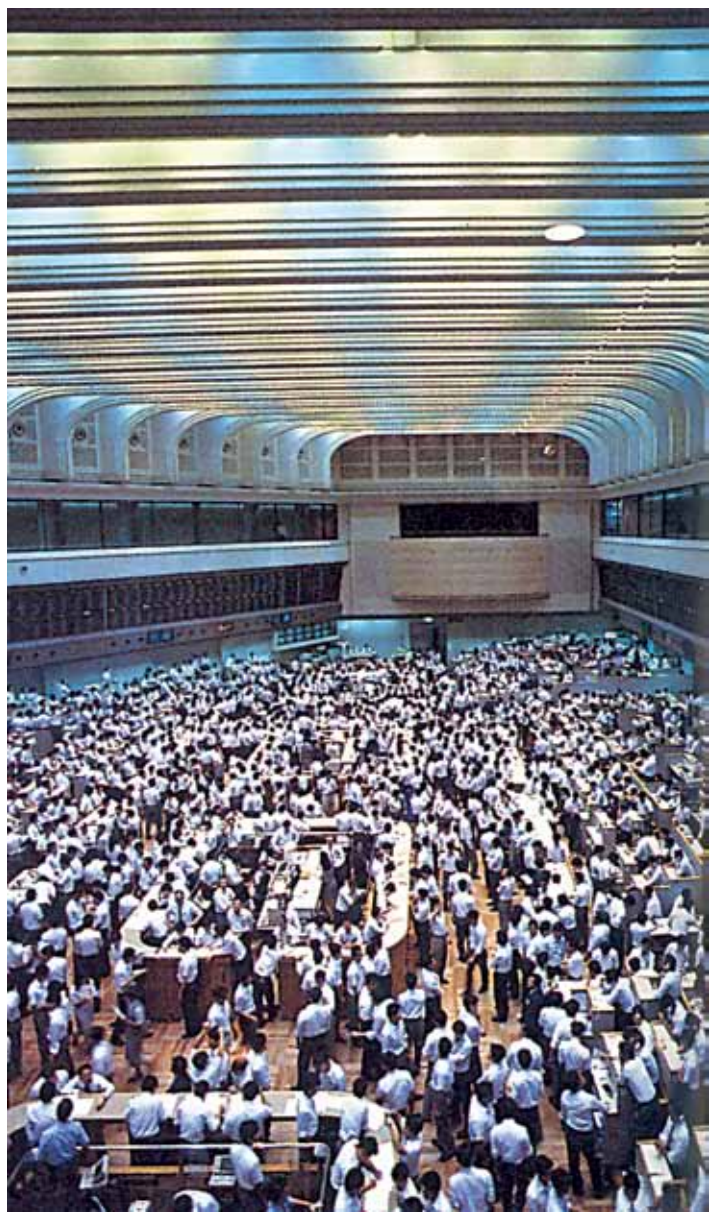
عکس ببینیم، عکس بگیریم

# عکاسی از فضاهای داخلی

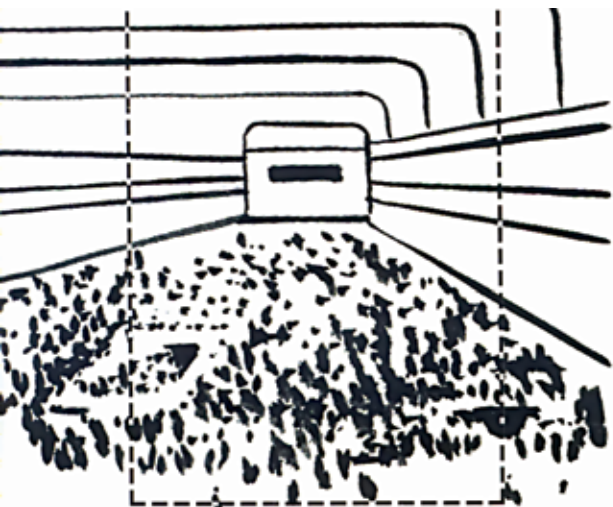
مهسا قبابی

## اشاره

بسیاری اوقات عکاسی از فضاهای داخلی، چالش برانگیز تر از عکاسی طبیعت یا عکاسی از فضاهای خارجی به نظر می‌رسد. در این گونه فضاها، عمده‌ترین مشکل فراهم آوردن نور مناسب است؛ به گونه‌ای که بر رنگ و وضوح تصویر، تأثیر منفی نداشته باشد. بسیاری از بناهای باستانی مانند مساجد، کاخ‌ها و کلیساها، با نورهای طبیعی روشن می‌شوند (که با رد شدن از خلال پنجره‌های رنگی و ضخیم، فیلتر هم می‌شوند) و البته سایه - روشن عمیق و لطیفی در فضا ایجاد می‌کنند. تصویر کردن این سایه‌روشن‌ها به کمک یک سه پایه عکاسی بسیار آسان است. سه پایه عکاسی این امکان را فراهم می‌کند که مدت نوردهی را افزایش دهیم و طیف وسیعی از سایه - روشن‌ها را به دست آوریم.



تصویر ۱



تصویر ۲

**مشاهده**

وسعت و پهنای این صحنه داخلی از سالن بورس توکیو در نگاه اول توجه مرا به خود جلب کرد اما وقتی برای عکاسی در طبقه اول این سالن قرار گرفتم، وجود انبوه کارگزاران که کل سطح زمین را پوشانده بودند، به همین اندازه تأثیرگذار بود.

**تفکر**

قصد اولیه من این بود که برای عکاسی از این صحنه، از یک لنز زاویه باز (واید) و کادر افقی استفاده کنم اما تجمع بیشتر در مرکز سالن، کادربندی تصویر و کارکنان را در یک کادر بسته تر و جمع تر جذاب تر می ساخت.

**عمل**

بنابراین، لنزی را انتخاب کردم که وسعت دید باریک تری داشته باشد و کادر تصویر را به گونه ای بستم که کناره های خلوت تر تصویر حذف شوند. از آنجا که منبع نور برایم کاملاً ناشناخته بود، ترجیح دادم از حالت نور روز استفاده کنم؛ بدون استفاده از هیچ فیلتری. (تصویر ۱ و ۲)

**مشاهده**

محراب و نیم گنبد بالای آن، مرکز توجه بیننده در این عکس است. بنابراین، اگر آن را در مرکز عکس قرار دهیم و

به یک ترکیب بندی متقارن دست پیدا کنیم، بر این شرایط تأکید بیشتری کرده ایم. (تصویر ۱)

**تفکر**

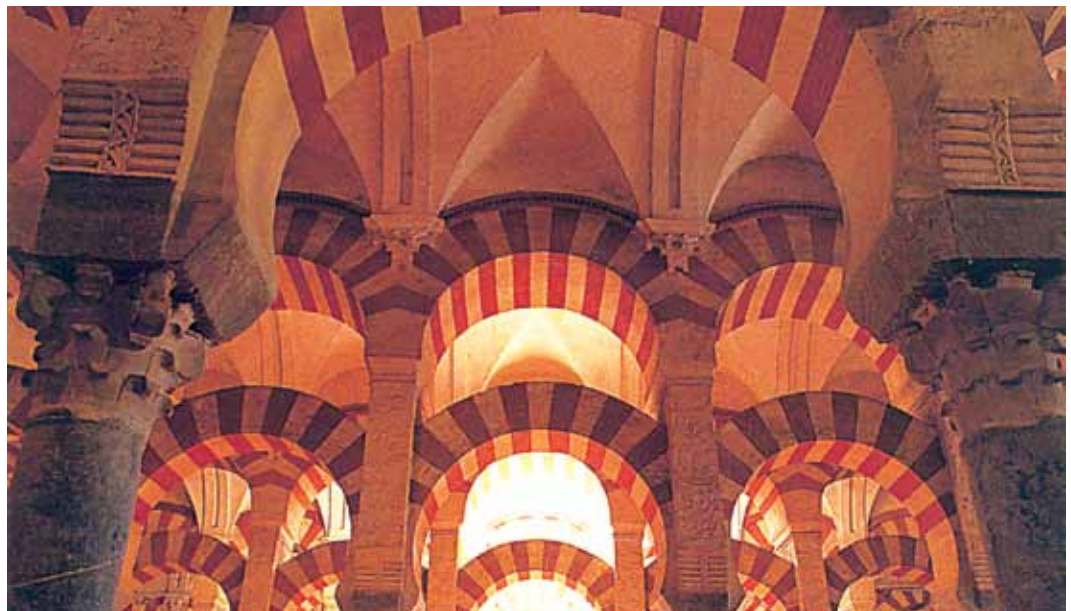
این کلیسا با ترکیبی از نورهای روز و نورهای مصنوعی روشن می شود. نورهای مصنوعی، منبع نور غالب در صحنه اند. با این حال، من از مود (حالت) روشنایی روز استفاده کردم؛ چون ترجیح می دادم، صحنه نور گرم زرد - نارنجی داشته باشد تا نور آبی - سبز سرد.

**عمل**

دوربین را در میان راهرو، حد فاصل ردیف صندلی ها قرار دادم. به دلیل اینکه نمی خواستم آن را به سمت بالا تیلت (حرکت عمودی دوربین) کنم و در عین حال مانع ایجاد اعوجاج در پرسپکتیو عمودی تصویر شوم، از لنز کنترل پرسپکتیو و برای بهبود رنگ ها از فیلتر 82B استفاده کردم.

**یک قانون کلی**

یک راه مفید برای فهمیدن اختلاف نور بین تاریک ترین و روشن ترین قسمت صحنه، این است که با چشمان نیمه باز به صحنه نگاه کنید. به این ترتیب، متوجه نحوه توزیع نور خواهید شد. می توانید از دکمه نشان دهنده عمق میدان در روی دوربین نیز استفاده کنید. (تصویر ۳ و ۴)



# در زیر آفتاب همه چیز تازه است

## نگاهی به درس هنر، چالش‌ها و راهکارها

کاوه تیموری

## مقدمه

درس هنر یکی از درس‌های دوره راهنمایی است که متناسب با موضوع خود می‌تواند جایگاه شایسته‌ای در چارچوب برنامه‌ریزی درسی داشته باشد. بررسی زیربنا و ماهیت مقوله‌ای مهم مانند هنر، خواننده اهل تأمل را به جایگاه ترویجی و تعلیمی این درس رهنمون می‌شود. این مقوله سرشته با روح آدمی است و انعکاسی از فطرت اصیل و پاک او را در آئینه وجود تداعی می‌کند. استاد شهید مطهری در مبانی فلسفی زیباشناسی و هنر معتقد است:

«گرایش به زیبایی و جمال در همه انسان‌ها به نحو اطلاق وجود دارد؛ چه آن را «زیبایی دوستی» و چه «زیبایی آفرینی» یعنی «هنر» بنامیم. هیچ‌کس نیست که از این احساس تهی باشد. انسان‌ها در پوشیدن لباس و انتخاب مسکن و... به زیبایی اهمیت زیادی می‌دهند.» استاد به همین ترتیب ادامه می‌دهد:

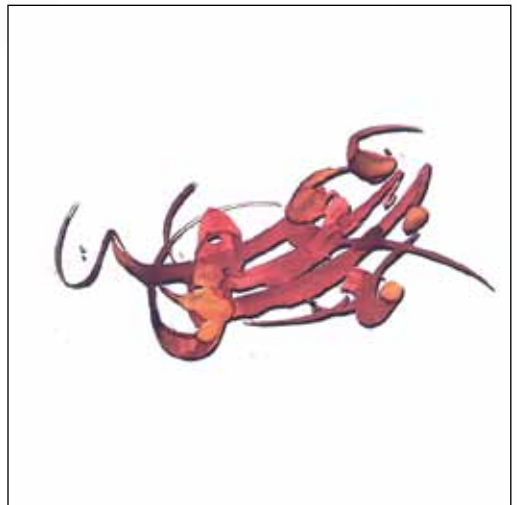
«ستایش و تقدیس زیبایی نیز مخصوص انسان است. آدمی وقتی در برابر کمال و جمال و زیبایی قرار می‌گیرد، احساس ستایش در وی به صورت عکس‌العملی طبیعی پیدا می‌شود که این احساس در حیوان نیست. حیوان نه آن کمال و جمال و عظمت را درک می‌کند و نه قدرت دارد که ستایشگر این اوصاف باشد.»

این سرمایه مهم را باید در تعلیم و تربیت، بیشتر ارج نهیم. بر این اساس، در این وادی دشوار به جای بیان تازه، به نگاه تازه نیاز داریم و به جای درس هنر، به واقع به درد هنر نیازمندیم. در بحث نهضت آموزش هنر لازم است ارزش‌های ذاتی این ساحت مهم بشری را بشناسیم. در اینجا به برخی از این ارزش‌ها اشاره می‌کنیم.

# بنامه ارجح ارجح



احسان پارسا



آتنا عباس نژاد رودی

بنفشه امینی

در هنر، هنرمند به دنبال احوال دل است تا اقامهٔ دلیل و به قول پاسکال «دل برای خود دلایلی دارد که عقل از آن‌ها خبر ندارد.»<sup>۱</sup>

از نظر انیشتین، تخیل از دانش مهم‌تر است. اگر هنر ابراز مافی‌الضمیر باشد، قدرت پرواز تخیل و قدرت دربرگیرندگی را برای سالک هنری به دنبال خواهد داشت.

**۲. هنر عرصه‌ای برای پیشگیری از ضایعات و آسیب‌های اجتماعی است.** از نظر رایمر «غایت کارکرد هنر لذت‌آفرینی و بصیرت‌آفرینی» است. هنر لذت‌بخش و ارضاکنده است و معراج روح آدمی است. «به‌همین سان «هنر شایسته‌ترین طریق بازنمایی تجربه‌ای سرشار از احساس و عواطف انسانی است.»<sup>۲</sup>

با در نظر داشتن این نکته باید بپذیریم که دوران مهبجوریت هنر به سرآمده و توجه جدی به هنر مانند یک الزام خود را بر ما تحمیل می‌کند. سرگذشت‌نامهٔ هنرمندان بزرگ هر کدام پیام‌رسان اعتبار و ارزش هنر است و به همین دلیل باید دائماً این هنرنامه‌ها را مطالعه کرد. به قول نظامی:

قدر اهل هنر کسی داند

که هنرنامه‌ها بسی خواند

**۱. هنر دریچه‌ای برای نگاه متفاوت است.** هنر دشمن روزمرگی است. ما با هنر آشنای دایمی می‌کنیم: صبح است و آفتاب پس از بارش سحر بر بال کوه می‌روم از بین بوته‌ها گویم ببین که از پس چل سال و بیشتر باز این همان بهار و همان کوه و بازه است بر شاخسار شوره گز پیر، مرغی گوید نگاه تازه بیاور که بنگری در زیر آفتاب همه‌چیز تازه است<sup>۳</sup>

«هنر عبارت است از نگاه متفاوت و تفاوت و تنوع و طراوت نگاه. هنر عبارت است از تازه‌دیدن، از زاویهٔ غیرتکراری، دیدن اشیاء، ارزش‌ها، روابط کهنه یا مکرر یا روزمره که اغلب از شدت دیده‌شدن، دیده نمی‌شوند. هنر، هم باید پیچیدگی‌ها را ساده کند و هم سادگی‌ها را پیچیده.»<sup>۴</sup>

هنر برای ما «شناختی متکی بر عاطفه» به ارمغان می‌آورد. در حقیقت، چنانچه مواجههٔ نظام انسانی با واقعیت در قلمرو عاطفه مورد ارزیابی قرار گیرد، می‌توان به شناخت حقیقت هنری دست یافت. به همین دلیل شیوه و روش در هنر، تخیلی و آفرینشگرانه است.

مروری موردی بر نقاشی و مجسمه‌سازی در قرن پانزدهم و به‌طور مشخص در سال ۱۴۹۷ (نقطه شروع رنسانس) از ظهور سه هنرمند برجسته خبر می‌دهد. میکل آنژ بزرگ که مجسمه داوود را ساخت و می‌گفت: «من فقط مجسمه‌ها را از میان سنگ‌ها آزاد می‌کنم.» دیگری نقاش بزرگ ایتالیایی، رافائل، بود که در ۳۷ سالگی فوت کرد اما خیلی زود به نبوغ رسید و بالاخره، داوینچی که تابلوی دوران‌ساز «مونالیزا معروف به لبخند ژوکوند» را کشید که در آن تبسم دختر هیجده ساله‌ای دیده می‌شود که فرزند خود را از دست داده و با وجود اینکه غم سایه سنگین خود را بر او انداخته، در حال تبسم است.

کافی است تأثیر این سه هنرمند بزرگ را بر هنر در پانصد سال گذشته مرور کنیم و زنده‌بودن هنر آن‌ها را مورد توجه قرار دهیم.

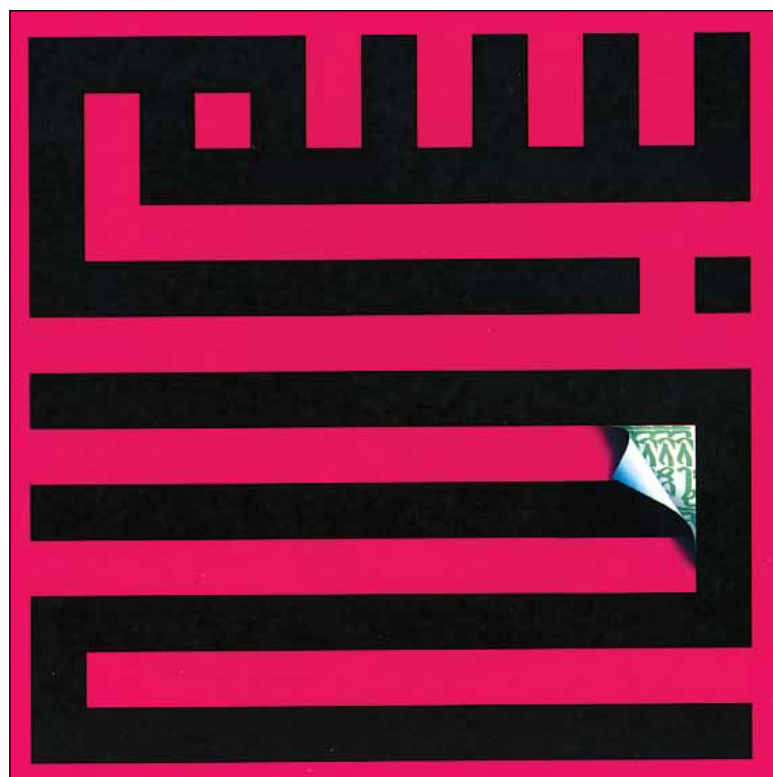
۳. هنر در عرصه تعلیم و تربیت زنگ تنفس فرهنگی است. در جورچین تعلیم و تربیت، هنر نقش تکمیلی دارد. عرصه هنر عرصه رقابت همراه با اضطراب و فشار روانی نیست؛ زیرا تجربه زیباشناختی شور و شوق دارد و انبساط‌خاطر به همراه می‌آورد.

۴. با درس هنر می‌توانیم بر بسیاری از مشکلات و اختلالات رفتاری غلبه کنیم. در عین حال، تأثیر هنر بر پیشرفت تحصیلی امری اثبات شده است؛ به‌طوری که هنر خط، مهارت نمایش و فن بیان با پیشرفت تحصیلی رابطه مستقیم دارند.

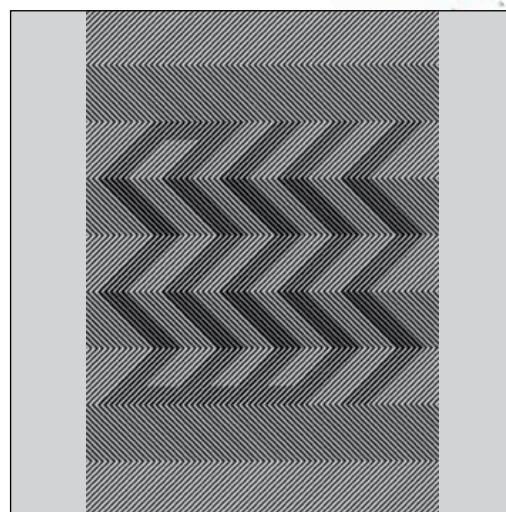
۵. چهار بخش اصلی هنر شامل ۱. تولید هنری، ۲.



زینب رشوند



باقر جعفری



نسرین سعیدی

تاریخ هنری، ۳. نقد هنری، و ۴. تجربه زیباشناسی است. در فرایند تعلیم و تربیت با تولید هنری و غنی کردن حس زیباشناختی به عنوان یک بخش مهم از شخصیت اساسی کار داریم. با هنر از پرورش شخصیت تک‌بعدی جلوگیری می‌کنیم.

اصل کلی هم این است که بین اعتمادبه‌نفس و اتکا به‌نفس با پرورش هنری رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار وجود دارد؛ به زبان دیگر، یک واحد پرورش هنری به یک واحد افزایش اعتمادبه‌نفس ختم می‌شود.

هنر چاهی است که به‌خاطر فطرت زلال دانش‌آموز با چندمتر کردن به آب می‌رسد. هنر آیینۀ فطرت آدمی است.

#### موانع پیش‌رو

**مبهم‌بودن درس هنر در دوره ابتدایی؛** در دوره ابتدایی، ما کتاب هنر نداریم اما کتاب راهنمای هنر برای معلم ابتدایی داریم. در خیلی از مدارس موضوع آزاد گذاشته شده یعنی درس هنرمغفول مانده‌است یا به دروس دیگر پرداخته می‌شود. بنابراین، آنچه استمرار نمی‌یابد، آیا ارزش آموختن دارد؟ در اینجا ماده‌ی درسی داریم؛ یعنی، از منظر برنامه‌ریزی درسی دیسپلین محوریم ولی این امر خروجی ندارد. گله از خلاقیت‌کشی برخی از همکاران فرهنگی در دوره ابتدایی جای خود دارد. نه برای طراحی و کاردستی نه برای خوشنویسی و نقاشی افق روشنی در کلاس دیده نمی‌شود و متأسفانه عنصر مهم خلاقیت نیز مورد توجه چندانی نیست.

**گروه آموزشی هنر «خوشنویسی با قلم نی»** را حذف و آن را به خط تحریری محدود کرده است؛ در حالی که خوشنویسی یک تربیت ظریف فرهنگی است.

**حذف خوشنویسی به ما نهیب می‌زند که بذریه‌های قابل کشت را نباید آرد کنیم! چین و ژاپن از ما هوشمندترند؛ چرا آن‌ها این حذف را انجام نداده‌اند؟** - در دوره راهنمایی کتاب هنر متناسب با شرایط حال، نیازمند تحول جدی است. ۲۰ سال است که به کتاب درسی هنر دست زده‌ایم؛ در حالی که به یک شوک زیباشناختی در این کتاب‌ها نیاز داریم. زمان درس هنر که در پایه اول راهنمایی دو ساعت و در دوم و سوم راهنمایی یک ساعت است، بسیار کم است و عرصه را برای فعالیت جدی تنگ می‌کند.

- در مواردی می‌بینیم که بچه‌هایی با سطح توانایی تحصیلی پایین‌تر جذب رشته هنر می‌شوند.

- تربیت معلم هنر هم به استان‌ها واگذار شده است و به این ترتیب، توانایی و نیروی لازم برای تربیت دبیران هنر وجود ندارد.

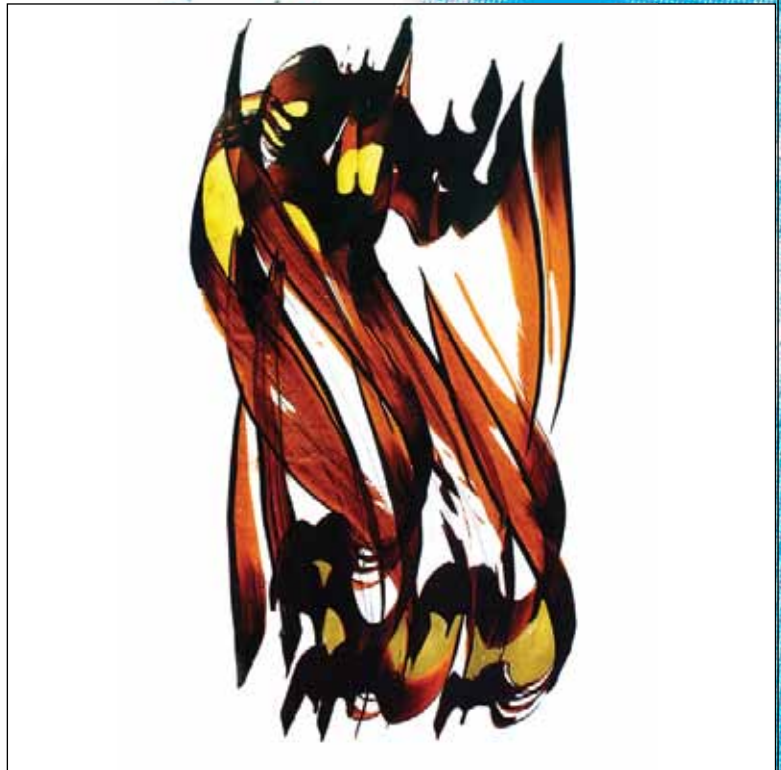
اما توجه به دوره تحصیلی ابتدایی و درس هنر اهمیت بسیار دارد؛ زیرا یکی از مسائل اساسی در تعلیم و تربیت هنری، بهره‌نگرفتن جدی از توانایی نهفته در کودکان دوره ابتدایی است. علت این نکته به‌طور آشکارا و عینی، آشنا نبودن معلمان دوره ابتدایی با مفاهیم هنری و از همه مهم‌تر با روش تدریس هنر است.

در دوره ابتدایی حضور ۲۸۰ هزار همکار فرهنگی می‌تواند در شکل‌دادن به شخصیت هنری بسیار مؤثر باشد اما اگر در قالب یک پژوهش استانی نمونه‌ای از خروار را بررسی کنیم، به



سبزه زهر ساجدی





سپیده سالاز البرزی

محمدمهدی راضی



مشخص از جمله توانایی نگهداری موضوع در ذهن، تنظیم موضوع به صورت کلمه، ترسیم گرافیکی شکل هر حرف و کلمه، به کارگیری ابزار نوشتن، داشتن حافظه دیداری و حرکتی سروکار دارد.<sup>۱</sup> به دلیل همین اهمیت است که گفته‌اند دانش شکاری بود که در دام خط افتاد و پایدار ماند.

خوشنویسی و خوش‌نگاری مقدمه‌ای تأثیرگذار برای مهرورزی به زبان فاخر فارسی است که به یگانگی و شایستگی، عنصر اصلی وحدت ماست. این نکته مورد اهتمام برنامه درسی ملی به عنوان اصول پایه می‌باشد.

با وجود این کاستی‌ها بر این باوریم که امر ممکن را نباید فدای امر محال کرد. به قول یک ضرب‌المثل انگلیسی، نقشه بزرگ داشته باشیم اما کار را از نقطه‌ای کوچک آغاز کنیم.

#### پیشنهادها

اصل کلی این است: فعالیت هنری مقدم بر هر گونه کار دیگری صورت گیرد؛ زیرا مقدمه تحول فعالیت است.

– وقت آن رسیده است که از همخوانی درس پرورشی با نگاهی تازه به ساعت‌های درسی هنر توجه کنیم.

– مجله رشد آموزش هنر با داشتن این تریبون کار نهضت آموزش هنر را آغاز کرده است و به قول مولانا: «هین تو کار خویش کن ای ارجمند».

– کارگاه هنر مدرسه و اختصاص دادن محلی به نمایشگاه هنر در مدرسه می‌تواند الزامی باشد.

این نتیجه می‌رسیم که «آشنایی با مفاهیم هنر و روش تدریس در میان معلمان سال پنجم ابتدایی دارای میانگین نمره به ترتیب ۴/۳۰ و ۴/۸ بوده است که با توجه به نمره حداقل (۲) و حداکثر (۸)، نمرات میانگین به دست آمده نسبت به سایر دروس پایین تر است؛ به طوری که فقط بیش از ۵۰ درصد معلمان حجم نمونه توانسته‌اند نمره‌های بالاتر از میانگین کسب کنند و مابقی پایین تر از حد میانگین قرار می‌گیرند.»<sup>۷</sup>

این نکته نشان می‌دهد که در تعلیم و تربیت هنری کودکان ابتدایی یک فرصت بزرگ دارد از دست می‌رود. معلم بی‌علاقه و حتی علاقه‌مند اما غیرآشنا با هنر و روش‌های تدریس آن، رغبتی به آموزش هنر در دوره ابتدایی ندارد. نکته این است که فقط نباید به نسل دانش‌آموزی کم‌علاقه به هنر به عنوان معلول نگاه کنیم بلکه علت‌ها را نیز باید دریابیم.

این نکته آثار زبان‌بار خود را زمانی نشان می‌دهد که یکی از روش‌های آموزش خلاقیت را «آموزش هنرهای زیبا» معرفی می‌کنند. کاردستی، طراحی، نقاشی و خوشنویسی در برنامه درسی مورد اهتمام است. جالب اینجاست که فیلسوف بزرگی مانند وایتهد معتقد است: «یکی از علل رخوت طبقه آریستوکرات (اشراف) عدم استفاده از کارهای دستی بوده است».<sup>۸</sup> کاردستی و دست‌ورزی مواد خام یکی از مبانی لازم برای ایجاد ذهنیت خلاق است.

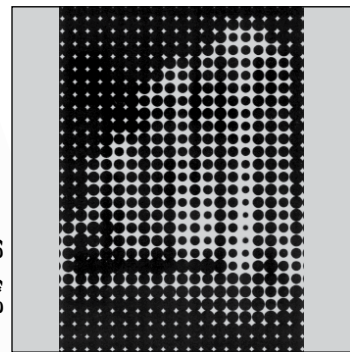
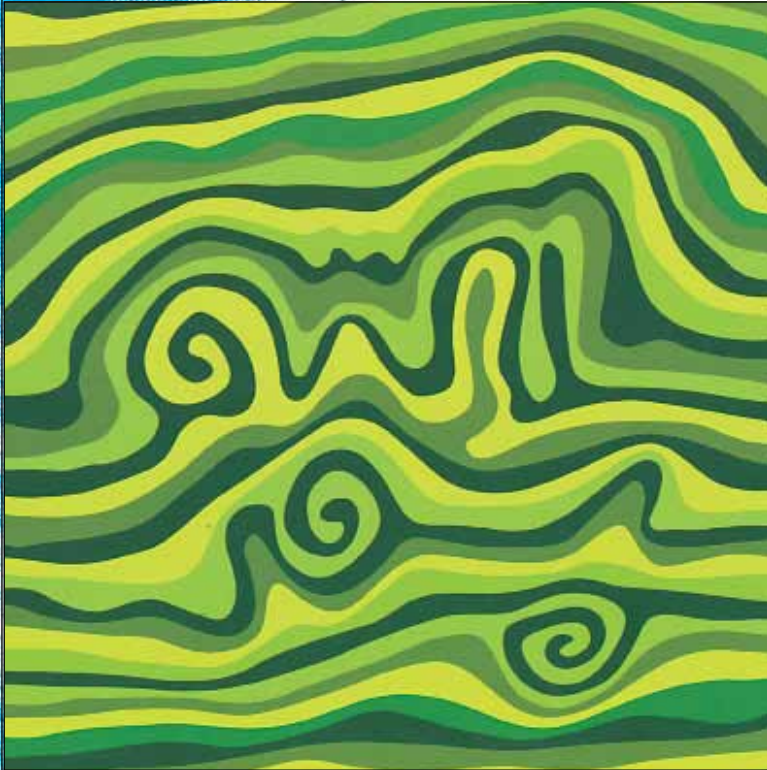
در عمل مهمی مانند نوشتن، به عنوان عالی‌ترین رکن زبان، ما به یک تمرین مهم خلاقیت یعنی نویسندگی و نگارش می‌پردازیم؛ زیرا «عمل نوشتن در واقع با چند مهارت بسیار





شگون شریفی

مریم حسینی



در این صورت، برای «رشد آموزش هنر» فرصتی به وجود می‌آید تا تسهیل‌گر یا دامن‌زننده به موضوع آثار هنری مدرسه باشد.

#### – مثال موردی ۱:

هنرجویان کانون پرورش فکری به خاطر داشتن تجربه کار در محیط‌های کارگاهی و هنری توفیق درخور توجهی داشته‌اند؛ زیرا کار هنری فارغ از تجربه صورت نمی‌گیرد.

#### – مثال موردی ۲:

– در تجربه معلم پروری هنر موفق عمل شده است؛ زیرا کار و عملکرد هنری دانشجو در یک محیط کارگاهی نقد و بررسی می‌شود. میزهای کار تناسب دارند و فضا کاملاً هنری است.

– تأکید بر حل مشکلات و گره‌های هنری با طرح مقالات مهم مثل بحث چپ دستی و نحوه آموزش خط به چپ‌دستان

– برقراری ارتباط با گروه‌های آموزشی هنر و کمک به فعال کردن گروه‌ها؛ گروه‌های آموزشی به خوبی می‌توانند به فعالیت‌های معلمان هنر دامن‌زنند.

– تأکید بر بردن دانش‌آموزان به نمایشگاه‌ها و برگزاری نمایشگاه‌های فصلی و دائمی در محیط مدرسه – توجه به فوق برنامه؛ دست‌کم باید فرصتی برای

افراد مستعد به وجود آوریم و با شناسایی استعدادها زمینه فعالیت را برای دانش‌آموزانی که جوهره هنری دارند، فراهم سازیم.

– سنگین کردن یک مناسبت در هر فصل با توجه به هنر تخصصی؛

– راه‌اندازی فضای نقد بین معلمان و مدرسان با در نظر داشتن مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی؛

– چاپ آثار دبیران و معلمان و مدرسان هنر در مجله رشد آموزش هنر.

#### پی‌نوشت

۱. استاد شهید مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱-۳؛ نیز ر.ک. تعلیم و تربیت در اسلام از استاد شهید مطهری و کتاب انسان و ایمان و کتاب فطرت.

۲. استاد شهید مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۱۹.

۳. شفیعی کدکنی

۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین، ص ۹۲، ۱۳۸۹.

۵. مهرمحمدی، محمود؛ آموزش عمومی هنر: چیستی، چرایی، چگونگی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.

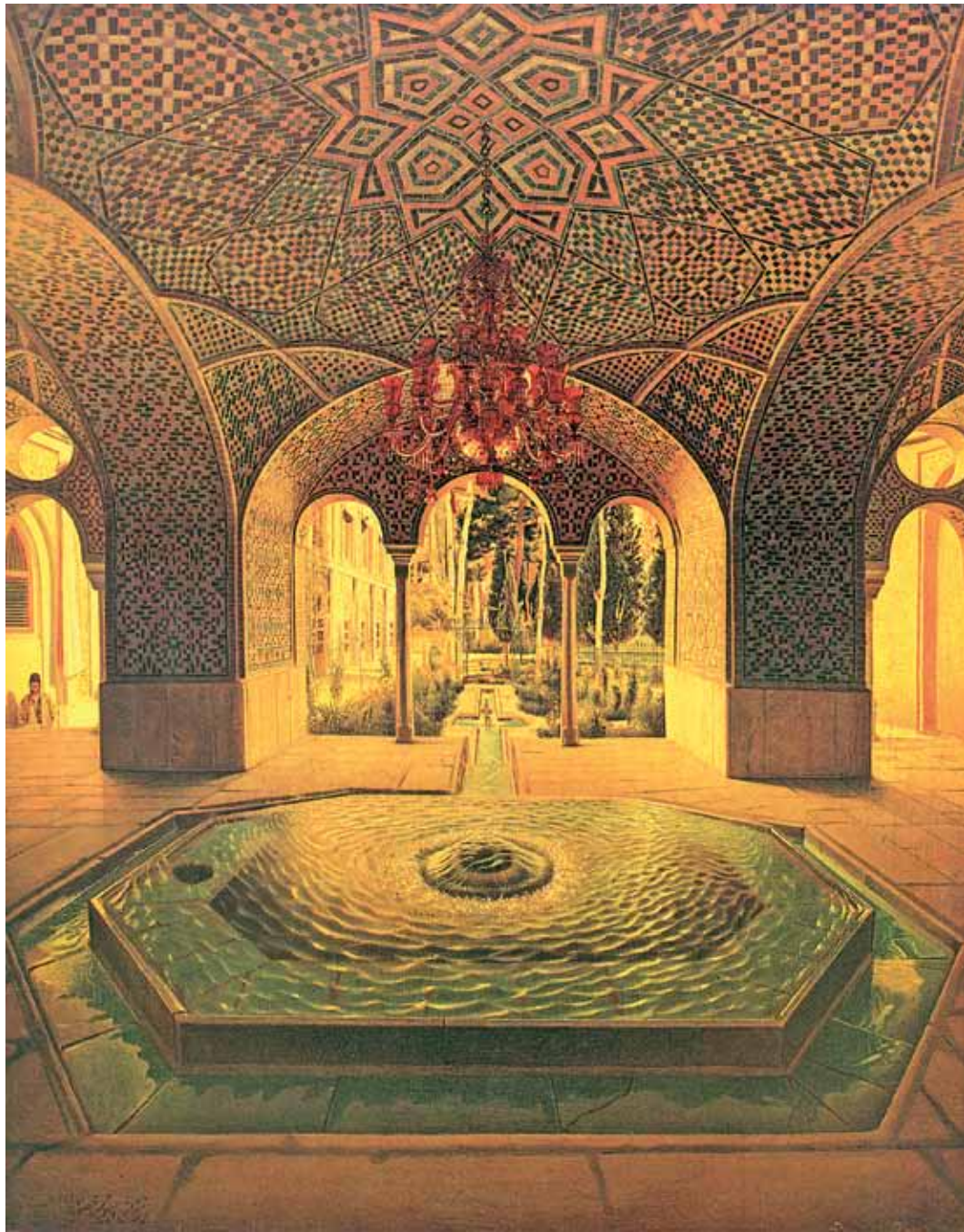
۶. همان.

۷. حسین‌زاده، فتح؛ بررسی میزان آشنایی معلمان سال پنجم ابتدایی با مفاهیم و روش تدریس هنر، شورای تحقیقات آموزش و پرورش بوشهر، ۱۳۷۴.

۸. قاسم‌زاده، حسن؛ خلاقیت، مرکز توسعه خلاقیت، ۱۳۷۱.

۹. مهربانی، مرتضی؛ بررسی مشکلات زبان نوشتاری دانش‌آموزان کلاس ابتدایی شهرستان خمینی شهر، شورای تحقیقات آموزش و پرورش اصفهان، ۱۳۷۷.

# نقد هنری فرصتی برای طرح دیدگاه‌های شما



عمارت گریمنخانی / رنگ روشن / اثر کمال الملک / ۱۳۰۷هـ.ق



بالا بردن توان نقد هنری به مفهوم ایجاد توانمندی درک هنری و قدرت انتقال مفاهیم محتوایی اثر هنری به دانش آموزان و هنرآموزان است. رابطه مستقیم بالا رفتن بینش هنری با توانایی نقد هنری امری پوشیده نیست. نقد هنری در واقع آموزش برقراری ارتباط با اجزای سازنده اثر هنری است که واکاوی هر چه بیشتر آن‌ها در پرتو عناصر تشکیل دهنده، بیننده را یک گام به درون مایه واقعی و پیام اصلی اثر راهنمایی می‌کند. نقد هنری روابط اجزای اثر را با عناصری چون فرم و رنگ تبیین می‌کند و پشت صحنه آفرینش یک اثر هنری را، که حکایت از نگاه و دیدگاه هنرمند دارد، به مخاطب نشان می‌دهد.

این کار هر چند دشوار و دیرپاب است اما مقدمات آن نیاز به آموزش و ورود به موضوع را ایجاد می‌کند؛ به‌ویژه در تعلیم و تربیت هنری. نقد اثر از مرحله توصیف تا تحلیل را باید رکنی به‌شمار آوریم که در جورچین فرایند هنری بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهد. با این مقدمه، رشد آموزش هنر در چارچوب اهداف تعیین شده درصدد است به موضوع بیشتر توجه کند. این نکته در گام اول برای ایجاد توجه به مقوله «نقد هنری» است و در گام دوم برای ایجاد پل‌های ارتباطی با مخاطبان مجله صورت می‌گیرد.

بر این اساس، ضمن استقبال از مقاله‌های حوزه نقد هنری و پیشنهادهایی که به این موضوع دامن می‌زنند، در مرحله نخست با اعلام دو اثر مهم هنری به عنوان «موضوع نقد هنری» منتظر نقدهای مدرسان و معلمان اهل هنر و علاقه‌مندان خواهیم ماند. لذا تقاضا می‌شود نقد و نظر خود را درباره تابلوها و آثار ارائه شده حداکثر در دو صفحه مجله تنظیم و برای ما ارسال کنید تا برای چاپ مورد استفاده قرار گیرد. در عین حال، معرفی تابلوهای هنری شاخص که ویژگی‌های نقدشوندگی را دارند، کمک شایانی برای به‌حرکت درآوردن چرخ نقد هنری است. به‌نظر می‌رسد «نقد هنری» آن هم در فضای تعلیم و تربیت هنری ظرفیت آماده‌سازی یک ویژه‌نامه را دارد که تلاش و همت دوستان در پرورش موضوع می‌تواند سهم بسزایی در آن داشته باشد. هر کدام از دو اثر معرفی شده براساس شناسنامه اثر می‌تواند به صورت منفرد مورد نقد هنری قرار گیرد.

آثار کلاسیک مثل قطعه سوره حمد میرعماد  
مجسمه داود، میکال آنژ  
تابلوی مونالیزا، داوینچی



# آینه

## از آینه‌کاری دیروز تا طراحی داخلی امروز

مقاله

سیده منصوره رحیم‌آبادی  
کارشناس ارشد پژوهش هنر

### مقدمه

آینه از آن ساخته می‌شود، پیشرفت درخور توجهی در آینه‌سازی پدید آورد. روش جدید آینه‌سازی، یعنی ته‌نشست دادن قشری شفاف از نقره را «یوستوس فون لیبک» در سال ۱۸۳۵ میلادی برابر با ۱۲۵۱ هجری در آلمان ابداع کرد. از نیمه اول سده ده هجری، بازرگانان ایتالیایی و به‌ویژه ونیزی‌ها آینه‌های ساخت ونیز را به ایران آوردند و این آینه‌ها به سرعت جای آینه‌های فلزی را گرفتند. تا این زمان در ایران ساخت آینه هنوز به شیوه کهن (آینه‌های فلزی) رواج داشت. به همین سبب تا دوره صفویه در اصفهان بازار آینه‌سازها برپا بود.

در ادبیات فارسی و عرفان ایرانی، از آینه به دلیل آنکه انعکاس‌دهنده زیبایی‌های خلقت خداست، بارها و بارها به عنوان تجلیگاه زیبایی‌های آفرینش یاد شده است.

خیلی پیش از شناخت فلز و ساختن آینه‌های فلزی، آدمی از آب به عنوان آینه استفاده می‌کرد. در سده‌های پیش از میلاد نیز ایرانیان فلز را می‌شناختند. آن‌ها سطوح فلزی را صیقل می‌دادند و از آن‌ها به عنوان آینه استفاده می‌کردند. بهره‌گیری از نقره ناب، آهن، فولاد و افزودن نقره به فلزی که



آن‌ها آینه به مثابه نماد نور، روشنائی، صداقت، شناخت خود، زیبایی و... به کار گرفته شده است. بهره‌گیری از قطعه‌های آینه و آینه‌کاری، به صورتی که اکنون مشاهده می‌گردد، خاستگاه و ریشه‌ای اقتصادی دارد. آینه‌های شیشه‌ای که از سده ۱۰ ق/ ۱۶ م به عنوان یکی از اقلام وارداتی از اروپا، به ویژه از ونیز به ایران آورده می‌شد، به هنگام حمل‌ونقل در راه می‌شکست. هنرمندان ایرانی برای بهره‌گیری از این قطعه‌های شکسته، به ابتکاری دست زدند و از آن‌ها در آینه‌کاری استفاده کردند. بیت زیر از کشمیری (از شعرای سده ۱۱ ق/ ۱۷ م) گویای این حقیقت است:

هر پاره دلم چمنی از نگاه اوست  
آینه چون شکسته شد آینه‌خانه است

در سده ۱۳ ق/ ۱۹ م که آینه‌کاری رواج و رونق و ظرافت و دقت بیشتری یافت، جام‌های نازک آینه و ویژه آینه‌کاری در آلمان ساخته و به ایران فرستاده می‌شد. (دالماتی، ۱۳۵۵: صفحه ۴۲) این جام‌ها را آینه‌کاران ایرانی می‌توانستند به آسانی به اشکال هندسی دلخواه بزنند و به کار برند. در آغاز، آینه‌کاری به صورت نصب جام‌های یکپارچه بر بدنه بنا معمول بود. جابری انصاری در کتاب «تاریخ اصفهان و ری»

در همین دوره است که شاهد هنرنمایی خلاقانه هنرمندان در عرصه تزئین بنا، به‌ویژه فضاهای مقدس و روحانی، با استفاده از قطعات خرد آینه هستیم. گویی شمایل نورانی ائمه اطهار (ع) از هر وجه و برش آینه احساس می‌شود.

از آن زمان تاکنون آینه‌ها، هم‌نشین لحظه‌های بی‌شماری از زندگی ما شده‌اند و باورها، معماری، آداب و رسوم، ادبیات، عرفان و هنر ما هر کدام به شکلی از آینه متأثر گشته است. شاید این نکته نشان از فطری بودن تمایل به خودآگاهی و ادراک در آدمی دارد.

امروزه در رشته طراحی داخلی، آینه به عنوان ماده‌ای الهام‌بخش، مورد علاقه بسیاری از هنرمندان است. شاید از منظری، آینه به عنوان بازتاب‌دهنده تصویر، نقش سنتی خویش را در میان خواص و عوام به یک شکل بازی می‌کند لیکن به عنوان ماده‌ای اثرپذیر و اثرگذار، ظرفیت تبدیل شدن به هر نوع نمود تصویری و تجسمی را در فضاهای گوناگون دارد و همین ویژگی، جایگاه آن را در میان قشر مردمی و خاص متفاوت می‌سازد.

آب و آینه همواره نزد ایرانیان نماد پاکی، روشنائی، بخت، راستگویی و صفا شمرده شده است و شاید به کار گرفتن آینه به عنوان یکی از آرایه‌های بنا با این امر بی‌ارتباط نباشد. در ادبیات غنی فارسی اشعار بسیاری سروده شده‌اند که در



دارالسرور، آستان قدس رضوی

به این نکته اشاره می‌کند: «در چهل ستون اصفهان بر دیوار سر حوض، آینه‌ای بزرگ و شفاف نصب کرده بودند که «آینهٔ چهل ستون‌نما» یا «جهان‌نما» نامیده می‌شد و بزرگی و روشنی آن بدان حد بود که تصویر مردمی که از «در عرابهٔ» چهل ستون (با فاصلهٔ حدود ۱۸۰ متر از بنا) وارد می‌شدند، در آینه دیده می‌شد.» سپس، قطعه‌های آینه به تدریج کوچک‌تر شدند تا آنکه در پایان سدهٔ ۱۳ق/۱۹م قطعه‌های کوچک آینه به شکل مثلث، لوزی، شش گوش و مشابه آن درآمدند و هنرمندان آن‌ها را به صورت الماس تراش به کار بردند. گذشته از این‌ها، آینه کاران ایرانی از شیشه‌های محدب، که آن‌ها را به صورت آینه درمی‌آوردند، نیز استفاده می‌کردند.

### آینه‌کاری

آینه‌کاری، هنر ایجاد اشکال منظم در طرح‌ها و نقش‌های متنوع، با قطعات کوچک و بزرگ آینه، به منظور تزیین سطوح داخلی بناست. حاصل هنر آینه‌کاری، ایجاد فضایی درخشان و پر تالگو است که از بازتاب پی‌درپی نور در قطعات بی‌شمار آینه پدید می‌آید. بنابر مدارک موجود، گویا برای نخستین

به هر ایوان که آید در مقابل

شود آینهٔ بختش مقابل

با آگاهی از اینکه ساختمان دیوان‌خانهٔ قزوین در ۹۵۱ق/ ۱۵۲۴م آغاز شده و در ۹۶۵ق/ ۱۵۵۸م پایان یافته است، می‌توان نتیجه گرفت که پیشینهٔ کاربرد آینه در بنا، دست‌کم به نیمهٔ سدهٔ ۱۰ق/ ۱۶م می‌رسد. کاربرد آینه در بنا که در قزوین آغاز شد، پس از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان (۱۰۰۷ق/ ۱۵۹۸م)، در این شهر و دیگر



شهرهای ایران چون اشرف (بهشهر) گسترش یافت و در تزیین بسیاری از کاخ‌های دوره صفوی، که شمار آن‌ها به نوشته شاردن تنها در اصفهان به ۱۳۷ دستگاه می‌رسید (شاردن، ۱۳۴۹: ۹۶)، از این هنر بهره گرفته شد. در این میان، کاخ معروف به «آینه خانه» که به سبب به کار بردن آینه بسیار در تزیین آن بدین نام شهرت یافته بود، جایگاهی ویژه داشت. «آینه خانه» در زمان پادشاهی شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۳۸ ق/ ۱۶۴۲-۱۶۲۹ م) در کنار زاینده رود ساخته شد. سقف و تالار و ایوان و دیوارهای این بنا، با آینه‌هایی یک پارچه به درازای ۱/۵ تا ۲ متر و پهنای کمتر از یک متر آراسته شده بود و بازتاب تصویر زاینده رود و بیشه‌های ساحل شمالی آن در آینه‌ها منظره‌ای جالب و دلپذیر پدید می‌آورد. میرزا مظفر ترکه، که از منشیان دربار شاه عباس دوم بود، در وصف این بنا شعری سروده و آن را «پا تا سر آینه» وصف کرده است.

آینه‌کاری در خانه‌های برخی دولت‌مردان روزگار صفوی نیز به کار گرفته می‌شد (التاریوس، ۱۳۶۳: ۲۲۱).

در ساختمان چهل ستون نیز که از بناهای دوره شاه عباس دوم (۱۰۷۸-۱۰۵۲ ق/ ۱۶۶۷-۱۶۴۲ م) است، از آینه‌کاری در تزیین بنا استفاده گسترده شده است. افزون بر آینه‌های قدی یا بدن‌نما، شیشه‌های لوزی شکل رنگارنگ و قطعه‌های کوچک آینه برای آراستن سقف و بدنه ایوان و تالار به کار رفته و ستون‌های هجده‌گانه ایوان از آینه و شیشه‌های رنگین پوشیده بوده است. کارری، جهانگرد ایتالیایی که سفرنامه خود را در ۱۱۰۵ ق/ ۱۶۴۹ م نوشته، در شرح بازدید از خانه و کاخ میرزا طاهر، فرمانروای آذربایجان در تبریز، از اتاق آینه‌کاری بنا سخن می‌گوید و می‌نویسد: «نه تنها دیوارها بلکه رو بخاری این اتاق با قطعات درخشان آینه تزیین شده است؛ به طوری که «در زیر اشعه آفتاب صحنه جالب و خیره‌کننده‌ای ایجاد می‌کند» (کارری، ۱۳۴۸: ۳۴). از سقوط اصفهان در ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۳ م تا پایان سده ۱۲ ق/ ۱۸ م به جز بنای کاخ و کیل در شیراز، بنای آینه‌کاری شده دیگری نمی‌شناسیم. این بنا نیز در ۱۲۰۹ ق/ ۱۷۹۴ م به فرمان آقا محمدخان قاجار ویران گردید و آثار قابل حمل آن، از جمله آینه‌های بزرگ و دو ستون سنگی یک پارچه و درهای خاتم، برای توسعه و بازسازی ایوان دارالاماره تهران، که بعدها به ایوان تخت مرمر مشهور شد، به این شهر انتقال یافت.

در طول سده ۱۳ ق/ ۱۹ م آینه‌کاری به تدریج رونقی روز افزون گرفت و در دهه‌های پایانی این سده به اوج خود رسید. در این دوره آثاری چون تالار آینه کاخ گلستان و تالارها و اتاق‌های شمس‌العماره، که از نظر زیبایی و ظرافت در آینه‌کاری کم مانند، پدید آمدند.

در آغاز سده ۱۴ ق/ پایان سده ۱۹ م، هنرمندان آینه‌کار دو اثر کم نظیر پدید آوردند که یکی آینه‌کاری دارالسیاده آستان قدس رضوی (مؤتمن: ۱۱۸) و دیگری ایوان آینه صحن جدید آستانه حضرت معصومه (ع) در قم بود (فیضی قمی، ۱۳۵۰: ۵۱۶/۱). آینه‌کاری این ایوان در سال ۱۳۴۵ ش تجدید شد. نمونه تکامل یافته این هنر را در آینه‌کاری کاخ‌های شهوند در سعدآباد شمیران (۱۳۰۶ ش) و مرمر در تهران (۱۳۱۵ ش) می‌توان مشاهده کرد.

در دهه‌های پایانی همین سده، آینه‌کاری به گونه‌ای محسوس از محدوده اماکن مقدس و کاخ‌ها بیرون آمد و به صورتی گسترده حتی در بعضی خانه‌های مسکونی و مراکز عمومی چون، تئاترها، رستوران‌ها، مهمانخانه‌ها، فروشگاه‌ها و آرامگاه‌های خصوصی و جز آن به کار گرفته شد.

رایج‌ترین طرح‌ها در آینه‌کاری، طرح مشهور به «گره» است که از نظر گوناگونی اشکال و تنوع کاربرد آن در رشته‌های مختلف هنر ایران، در نوع خود مانند ندارد. طرح‌های دیگری چون قاب‌بندی به شیوه‌های گوناگون یا ترکیب و تلفیقی از آن‌ها (به‌ویژه در آینه‌کاری سقف) شمسه، ترنج، لچک، قطارسازی، اسلیمی، مقرنس و نیم‌کره‌های گود، که به کاسه مشهورند، متداول بوده و

اکنون نیز معمول است.

در مواردی که در آینه کاری قطعه‌های بزرگ آینه به کار می‌رفت، معمولاً سطح کار را رنگ سفید نقاشی می‌زدند و طرح‌های متنوع بر آن پدید می‌آوردند. کهن‌ترین آینه کاری از این نوع در کاخ جونقون بختیاری به کار رفته و رنه دالمانی تصاویری از آن را در کتاب خود، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، آورده است.

آینه کاری که گاهی همراه با گچ‌بری به کار می‌رفته است، در حقیقت آمیزه‌ای از هر دو هنر به‌شمار می‌آید.

در سال‌های اخیر نوعی آینه کاری با شیشه‌های رنگارنگ، که طرح آن بیشتر گل و بوته، ترنج و نیم‌ترنج و جز آن است، متداول شده که برخلاف شیوه سنتی، که قطعات آینه همگی هندسی و گوشه‌دارند، آینه و شیشه‌های رنگین در آن به شکل منحنی و گرد یا بادامی و جز آن بریده می‌شوند و به کار می‌روند. این شیوه آینه کاری توأم با شیشه را «یاقوتی» می‌خوانند. در این شیوه معمولاً قطعات آینه را بر زمینه شیشه‌ای می‌چسبانند.

بر مراحل مختلف آینه کاری بدین گونه است که نخست طرح به وسیله رسام (که گاهی معمار بنا یا خود آینه کار است) تهیه می‌شود. در طرح‌های پیچیده، کاغذ طرح را سوزنی می‌کنند و سطح کار را گرد می‌زنند و سپس آینه کاری را از روی گرد انجام می‌دهند. در مواردی که آینه کاری دارای نقوش یا خطوط برجسته و یا فرورفته است، زمینه کار قبلاً به وسیله گچ بر مطابق طرح آماده می‌شود. سپس آینه بر قطعات آینه را در ابعاد و اشکال مورد نیاز با الگوهای مقوایی (که امروزه به الگوهای پلاستیکی تبدیل شده است) می‌برد و آماده می‌کند. آنگاه آینه چسبان با خمیری که آمیزه‌ای از گچ و سریش است، قطعات آینه را مطابق طرح بر سطح کار می‌چسباند و نقوش دلخواه را پدید می‌آورد. در پایان، آینه



پاک‌کن سطح کار را پاکیزه می‌کند و جلا می‌دهد. آینه کاری را باید آخرین ابتکار هنرمندان ایرانی در این گروه هنرهای زیبا دانست که در معماری داخلی و تزیین درون‌نما به کار گرفته شده است. اجراکنندگان این شاخه از هنر، که به دقت، ظرافت و حوصله بسیار در کار نیازمند است، از زمان پیدایش تاکنون همواره هنرمندان ایرانی بوده‌اند.



کاربرد هنر آینه کاری در سده‌های اخیر از مرز جغرافیایی ایران گذشته و به سبب زیبایی و جاذبه بسیار، در دیگر کشورهای مسلمان، به‌ویژه کشورهای همسایه ایران چون عراق، عربستان و امیرنشین‌های خلیج فارس گسترش یافته است. یکی از بهترین نمونه‌های آن، آینه کاری حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) در نجف اشرف است که در نوع خود ماندگار ندارد.

شهرهای مختلف ایران همواره خاستگاه هنرمندان آینه‌کار بوده‌اند اما در این میان آینه‌کاران اصفهان، شیراز و تهران از شهرت بیشتری برخوردارند.



استفاده از شیشه، آینه، گچ کاری و هنرهای ظریف دیگر در تزیین و آرایه‌بندی فضا، تمام ملاحظات زیبایی‌شناسی، اقلیمی و حتی شرعی را نیز شامل می‌شده است. برای مثال، شکل‌گیری آینه کاری به عوامل زیر بستگی داشته است.

۱. نیاز به روشنایی موجب شد تا از آینه برای تزیین استفاده شود؛ با وجود آینه با حداقل نور می‌توان روشنایی زیادی ایجاد کرد.

۲. چون طبق دستورات دینی هنگام عبادت نباید چهره خود را در آینه دید، آینه‌ها به حال شکسته قرار گرفتند؛ به طوری که حتی اگر در مقابل آن‌ها قرار بگیرد، نمی‌توانید چهره خود را ببینید.

۳. علاقه به تزیین زیارتگاه‌ها موجب به‌کارگیری آینه شد. ۴. چون در اسلام به‌کارگیری تصاویر موجودات زنده، اعم از انسان و حیوان در محل عبادت و از جمله مقابل نماز گزار مجاز نیست، تزیین با آینه کاری رواج پیدا کرد.

آینه کاری نه فقط در اماکن متبرکه و خانه‌های قشر خاص، بلکه در سقاخانه‌ها نیز به چشم می‌خورد. شاید تالگو و درخشندگی قطعات آینه در فضای کوچک سقاخانه تقدس و معنویت را با نوشیدن آب همراه می‌کند. در خیابان ظهیرالاسلام تهران نمونه قدیمی این گونه سقاخانه‌ها را می‌توان دید.

#### آینه‌ها در طراحی داخلی امروزی

در صورت وجود آینه‌های بزرگ، ادامه یافتن پرسپکتیو به صورت مجازی مکان‌ها را بزرگ جلوه می‌دهد. از این رو در بعضی مکان‌ها در امتداد راهروها یا حتی در سقف‌های داخلی از آینه استفاده می‌شود.





نشیمن، مهمان‌خانه، ناهارخوری و راهروها نکته‌های مهمی وجود دارد که طراح آن‌ها را در نظر می‌گیرد؛ از جمله:

- لزوم استفاده از آئینه
- فرم و سبک
- ابعاد و مکان قرارگیری
- نحوه به کارگیری.

البته هر کدام از این نکات می‌توانند جنبه خصوصی و رابطه مطابق با سلیقه فرد (سفارش دهنده) داشته باشد؛ زیرا اشخاص فضای درونی محل زندگی‌شان را بنا به سلیقه و علایق خود چیدمان می‌کنند نه بنا به سلیقه دیگران.

طراحی داخلی خانه اشخاص نمایانگر شخصیت درونی آنان است که می‌توان در نگاه اول آن‌را مشاهده و بررسی کرد. در طراحی داخلی گاهی نو و مدرن بودن اثر مهم‌تر از سایر نکات به نظر می‌رسد. گاه طراح خود باید آینه‌ای خاص را برای یک فضای خاص تولید کند؛ حتی به قیمتی بیشتر از حد معمول.

در تصویر صفحه ۴۳ نوعی آئینه جدید را که در طراحی داخلی به کار رفته است، می‌بینید.

۸۳۰ تکه چوب کوچک در کنار هم گذاشته می‌شود. هر تکه چوب با یک موتور کوچک کنترل می‌شود.

یک دوربین مخفی تصویر شیء جلوی آینه را به رایانه انتقال می‌دهد و رایانه با تغییر وضعیت تکه‌های چوب، تصویر موردنظر را تولید می‌کند!

به تدریج با اهمیت یافتن آینه به عنوان یک رکن اساسی، ظهور نقوش و فرم‌ها و قاب‌های شکل‌دار رونق یافت و براساس فرم‌های به‌کار رفته در معماری یا حتی وسایل خانه، سبک آینه‌های تزیینی شکل گرفت.

امروزه طراحان و دکورسازان با شناخت خواص فیزیکی و مفاهیم نور در استفاده از آینه‌ها با مهارت خاصی از فضاهای معماری بهره می‌گیرند تا با ایجاد نور و پرسپکتیو مناسب، به فضاهای خانگی جلوه بیشتری دهند.

برای انتخاب بهترین آینه برای فضاهایی مثل ورودی،





دست هم، کاری را به اتمام می‌رساندند و اثری بی‌بدیل را به‌وجود می‌آوردند که باعث برانگیختن غرور ملی می‌شد. گاه به دلیل تقاضای بالا، هنرمندان مجبور به تکرار طرح‌های خود می‌شدند و بدین ترتیب، بعضی از کارها تنها به دلیل منحصربه‌فرد نبودن، جزء گروه کارهای صنعتی به‌شمار می‌رفت.

متناسب با معماری و چیدمان امروز و نیز با توجه به تغییر سلیقه‌ها و مطابق با پسند جهان مدرن، برای مدت کوتاهی از آینه‌های بدون قاب به عنوان اشیای تزئینی بهره گرفته شد. اما به زودی کمبود یک عنصر تکمیل‌کننده در کنار آینه‌ها احساس شد و بار دیگر قاب آینه به فرم‌های امروزی شکل گرفت. هنوز در ساخت قاب‌های آینه از نگارگری و هنرهای تزئینی دیگر نظیر معرق به عنوان شاخص سبک سنتی استفاده می‌شود اما با گذر زمان، هنرهای مدرن به شکلی دیگر این هنر را ترسیم کرده‌اند.

با گسترش علم و شناخت مواد و بهره‌گیری از فرم‌های تجربی، قاب‌های آینه تنوع بی‌بدیلی پیدا کردند و متناسب با سبک و سیاق‌های متنوع معماری و شیوه‌های متفاوت چیدمان منزل، چهره آن‌ها تغییر یافت.

توجه طراحان معماری داخلی و سایر هنرمندان، منجر به پدید آمدن قواعدی خاص در زمینه طبقه‌بندی و زیبایی‌شناسی در طراحی آینه براساس فرم‌های سنتی، کلاسیک و مدرن شد.

اما عرصه هنر و زیبایی همواره برای پوشش‌های

از قدیم آینه‌ها دارای طرح و فرم بوده‌اند. با استفاده از این تاریخچه همراه با دانش امروزی، می‌شود شاخه‌ای به عنوان طراحی آینه را وارد عرصه هنرهای دستی کرد.

#### ویژگی‌های یک طراح آینه چه می‌تواند باشد؟

- واقف بودن به اصول و فرم فضا
  - شناخت نور در فضا
  - شناخت اصول حرکت و طرح اجسام در فضا
  - آشنایی با دانش گرافیک
  - شناخت نقوش سنتی و تزئینی
  - آشنایی با روان‌شناسی رنگ
  - شناخت مواد و کار با آن‌ها
- خلاقیت در به‌کارگیری سنگ‌ها، نگین‌ها، گل، سفال، سرامیک، پوسته‌های سخت مثل مروارید و صدف، تکنیک برش فلز، چوب، آینه، شیشه و هر آنچه مربوط به عمل ساخت باشد.

#### خصوصیات طرح آینه

- سبک و شیوه به‌کار رفته در ساخت
- نوع کاربرد آینه
- ساکن یا متحرک بودن آن و هماهنگی طرح با محیط درونی.

در گذشته تمام دانش به‌کار رفته در قاب آینه‌ها معمولاً در یک نفر جمع نمی‌شد. نقاشان، نجاران، معرق‌کاران، مینیاتوربست‌ها (نگارگران) و سایر صنعتگران دست در



نوین، جای بسیار دارد. با کمی جست‌وجو در میان اقوام ایرانی، از آداب و رسوم آن‌ها گرفته تا پوشاک و پای افزارهایشان، می‌بینیم که آینه جای خاصی دارد. قطعاً اصالت قائل شدن برای نور، درخشندگی، گشایش و صفای باطن است که آینه را این چنین هم‌نشین لحظه‌های خاطره‌انگیز مردم و آذین‌بند اماکن مقدس و روحانی کرده است. توجه به شأن و معنویت هنر آینه‌کاری و تلفیق آن با دانش امروزی، ضمن تعالی بخشیدن به خود هنرمند، سهم والایی در استعلاهی هویت ایرانی-اسلامی ما خواهد داشت.

...به یاد بیاوریم لحظه‌های خوش کودکی را همراه با پدر و مادر، آن زمان که در فضای مقدس حرم امام رضا(ع) متحیر و مسحور آینه‌کاری‌ها و لرزش ظریف انوار رنگارنگ چلچراغ‌های سبز و قرمز و طلایی می‌شدیم. به‌راستی این هنر زیبا و جاوید و برازنده، نقش عشق هنرمند است برآستان جانان؛ دست مریزاد.

#### منابع

۱. جولیسان، رابی؛ گرایش به غرب در هنر قاجار، گردآوری: ناصر خلیلی، مترجم: پیام بهتاش، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۸۲.
۲. هانس ای، وولف؛ صنایع دستی کهن ایران، مترجم: سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
۳. الثاریوس، آدم؛ سفرنامه؛ مترجم: احمد بهپور، تهران، نشر ابتکار، ۱۳۶۳.
۴. پوپ، آرتور ایهام؛ سیری در هنر ایران، مترجم: نجف دریابندری و...

۵. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۵.
۶. جابری انصاری، میرزا حسن خان؛ تاریخ اصفهان وری، اصفهان، نشر اصفهان، ۱۳۲۱.
۷. فیضی قمی، عباس؛ گنجینه آثار قم، قم، چاپ مهراستوار، ۱۳۵۰.
۸. دالماتی، هانری رنه؛ سفرنامه از خراسان تا بختیاری، مترجم: فرهوشی، تهران، نشر تهران، ۱۳۵۵.
۹. شاردن، ژان؛ سفرنامه، مترجم: ناشناس، قم، نشر گنجینه آثار قم، ۱۳۴۹.
۱۰. کارری، جملی؛ سفرنامه، مترجم: عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۸.
۱۱. نوید شیرازی، زین العابدین امیرعبدی؛ دوحه الازهار، مسکو، ۱۹۷۴ م.
۱۲. هنرفر لطفاله؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، کتاب‌فروشی ثقفی، ۱۳۴۴.
۱۳. سایت باشگاه معماران جوان
۱۴. مؤتمن، علی، راهنما یا تاریخ و توصیف دربار ولایت‌مدار رضوی(ع)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۴۸.

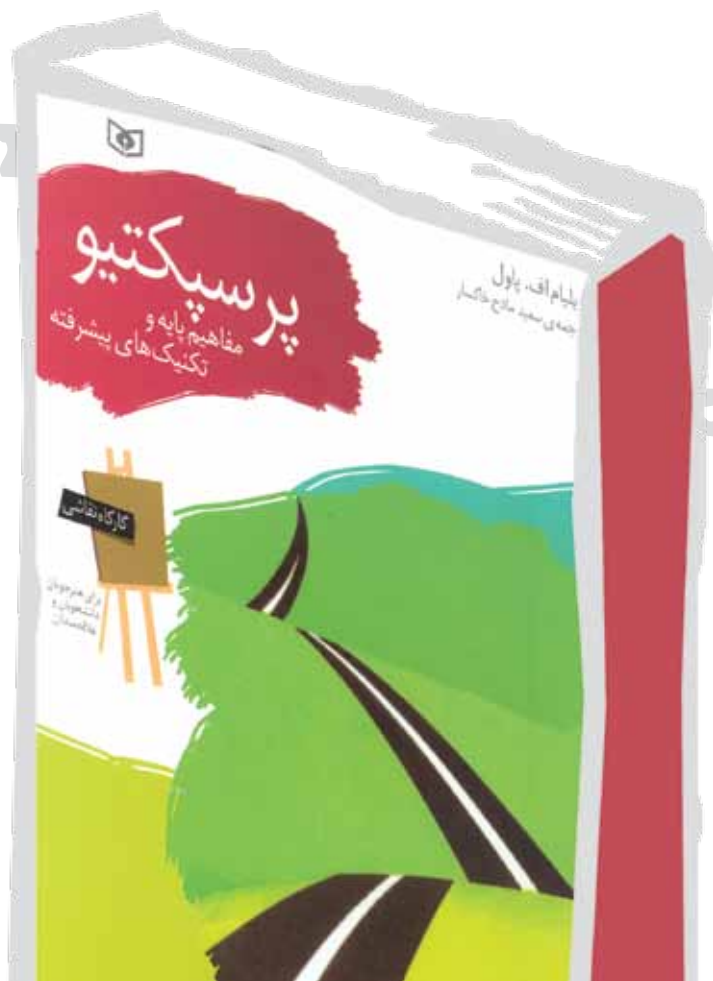


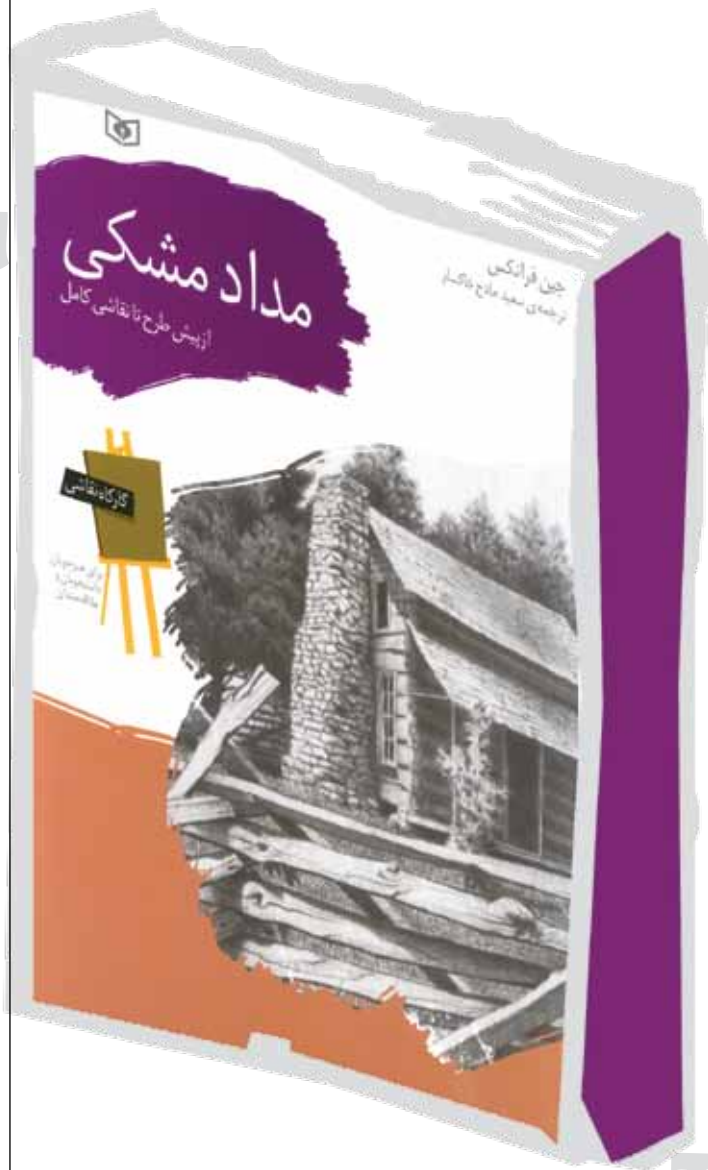
# مجموعه آموزشی کارگاه نقاشی

مهدی الماسی

را سال گذشته آقای سعید مادح خاکسار ترجمه کرد و نشر قدیانی آن را به بازار فرستاد. هر یک از کتاب‌های این مجموعه به موضوعی خاص در نقاشی اختصاص دارد و در ۶۴ صفحه تنظیم شده است. هدف کلی مؤلفان این مجموعه آموزش گام‌به‌گام نقاشی به هنرجویان علاقه‌مندی است که درباره نقاشی اطلاعات چندانی ندارند. در این مجموعه دوازده‌گانه، مؤلفان سعی کرده‌اند به کمک مثال‌ها و نمونه‌ها و توضیحاتی درباره روش‌ها و شیوه‌ها و فوت و فن کار، مخاطب علاقه‌مند را به کار عملی و تجربه لذت‌بخش نقاشی ترغیب کنند. در فرصت مختصر پیش‌رو، پنج کتاب از مجموعه کارگاه نقاشی را مرور می‌کنیم.

معلم‌ان و مدرسان هنر و نیز هنرآموزان در مسیر آموزش و تعلیم، به‌خصوص در هنر نقاشی، نیازمند نوشته‌های آموزشی هستند تا با یادآوری اصول پایه، مسیر تعلیم و تعلم هنر نقاشی برای آنان ساده‌تر شود و گام‌به‌گام مدرسان و هنرجویان را در مسیر درست آموزش پیش ببرند. به‌ویژه زمانی که دسترسی به استاد برای دانشجو دشوار است و دسترسی استاد به منابع مرجع آموزشی، وقت‌گیر. چنین نیازهایی در امر تعلیم هنر باعث شده است که کتاب‌های فراوانی بارویکرد آموزش مبانی نقاشی در ایران و خارج از ایران با تکیه بر تجارب شخصی و جمعی در امر آموزش چاپ و منتشر شود. در سال‌های اخیر بسیاری از کتاب‌های منتشر شده، در سایر نقاط دنیا، در ایران ترجمه شده و به چاپ رسیده‌اند. یکی از جدیدترین این مجموعه‌ها با عنوان کلی «کارگاه نقاشی»





### مداد مشکی

کتاب «مداد مشکی» با عنوان فرعی «از پیش طرح تا نقاشی کامل» منتشر شده است. در این کتاب مؤلف کوشیده است اصول نقاشی با مداد مشکی را، که مبنای تمام انواع نقاشی هاست، به شیوه گام به گام به علاقه‌مندان گوشزد کند.

او نخست مواد ساده مورد نیاز را معرفی کرده است: مدادهای سخت و کم‌رنگ  $H-F-H$  و بالاتر و همچنین مدادهای نرم و پررنگ  $B-B-H$  و بالاتر، کاغذهای نرم و بدون بافت، تخته شاسی و پاک‌کن و همچنین تثبیت کننده (محلولی که با پاشیدن آن بر روی نقاشی مواد آن تثبیت می‌گردد).

در کتاب، مطالب فشرده‌ای درباره نورپردازی با مداد مشکی، طرح‌های کوچک، پرسپکتیو، کنترل مداد (سختی نوک مداد)، وضعیت مداد، تیز کردن مداد، فشار بر مداد و تنوع خطوط) و ارزش سایه روشن آمده است. بخش عمده‌ای از کتاب به نمونه‌های نقاشی با مداد و مراحل شکل‌گیری آن‌ها اختصاص دارد. این نمونه‌ها اغلب شامل طبیعت بی‌جان، حیوانات، طبیعت و مردم است که از حیث آموزشی می‌تواند برای علاقه‌مندان به نقاشی با مداد مشکی راه‌گشا باشد.

### پرسپکتیو

کتاب «پرسپکتیو» که دارای عنوان فرعی «مفاهیم پایه و تکنیک‌های پیشرفته» است، با مثال‌هایی درباره مفهوم پرسپکتیو و عمق و بُعد اشیا در فضا شروع می‌شود؛ با تأکید بر این موضوع که قواعد پرسپکتیو نقاش را قادر می‌سازد تا مناظر و اشیا را به گونه‌ای که واقعا به چشم می‌آیند، طراحی یا نقاشی کند. بر این اساس، هر چه اجسام از نقطه دید بیننده دورتر باشند، کوچک‌تر به نظر می‌آیند.

موضوع نقاشی، کادر تصویر، نقطه دید، زاویه و ارتفاع منظره، خط افق و نقطه گریز از جمله اصطلاحات علم

پرسپکتیو هستند که نویسنده با توضیحات مختصر خود درباره آن‌ها خواننده را آماده ورود به مباحث بعدی کتاب می‌کند.

عمده توضیحات و مثال‌ها را مؤلف به شرح پرسپکتیو یک نقطه‌ای، پرسپکتیو دو نقطه‌ای و پرسپکتیو سه نقطه‌ای اختصاص داده و با آوردن نمونه‌هایی از تصاویر، امکان فهم و درک انواع پرسپکتیو را ساده‌تر کرده است.

طراحی بدن انسان در پرسپکتیو و همچنین نحوه سایه‌پردازی با تکیه بر علم پرسپکتیو از دیگر بخش‌های کتاب است که ابعاد دیگری از مفهوم پرسپکتیو را در فضا تبیین می‌کند.



### مداد رنگی

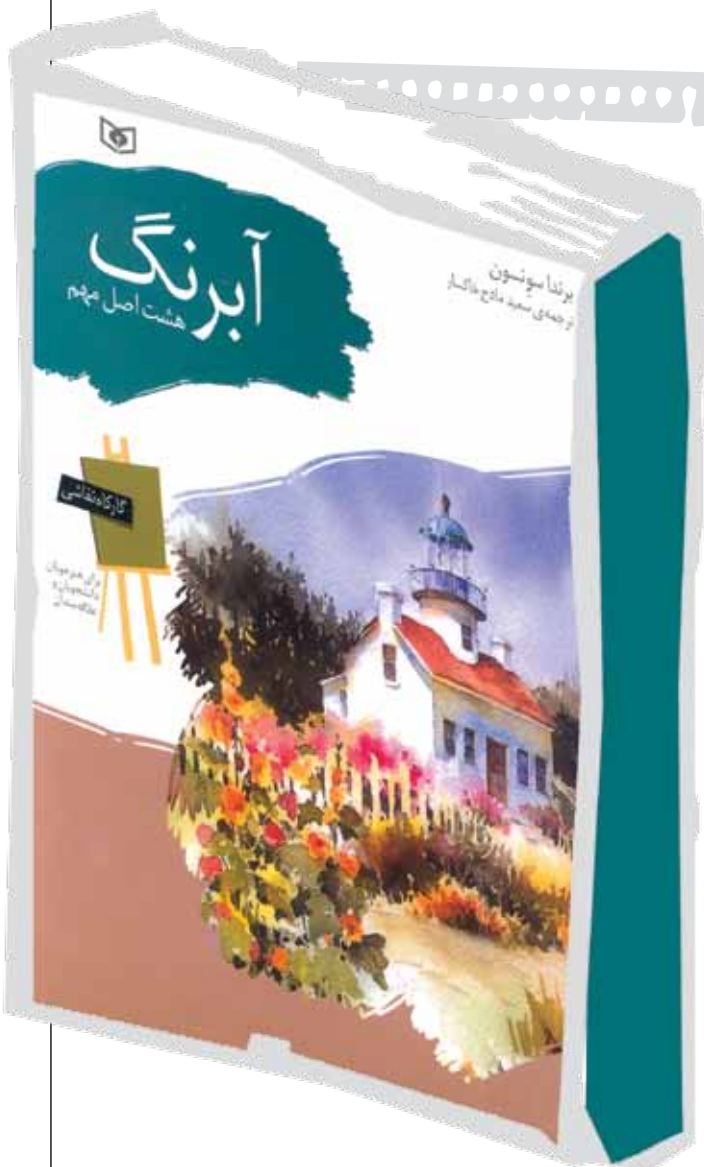
این کتاب نیز با عنوان فرعی «از پیش طرح تا نقاشی کامل» چاپ شده است. کوشش مؤلف کتاب بر آن بوده است تا اصول اولیه و کلی نقاشی با مداد رنگی را، که امروزه به عنوان ابزاری حرفه‌ای برای خلق آثار نقاشی به‌شمار می‌رود، به زبان ساده بیان کند. در این کتاب به‌طور مشخص روش کار توأمان مداد رنگی با مداد شمعی، روان‌نویس، محوکن و ماژیک موردنظر مؤلف بوده و فوت و فن کار با این وسیله‌ها به کمک نمونه‌ها و مثال‌های مصور به مخاطبان ارائه شده است.



### رنگ روغن

در کتاب «رنگ روغن» مؤلف به آموزش مفاهیم پایه و تکنیک‌های پیشرفته این رشته از نقاشی پرداخته است. وی اذعان می‌دارد که هیچ چیز جای تجربه نقاشی کردن مستقیم از طبیعت را نمی‌گیرد و مهم‌ترین استاد هر نقاش، تجربه او از نقاشی در فضای باز و نقاشی کردن از آن چیزی است که دیده می‌شود. بخش‌هایی از کتاب به معرفی مواد و ابزار نقاشی رنگ روغن نظیر قلم‌موهای نقاشی، کاردک‌ها، رنگ روغن و مواد افزودنی (روغن برزک، نفت و...)، سه پایه نقاشی، تخته رنگ و... اختصاص دارد. درباره ترکیب رنگ‌ها و نتایج مختلف آن مطالبی موجز در خور حجم کلی کتاب آمده است.

شیوه نقاشی گام‌به‌گام رنگ روغن از انواع ابرها، درخت‌ها، آب‌ها و امواج، بازتاب اشیای مختلف در آب، سنگ‌ها و اندام انسانی و حیوانات همراه با نکات کلیدی درباره آن‌ها موضوع بخش میانی کتاب را تشکیل می‌دهد. ترکیب‌بندی مناظر و ساده‌کردن موضوعات، نقاشی بیان حالت، ایجاد بافت، ثبت سایه و روشن، تعیین زاویه نگاه یا دیدگاه نقاش، نشان‌دادن وقت و زمان در نقاشی، شرح فاصله‌ها و اصول نمایش عمق در منظره، استفاده از فضای منفی در یک نقاشی و به‌کارگیری خلاقیت هنری از دیگر موضوعاتی است که در این کتاب مطرح شده است تا هنرجوی علاقه‌مند را آماده ورود به دنیای پر رمز و راز نقاشی رنگ و روغن کند.



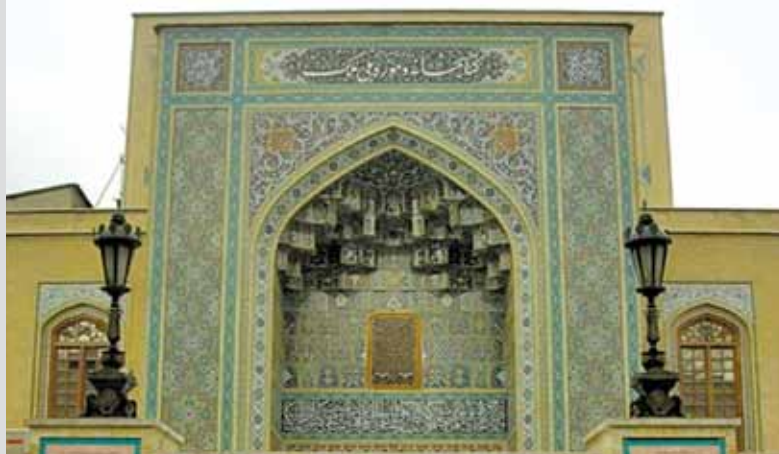
### آبرنگ

سعی مؤلف کتاب بر این بوده است که طرز نقاشی با آبرنگ را همراه با هشت اصل مهم آن به اجمال به هنرجوی این رشته یادآوری کند. در این کتاب نیز ابتدا ابزار و مواد کار اعم از رنگ، ظرف رنگ، قلم‌موهای نقاشی و ابزار طراحی (مدادها)، کاغذها، دفترهای طراحی، سه پایه و صفحه کار یا زیردستی چوبی و... معرفی شده و سپس نکاتی درباره مبانی رنگ و زبان رنگ‌ها و ترکیب آن‌ها آمده است. همچنین به چند تکنیک مشهور کار با آبرنگ اشاره شده است.

در ادامه، هشت مرحله از کار نقاشی با آبرنگ با تصاویر و توضیحاتی به این ترتیب بیان شده است:

۱. خلق اشکال و عناصر با تکیه بر چینش مجدد تصاویر در صفحه؛
۲. تعیین سایه روشن‌ها؛ ۳. توجه به رنگ؛ ۴. ایجاد مرکز توجه در اثر (با رنگ یا زاویه دید و سایه روشن و...); ۵. ایجاد مسیر بصری جهت هدایت نگاه بیننده در اثر؛ ۶. تغییر لبه‌ها؛ ۷. تقویت سایه روشن؛ ۸. تأثیر حداکثر سفید (بهره‌گیری مناسب از رنگ کاغذ سفید به جای رنگ سفید).

به دلیل وجود هنرمندان برجسته نقاشی در ایران جای آن دارد که ناشران ایرانی، به‌خصوص ناشرانی که بنیة اقتصادی قوی دارند، برای تقویت فرهنگ و هنر ایران با دعوت از این هنرمندان و استفاده از تجارب آن‌ها در زمینه آموزش هنر نقاشی و ترویج فوت و فن این هنر دست به انتشار آثار آموزشی با تکیه بر هنر ایرانی بزنند و تنها به ترجمه و نشر آثار خارجی اکتفا نکنند.



# مکان‌ها و موزه‌های هنری

## مُلکِ هنر در موزهٔ مَلِک

### شاره

بازدید از مکان‌های هنری مهم و موزه‌ها یکی از راه‌های غنی کردن حس هنری در کودکان، نوجوانان و علاقه‌مندان مباحث تخصصی به‌شمار می‌آید. برای اهل هنر نیز دیدن آثار گوناگون هنری و دنبال کردن آن‌ها در گذرگاه تاریخ از عواملی است که رفته‌رفته در پس‌زمینهٔ ذهنی آنان شکل می‌گیرد و چنانچه فرد با مسائل هنری و تکنیک‌ها و شیوه‌های گوناگون آن آشنایی داشته باشد، این ذخیرهٔ ذهنی را، در زمانی که شرایط برایش فراهم شود، می‌تواند شکل‌آفرینی و بازآفرینی کند. در عین حال، این بازآفرینی نه در جامهٔ تقلید صرف، بلکه با روایت زبان شخصی و درک بصری، به‌ویژه در هنرهای تجسمی و هنرهای دستی می‌تواند به ارزش افزودهٔ مثبتی تبدیل شود و در دنیای هنر جایگاه تازه‌ای پیدا کند. بنابراین، موزه‌گردی و سرزدن به مکان‌های مهم هنری که در سایهٔ اندیشهٔ انتقال معانی و ایجاد فرصت برای استفاده و یادگیری شکل می‌گیرد، فرصتی مغتنم و مؤثر است.

یکی از مکان‌هایی که واجد این ویژگی‌هاست، کتابخانه و موزهٔ ملک است که در خیابان امام خمینی و در بافت قدیمی پایتخت خودنمایی می‌کند.







نمونه‌ای از قطعات قدیمی  
موزه ملک  
اثر میرزا غلامرضا اصفهانی

#### واقف کتابخانه و موزه ملک

در کتاب راهنمای موزه ملک آمده است که مرحوم حاج حسین آقا ملک، فرزند ارشد مرحوم حاج محمد کاظم ملک‌التجار ممالک محروسه ایران و او نیز فرزند آقامهدی تاجر تبریزی دارای همین عنوان و از دوستان نزدیک میرزاتقی خان امیرکبیر بوده که سرای امیر در بازار تهران را با احترام بنا کرده است.

به‌علاوه، مسجد ملک در بازار تهران نیز از بناهای آقا مهدی فرزند ابوعلی و او فرزند ملا آقابابا معروف به مجتهد بوده که در فقه و اصول و مخصوصاً علوم غریبه ید طولایی داشته است.

جدّ مادری واقف نیز اهل تبریز و موسوم به علی عباس‌بیک بوده است. حسین ملک در نهم ربیع‌الاول سال ۱۲۹۲ هجری قمری در منزل اجدادی خود، واقع در تهران بازار بین‌الحرمین (محل قبلی کتابخانه و موزه ملی ملک)، چشم به جهان گشود.

دروس فارسی و عربی را اول نزد مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی فراگرفت و بعد در خدمت مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه، که در حجره‌ای در مسجد امام خمینی منزل داشت و علاوه بر قرب جوار با مرحوم حاج محمدکاظم ملک نیز معاشر و دوست بود، به تحصیلات ادامه داد.

قطعه خوشنویسی  
قسمتی از قرآن مجید  
بایسنقر میرزا





جلد لاکي  
نقاشی (نگاره گل و پروانه - داخل جلد:  
حلکاری گل و برگ)  
پدیدآورنده: حسین (یا ابا عبدالله)  
۱۲۶۸ هجری قمری  
۱۶۰×۲۶۰ میلی متر  
۵۱-۶ ع



قطعه خوشنویسی  
قصیده برده بوصیری  
خط نسخ دفتری (شیوه ایرانی)  
خوشنویس: محمدالحسینی  
۱۱۹۶ هجری قمری  
۱۹۰×۲۷۰ میلی متری  
۲۹-۱۰ ع

کتاب علاقه‌مند بود و این عشق و علاقه را تا آخر عمر حفظ کرد و این خود مقدمه‌ای برای تأسیس و تکوین تدریجی کتابخانه گران قدری شد که امروزه شهرت جهانی دارد.

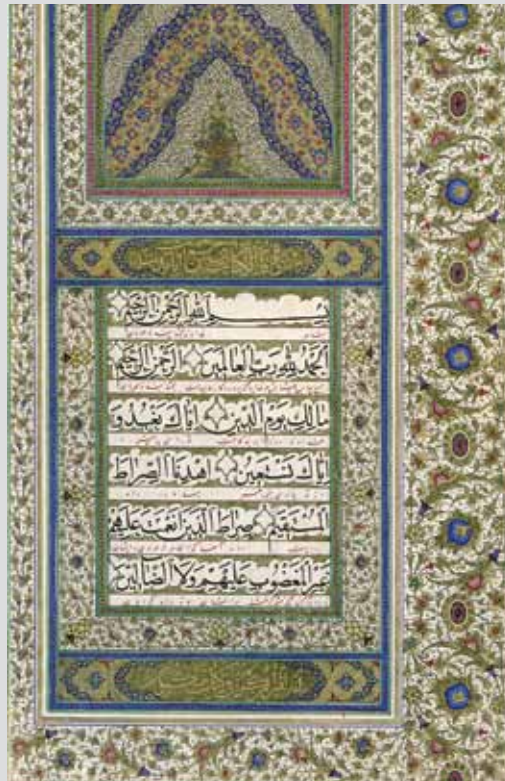
گفتنی است که ایشان کتابی را ندیده و خوانده به مخزن (کتاب) نمی‌فرستاد. آقایان دانش‌پژوه و ایرج افشار که فهرست نسخ خطی کتابخانه را تهیه کرده‌اند، اظهار می‌دارند:

«هرگاه از نظر تاریخ تحریر یا نام محرر و غیره به مشکل برمی‌خوریم، به نوشته مرحوم ملک در حاشیه کتاب

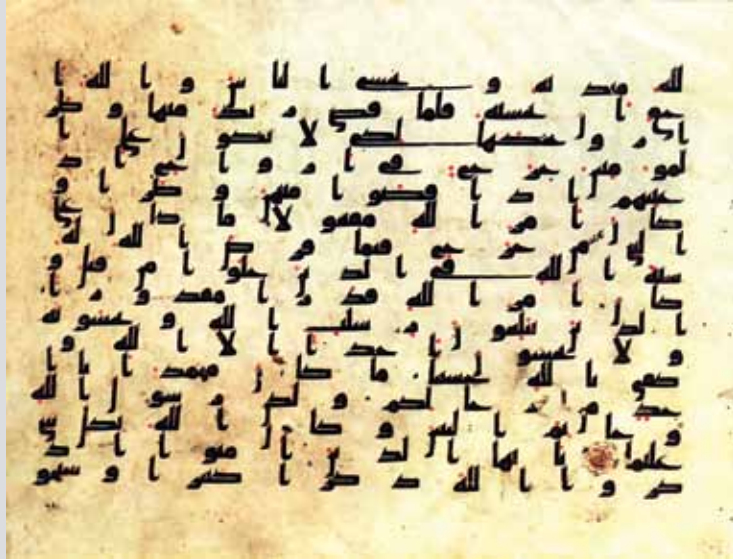
او در عنفوان جوانی در معیت پدر خود به مکه معظمه مشرف شد و از آن تاریخ به حاج حسین آقاملک معروف گردید.

وی از طرف پدر جهت رسیدگی و اداره املاک در خراسان، به مشهد رفت و پس از چندی، با دختر مرحوم حاج سیدعبدالله، متولی مسجد گوهرشاد که برادر عیال مرحوم حاج سیدحبيب... حبيب‌اللهی مجتهد معروف خراسان بود، ازدواج کرد و در مشهد ماندگار شد.

مرحوم ملک از ابتدای عمر به مطالعه و جمع‌آوری



نام کتاب: قرآن  
نام کاتب: محمد شفیع ابن علی عسکر ارسنجانی  
تاریخ کتابت: ۱۳۱۵ هـ. ق.  
اندازه کتاب: ۲۸×۴۳  
جدول کتابت: ۳۲×۱۸  
تعداد سطور: ۱۲  
نوع خط: نسخ ممتاز  
تعداد صفحات: ۷۱۸  
کتابت ترجمه: نستعلیق ممتاز  
ترجمه به خط: علی نقی شیرازی



برگی از قرآن  
آیات ۳۷ الی ۵۰ سوره مبارکه احزاب  
خط کوفی (نوشته شده بر پوست آهو)  
قرن ۳ و ۴ هجری قمری  
۱۸۲×۲۳۳ میلی‌متر

دانش‌پژوه و ایرج افشار آن را در ده مجلد فهرست‌نویسی کرده‌اند و نسخه‌های ویژه هنری هر کدام می‌تواند مبنای یک بحث جامع هنری باشد.

برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. قرآن به خط نسخ و ثلث به خط یاقوت مستعصمی
۲. قرآن به خط نسخ و ثلث به خط علاءالدین شیرازی
۳. قرآن به خط نسخ و ثلث به خط علاءالدین تبریزی
۴. قرآن به خط نسخ و به خط حسین بن عسکر ارسنجانی
۵. مرقعات و مکتوبات به خط خوشنویسان مشهور

مراجعه می‌کردیم.»

مرحوم ملک در سال ۱۳۱۶ بر طبق مفاد چندین وقفنامه، اداره امور کتابخانه و موزه را با تمامی موقوفات به آستان قدس رضوی واگذار کرد و تا زمانی که در قید حیات بود، تمامی اختیارات خرید کتب و نفایس و همچنین اداره امور کتابخانه را عهده‌دار بود.  
مرحوم ملک در سال ۱۳۵۱ شمسی دارفانی را وداع گفت و به دار بقا پیوست.  
از منظر هنری آنچه در کتابخانه ملک حائز اهمیت است، تعداد ۶۵۳۷ نسخه خطی است که مرحومان محمدتقی



رنگ و روغن  
اثر کمال‌الملک



تصویر کمال‌الملک  
رنگ و روغن  
اثر خود استاد

رنگ و روغن  
اثر کمال الملک



پرده  
طرح بهرام گور و گل اندام  
(بزم و شکار)  
قلابدوزی ابریشم روی پارچه ماهوت  
۱۶۷×۱۵۰ سانتی متر  
۵-۱ع

### موزه ملک

۱. ۱۲ تابلوی منحصر به فرد، اثر کمال الملک غفاری؛ دو تابلو از تابلوهای موجود آخرین آثار هنری آن نقاش نامی، قبل از نابینا شدن وی هستند؛
۲. مسکوکات نقره از دوره سلوکیه تا قاجاریه؛
۳. مسکوکات طلا که به مناسبت‌های مختلف در ایران و جهان ضرب شده است؛
۴. قلمدان‌های بسیار نفیس که دست ساخته هنرمندان نامی گذشته است؛
۵. تابلوهای رنگ و روغن، کار بهترین نقاشان ایتالیا؛
۶. چند تابلوی رنگی و روغن، اثر شاگردان کمال الملک غفاری؛

مرحوم حسین ملک موزه خود را با جمع‌آوری آثار و میراث فرهنگی بنیان نهاد و در این راه از مشورت اهل فن بهره گرفت. این تلاش وی منجر به تأسیس موزه در سال ۱۳۱۶ شمسی گردید. هم‌اکنون آن تلاش نخستین با وجود بخش‌های مختلف، میعادگاهی برای هنردوستان، مورخان و هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی است و دیدن آن می‌تواند در نمایش عظمت بخشی از هنر ایران راه‌گشا باشد. در اینجا به بعضی از قسمت‌های این مجموعهٔ پرارزش اشاره‌ای مختصر می‌شود.



اثر: آقا لطفعلی صورتگر شیرازی  
ابعاد اصل اثر: ۱۴/۲×۱۰/۲ سانتی متر



اثر: آقا لطفعلی صورتگر شیرازی



رنگ و روغن  
اثر هالاف

۷. تابلوهای مینیاتور، اثر هنرمندان داخل و خارج؛  
۸. چهار قطعه خط ثلث، نوشته بایسنقر میرزای تیموری؛  
۹. کشکول و تبرزین و پیراهن منسوب به شاه‌عباس صفوی؛  
۱۰. خطوط و مرقعات کار خطاطان نامی ایران؛  
۱۱. مرقعات از شاهنامه فردوسی؛  
۱۲. فرش‌های نفیس؛  
۱۳. جلد‌های روغنی و لاک‌ی؛  
۱۴. پرده‌های نفیس؛  
در موزه بخشی نیز به اسطراب و کاربردهای آن

اختصاص یافته که در نوع خود دیدنی است.  
مجموعه کتابخانه و موزه ملک دارای محیطی جذاب و برگرفته از میراث فرهنگی و معماری ایرانی - اسلامی است؛ به‌طوری که قرار گرفتن در فضا تأثیر مطلوبی بر بیننده دارد و نگرش مثبتی در او به وجود می‌آورد. بر این اساس، بازدید از این مجموعه برای دانش‌آموزان، دانشجویان هنر، معلمان و دبیران و مدرسان رشته‌های هنری و هنرمندان تجسمی فرصتی است که روح و ذوق خویش را تلطیف کنند و گزیده‌ای ارزنده از هنر ایران و جهان را به تماشا بنشینند.



رنگ و روغن  
اثر بنتی



رنگ و روغن  
اثر لورین



دبیران و مربیان هنر مدارس در گفت‌وگو با مجله رشد آموزش هنر

## تخصص؛ گمشده درس هنر

حمید قاسم‌زادگان

گفت‌وگو

شاره

معلمان و مدرسان با سابقه هنر از چهارگوشه کشور به آن‌ها پاسخ داده‌اند. این واگویی‌های درون شاید بهترین شکل پاسخ‌گویی به این سؤال باشد که در کلاس هنر چه خبر است.

از فرصت استفاده می‌کنیم و با هدف بسط این تجربیات و حتی نقد آن‌ها در انتظار نکات ناگفته و تازه‌ای هستیم که هنوز در سینه معلمان و مدرسان هنر حفظ می‌شود.

شما نیز با ارسال نظریات و تجربه‌های خود در این زمینه، رشد آموزش هنر و سایر همکاران هنری را یاری کنید.

از منظر روش تحقیق علمی، گفت‌وگو و مصاحبه از روش‌های اولیه برای گرفتن بازخورد برنامه‌های درسی و رکن مهم آن، یعنی کتاب درسی، است.

به همین سان، توفیق هر برنامه درسی منوط به اجرای هنرمندانه در متن کلاس درس و مواجهه مستقیم معلم با دانش‌آموزان است. کلاس درس هنر را چگونه آغاز می‌کنید؟ کتاب درس هنر تا چه اندازه راه‌گشاست؟ تجربه‌های زنده و قابل انتقال شما چه مواردی است؟ پیشنهادهای کاربردی معلمان هنر برای مسئولان و دست‌اندرکاران چیست؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که

رشد آموزش هنر

رشد آموزش  
هنر  
دوره دهم  
شماره ۳  
زمستان ۱۳۹۱

با توجه به اهمیت گفت‌وگوی مستقیم با دبیران و مربیان هنر در مدارس، فرصت مغتنمی پیش آمد تا در کتابخانه یکی از مراکز تربیت معلم هنر، طی نشست صمیمی با تعدادی از دبیران و مربیان پیرامون تجربیات تدریس هنر در هنرستان و دوره راهنمایی و نقد و تحلیل کتاب‌های پایه‌های مختلف تحصیلی به صحبت بنشینیم. در میان جمع حاضر دو تن از آموزگاران دوره ابتدایی نیز بودند که تجربه چندین سال تدریس در دوره راهنمایی را داشتند.

#### آزاده دهقانی:

بنده دبیر هنر دوره راهنمایی تحصیلی مدارس خاص شهرستان قروه استان کردستان و دانشجوی ترم دوم کارشناسی هنر هستم. پنج سال سابقه تدریس درس هنر را دارم و به صورت گروهی در کلاس آموزش می‌دهم که این شیوه نتیجه خوبی داشته است. به طوری که دانش‌آموزان هر سال در مسابقات فرهنگی - هنری موفق شده‌اند رتبه‌های برتر استان را کسب کنند. در مورد کتاب آموزش هنر باید بگویم که یکی از مسائل مربوط به آن کمبود زمان است. مثلاً ما برای درس هنر دوم و سوم یک سال زمان داریم اما چون کلاس‌ها دو هفته یک بار تشکیل می‌شوند، من به عنوان معلم حتی چهره دانش‌آموزان را فراموش می‌کنم و باید هر دفعه مجدداً آن‌ها را بشناسم.

مشکل بعدی ما بی‌توجهی و کم‌لطفی بسیاری از مسئولان در وزارت آموزش و پرورش تا ادارات تابعه در شهرستان‌هاست که اصلاً هنر را جدی نمی‌گیرند و عملکردشان نشان می‌دهد که این درس را یک زنگ تفریح و چیزی برای پرکردن ساعت در مدرسه می‌دانند.

بعضی از مطالب کتاب بسیار سنگین است، چنان که حتی برای من معلم هم هنوز جان‌پیخته است؛ چه برسد به دانش‌آموز راهنمایی پایه اول که به سختی متوجه درس می‌شود. با وجود این، بحث خوشنویسی مسئله‌ای جدی است. طی بخشنامه‌ای که به ما ابلاغ کرده‌اند، نستعلیق از کتاب حذف شده است. اگر حذف شده، پس چرا هنوز در کتاب چاپ می‌شود؟ در عین حال، من هم‌اکنون بخش تحریری را در کلاس آموزش می‌دهم. البته به این ترتیب که جزواتی را تهیه کرده‌ام و در منزل مطالعه و تمرین می‌کنم. ابتدا حروف الفبا را می‌نویسم و بعد آن را چاپ می‌کنم. در کلاس از روی برگه‌های چاپ شده درس می‌دهم و از تمرین حروف الفبا به کلمات و جملات می‌رسیم. ناگفته نماند که این روش نتیجه خوبی داشت و دانش‌آموزان کلاس من در سال گذشته خطشان خیلی تغییر کرده بود.

#### خانم بابایی:

من نمی‌توانم ارتباط خوبی با کتاب‌های هنر برقرار کنم. زمانی هم که دانش‌آموز دوره راهنمایی بودم، احساس خوبی نسبت به کتاب هنر و ظاهرش و حتی تصاویر داخل آن نداشتم. الان هم فکر می‌کنم دانش‌آموزان کلاس من همین‌طورند. طرح روی جلد و حتی پشت جلد کتاب هنر با محتوای درس ارتباطی ندارد.

در حال حاضر از تصاویر و کارهایی که در دوره کاردانی داشته‌ام، برای تدریس در کلاس استفاده می‌کنم. گاهی هم خودم کارهایی انجام می‌دهم و از آن‌ها کمک می‌گیرم. به نظرم بهتر است در کتاب از تصاویر جدیدتری استفاده شود.

#### خانم فرزانه تقریبی:

در مورد مجموعه هشتم که پارسال بخشنامه آن آمد، می‌خواستم توضیحی بدهم. یکی از موارد این مجموعه حذف تاریخ هنر ایران و جهان بود اما برای کنکور لازم



من می‌کوشیدم بچه‌ها را با نوع نگاهی که نسبت به یک موضوع دارند، آشنا کنم و بعد در کار همان‌طور که اصول اولیه را می‌گویم، از دانش‌آموزان می‌خواستم تا آزادانه و با برداشت خود، طرحشان را بکشند.

#### خانم سرعتی:

تنها نکته‌ای که به ذهنم می‌رسد، در مورد خوشنویسی است. در حال حاضر در دوره ابتدایی با دانش‌آموزان خوشنویسی تحریری را کار می‌کنند؛ از این‌رو طبیعتاً این دانش‌آموزان در دوره راهنمایی در درس خوشنویسی تحریری مشکل کمتری دارند، اما در گذشته به این صورت نبود؛ چون ما باید آرام و مرحله به مرحله آموزش می‌دادیم. پیش‌زمینه‌ای هم وجود نداشت اما در رابطه با نقاشی این‌طور نیست؛ ما مرحله به مرحله و از ابتدا تدریس می‌کنیم.

به نظر بنده کتاب هنر دوره راهنمایی اصلاً متناسب با سن دانش‌آموزان نیست؛ یعنی مطالب آن بسیار پیش‌پا افتاده است. مخصوصاً کتاب سال سوم و بحث رنگ‌ها که قبلاً در دبستان مطرح شده است. نکته بعدی به درس طراحی حیوانات مربوط می‌شود که در کلاس دوم مطرح است اما توضیحات بسیار کمی دارد.

#### خانم سلیمانی:

در جریان تدریس بین هنر و کارآفرینی ارتباط ایجاد کرده‌ام؛ زیرا فکر می‌کنم اگر بچه‌ها از کارهای هنری که انجام می‌دهند درآمدی حتی ناچیز داشته باشند، به آن بیشتر علاقه‌مند می‌شوند.

وقتی کارهای عملی را که خودم انجام می‌دهم به کلاس می‌برم و در مورد آن به بچه‌ها توضیح می‌دهم، علاقه آن‌ها بیشتر می‌شود. آن‌ها حتی بعضی مواقع در ساعات‌های تفریح برای یادگیری به کارگاه نزد من می‌آیند. خانواده‌های دانش‌آموزان نیز از این کار رضایت کامل دارند و به نظر من این شیوه، آثار تربیتی مطلوبی دارد.

در مورد کارآفرینی بهتر است خاطره‌ای را برای نمونه عرض کنم. برای درست کردن گل رُز یک حلقه روبان گل به مبلغ پانصد تومان خریدم. گل را که درست می‌کردم، بچه‌ها در کلاس دیدند و بی‌اراده آن را برداشتند و بوییدند. از آن‌ها پرسیدم چه بویی می‌دهد که در جواب گفتند: «هیچی»، اما من گفتم که این گل بوی نان می‌دهد. آن‌ها خندیدند و من با همان حلقه روبان پنجاه تا گل و سربند برای گروه سرود درست کردم و آن‌ها را به مبلغ ده هزار تومان فروختم که در آخر دویست هزار تومان شد. آن وقت به بچه‌ها گفتم: «دیدید این گل بوی نان می‌داد!» این موضوع برای آن‌ها خیلی جالب بود.

تأثیر کار معلم‌های دوره راهنمایی بر دانش‌آموزانی که



است که دانش‌آموزان حتماً این کتاب را بخوانند. در ترم اول برای دانش‌آموزان سال دوم متوسطه، شش ساعت کارگاه مداد، رنگ و پاستل گذاشتند؛ در صورتی که مبانی رنگ‌شناسی مربوط به ترم دوم است. بچه‌ها معمولاً در ارتباط با رنگ دچار مشکل می‌شوند؛ یعنی ما در پایه اول علاوه بر تکنیک، باید موارد رنگ را نیز آموزش دهیم. من چند سال پیش پیشنهادی به اداره دادم اما متأسفانه جوابی دریافت نکردم. پیشنهادم این بود که ساعت آزادی را برای مدارس در نظر بگیرند، برای اینکه تعاملی باشد بین همکاران و دانش‌آموزان؛ یعنی بچه‌ها بتوانند در آن ساعت کار آزادی انجام دهند تا از یکدیگر یاد بگیرند و تجربه کسب کنند.

برای ایجاد رغبت من همیشه سعی می‌کردم از روش‌های متنوعی استفاده کنم. برای مثال، در طراحی برای ایجاد ارتباط بهتر، کارهایی از هنرمندان گوناگون و حتی کارهایی را که خودم انجام داده بودم، به کلاس می‌بردم.





الان در کلاس شما هستند، چقدر و چگونه است؟ قطعاً بی تأثیر نیستند. در هنرستان رشته‌های مختلفی وجود دارد اما کسانی که در رشته‌هایی چون طراحی چهره مشغول تحصیل‌اند، زمینه بهتری دارند و به همین دلیل بیشتر پیشرفت می‌کنند. من در حال حاضر می‌بینم که معلم‌های هنر مظلوم واقع شده‌اند، ساعت کمی دارند یا حتی معلم‌های دیگر می‌خواهند ساعت‌هایشان را از آن‌ها بگیرند.

#### سکینه عفاف گلی:

تا آنجا که امکان دارد، سعی می‌کنیم پایه دانش‌آموزان را قوی‌تر کنیم تا در مقاطع بعدی بهتر عمل کنند، اما همان‌طور که همکاران گفتند، کتاب مشکلاتی دارد. برای مثال، در کتاب هنر به رشته‌های هنری اشاره‌ای نشده است؛ در صورتی که می‌شد بخشی را به رشته‌های هنری اختصاص داد. من در مورد تداخل درس هنر با درس‌های دیگر این پیشنهاد را دارم که می‌شد خط تحریری را با درس ادبیات ارتباط داد؛ یعنی در درس‌های ادبیات از خط تحریری استفاده کرد. بچه‌ها این درس‌ها را می‌بینند و می‌خوانند یا در درس‌هایی چون علوم و حرفه‌وفن کارهای کارگامی دارند و می‌شود بین این درس‌ها و هنر ارتباطی برقرار کرد تا درک مفاهیم هر دو درس بهتر صورت گیرد.

#### خانم رحیمی:

من فکر می‌کنم شناختی که دانش‌آموزان هنرستانی

از رشته هنر، معماری و گرافیک دارند به اطلاعاتشان در مورد درس هنر دوره راهنمایی برمی‌گردد. اکثر معلمان هنر در دوره راهنمایی، دبیر ریاضی، زبان و غیره بوده‌اند. به همین دلیل بچه‌ها شناختی نسبت به هنر ندارند و در انتخاب رشته اشتباه می‌کنند یا معدل پایین دارند یا به دلیل موقعیت اجتماعی را انتخاب می‌کنند که معمولاً دانش‌آموزان ضعیفی هم هستند.

با این حال، معمولاً در یک ماه اول تدریس، دانش‌آموزان فعال و موفق، مشخص می‌شوند و ما برای مثال، آن‌هایی را که در درس خوشنویسی موفق‌ترند، به سمت انجمن خوشنویسان هدایت می‌کنیم.

لازم است شناخت و آگاهی بیشتری به بچه‌ها بدهیم. در دوره راهنمایی، هنر فقط خوشنویسی و نقاشی تعریف شده است؛ حال آنکه بچه‌ها باید بدانند هنر زیرشاخه‌های دیگری نیز دارد.

#### خانم شاهسون:

از بین بچه‌ها معمولاً تعداد کمی علاقه‌مندند و آن تعداد هم که تصمیم به انتخاب رشته‌های هنری می‌گیرند، یا از قبل زمینه داشته‌اند یا پدر و مادرشان در زمینه هنر فعالیت دارند و یا به قول همکارم برای موقعیت اجتماعی به سمت هنرستان کشیده می‌شوند. چون در دوره راهنمایی معلم تخصصی برای درس هنر بسیار کم است و به این درس به عنوان زنگ تفریح و وقت فراغت نگاه می‌شود.



هستند تا مسائل هنری. در صورتی که مسائل هنری ذهن بچه‌ها را باز می‌کند و آن‌ها را یاری می‌دهد که درس را بهتر یاد بگیرند. برای نمونه، وقتی من در دوره راهنمایی تدریس می‌کردم، بهترین دانش‌آموزم در درس ریاضی برای کشیدن مکعب مشکل داشت. لذا حتماً بچه‌ها باید از پایه قوی شوند.

#### خانم شکوهی:

در هنرستان تدریس می‌کنم. بنده البته نظرم را درباره این دوره تحصیلی می‌گویم.

چند نکته درباره کلیه دروس به نظرم می‌رسد که لازم است آن‌ها را توضیح دهم. منبع یکی از زیرگروه‌هایی که تدریس می‌کنم (نقوش اسلیمی) به صورت جزوه تهیه شده که سرشار از اشکال است. دانش‌آموزان همیشه این مشکل را دارند که کار را از کجا شروع کنند یا چگونه گل را بکشند. نقوش اسلیمی مربوط به نگارگری است. چند سالی است که انتظار داریم این منبع را تغییر دهند اما هنوز به جایی نرسیده‌ایم. نکته بعدی در مورد طراحی ۱ و ۲ سال سوم نگارگری است. دو کتاب حدود ۲۲۰ صفحه‌ای را در سال سوم هنرستان قرار داده‌اند. بچه‌ها وقتی شروع می‌کنند، ابتدا اشیای بی‌جان و بعد در رابطه با طبیعت کار می‌کنند. چون رشته‌شان نگارگری است، معلم طراحی که به کلاس این‌ها می‌آید، می‌خواهد بزرگ کار کنند اما این کار برای دانش‌آموزانی که دستشان به ریز عادت کرده، واقعاً سخت است. ما چند بار تأکید کردیم که کتاب ۱ و ۲ برای سال دوم و ۲ و ۳ برای سال سوم باشد اما نمی‌دانیم اصرار مسئولان بر اینکه دو کتاب در سال سوم باشد، برای چیست؟ نکته بعدی در مورد کتاب تاریخ هنر ایران و جهان است که از کلیه رشته‌های هنرستان حذف شده اما در کنکور هست.



در مورد کتاب، پیوستگی مطالب آن کم است و شکل ظاهری جذابی هم ندارد. معمولاً کتاب‌های هنری را که در بیرون می‌بینیم، هم قطع بزرگ‌تری دارند و هم رنگ و تصویر یا نوشته‌هایشان ما را جذب می‌کند اما کتاب هنر دوره راهنمایی این‌گونه نیست. تصاویر سیاه و سفیدند و کیفیت آن‌ها به‌گونه‌ای است که بچه‌ها را جذب نمی‌کند. بیشتر مواقع خود ما تصاویری را به کلاس می‌بریم تا با ایجاد جذابیت، دانش‌آموز را به ادامه کار تشویق کنیم. در کل، از نظر من در دوره ابتدایی بچه‌ها خلاق‌ترند و ذهنشان بازتر است اما در دوره راهنمایی ذهنشان دچار رکود می‌شود و چون هنر در مدرسه به طراحی و نقاشی خلاصه می‌شود، عده‌ای احساس می‌کنند که اصلاً استعداد ندارند. حتی عده‌ای هم فکر می‌کنند اگر استعدادی هست، فقط در خوشنویسی و نقاشی خلاصه می‌شود.

#### خانم هادی:

من چندین سال قبل، پس از گذراندن دوره کاردانی در مدارس راهنمایی به عنوان دبیر هنر مشغول به کار شدم اما بعد از سه سال بخشنامه‌ای از وزارت خانه ابلاغ شد که به موجب آن چون ابلاغ اولیه‌ام آموزگاری بود، می‌بایست به ابتدایی برمی‌گشتم. الان در دوره ابتدایی به عنوان معلم بهداشت فعالیت دارم.

شما، با توجه به تجربه خودتان بگویید که نظر همکارانتان درباره اینکه مشکلات بچه‌ها در دوره راهنمایی به معلم‌های دوره ابتدایی برمی‌گردد، تا چه اندازه صدق می‌کند؟ اصلاً چنین مطلبی را قبول دارید؟

با اینکه شکل کتاب فارسی دوره ابتدایی تغییر کرده اما روی خط و نقاشی بچه‌ها تأثیرگذار نیست. علت آن هم این است که همکاران ابتدایی بیشتر به فکر مسائل آموزشی



باشد، برای کشیدن دسته‌های ده‌تایی در ریاضی فقط خط صاف نمی‌کشد.

از همه مهم‌تر، خلاقیت است که از بین می‌رود. براساس تست تشخیصی که از دانش‌آموزان اول راهنمایی گرفته می‌شود، نود و پنج درصدشان کلبه و درخت و گل می‌کشند و اتفاقاً اندازه گل و درختی که می‌کشند یکی است؛ یعنی، حتی اندازه اجزای نقاشی برای آن‌ها توضیح داده نمی‌شود. این دردناک است که دانش‌آموز پنج سال ابتدایی را گذرانده اما مشوقی نداشته است که او را وادارد به بیرون و طبیعت نگاه کند تا در کشیدن تصاویر بهتر عمل کند. متأسفانه یکی از عوامل مهم مشکلات دوره ابتدایی و راهنمایی مشکل کمبود وقت است.

### نازنین رضایی:

مدرس چهره‌سازی هستیم. ابتدا کل درس ما نقاشی



عمومی بود اما بعد از دو سال که درس چهره‌سازی تغییر کرد و به همین دلیل، کتاب‌های مبانی هنرهای تجسمی و تاریخ هنر ایران و جهان حذف شدند، معلمان دقیقاً نمی‌دانستند که قرار است در کلاس چه کار کنند. بعد از شش سال تازه متوجه شدند که مسئله بودجه‌بندی در میان است و باید براساس آن حرکت کنند. با وجود این، اگر چه کتابی به عنوان منبع معرفی نشده و همه چیز اختیاری است، اما در پایان سال، امتحان سازمانی برگزار می‌شود. کتاب‌های درسی مشکل دارند. با این همه هر سال برنامه‌های جدیدتری اضافه می‌شود.

### راه‌حل شما در این زمینه چیست؟

من استانداردها را در بخشنامه‌ها می‌خوانم ولی به این فکر می‌کنم که چه چیزی به یادگیری دانش‌آموز کمک می‌کند. به همین دلیل براساس توانایی‌ها و استعدادها

### خانم عباس‌زاده:

من سه سال است معاون آموزشی مدرسه هستم. برای کتاب هنر در پایه اول راهنمایی دو ساعت وقت تدریس در نظر گرفته شده و کتاب دارای اشکال است. دانش‌آموزی که تازه از پنجم ابتدایی آمده هنوز خط صاف را به درستی نمی‌تواند بکشد، اما در کتاب کشیدن درخت و سایه‌زدن از او خواسته شده است. بعضی از مطالب خیلی ساده است و من همیشه نیم ساعت از وقت کلاس را باید برای دفاع از کتاب بگذارم. بچه‌های ما به‌روزند و مطالب و تصاویر بهتری را می‌خواهند، ولی ما هنوز باید کتابی را که در سال ۶۰ و ۶۵ تألیف شده است، آموزش دهیم.

### خانم روشنی:

بنده دوازده سال است که در هر سه پایه دوره راهنمایی هنر تدریس می‌کنم. اهدافی را در سال ۷۹ برای کتاب هنر تصویب کردند و طبق آن باید دروس در کتاب گنجانده می‌شد، متأسفانه فقط تصویب شد و نتیجه‌ای به دنبال نداشت. مثلاً پرورش روحیه زیبایی‌شناسی، توانایی برقراری ارتباط با طبیعت، آشنایی با تاریخ هنر ایران، توانایی تولید محصولات آثار هنری و توانایی نقد هنری جزء اهداف درس است، اما در کتاب درسی دانش‌آموزان اثری از این اهداف مشاهده نمی‌شود. از آنجا که بچه‌ها برای آشنایی با تاریخ هنر مطلب مفیدی را از کتاب‌ها یاد نمی‌گیرند، وقتی وارد دبیرستان می‌شوند، تازه می‌فهمند که هنر چیست. از نظر من حدود نود درصد مطالب و مفاهیم کتاب هنر باید تغییر کند؛ چرا که این مطالب از لحاظ هنری به بچه‌ها کمکی نمی‌کند. توانایی نقد هنری در کتاب‌های هنر ما صفر است. فقط در حدی است که دانش‌آموز کار یا نقاشی هم‌کلاسی‌اش را می‌بیند و می‌گوید که چقدر قشنگ است.

مطلب پایه‌ای در کتاب‌ها وجود ندارد. برای مثال، کتاب می‌تواند طراحی خطوط را در پایه اول ساده‌تر شروع کند و به ترتیب در سال‌های بعد آن را کامل سازد تا وقتی دانش‌آموز به هنرستان رفت دید بهتری نسبت به آن داشته باشد.

به عنوان یک تجربه وقتی دفتر نقاشی بچه خودم را نگاه می‌کردم می‌دیدم که کشیدن یک دایره یا مربع ساده را با او تمرین نکرده‌اند و فرزندم هر دفعه مثلاً یک درخت و خانه کشیده، به نتایج دیگری رسیدیم یا در صحبت با معلمان ابتدایی آن‌ها می‌گفتند که حجم کتاب‌های ریاضی و علوم به قدری زیاد و سنگین است که معلمان ناچار می‌شوند از زنگ هنر استفاده کنند. اگر هنر به خوبی در مدارس آموزش داده شود، تأثیر بسیار مطلوبی در درس‌های دیگر خواهد گذاشت. مثلاً اگر بچه ما در کشیدن نقاشی و اشکال هندسی قوی

پذیرفتم. روال خوبی را در پیش گرفتیم؛ به طوری که در اردیبهشت‌ماه ۹۱ کتابی به نام «نقشینه» از کارهای بچه‌ها چاپ شد؛ بیشتر نقاشی‌های کار شده با آبرنگ و پاستل متعلق به بچه‌های آن کلاس بود. من این کتاب را به عنوان برنامه پژوهشی به اداره فرستادم اما فقط به دادن یک تقدیرنامه کاغذی بسنده کردند.

### خانم اسدی:

من دبیر یکی از هنرستان‌های شهری هستم. به نظر من یکی از ایرادهایی که می‌شود به اداره کردن هنرستان‌ها گرفت این است که نه به شیوه هنرستان بلکه به روش دبیرستان نظری اداره می‌شوند. ساعتی که دانش‌آموز توانایی کار کردن در کارگاه را دارد، برنامه ندارد و باید برود، دوباره به کلاس بیاید. این باعث می‌شود او از حس هنری خود خارج شود و دیگر خلاقیتی را که در ساعت اول داشت و می‌توانست تا سه ساعت آن را ادامه دهد، نداشته باشد. به درس‌های عمومی که در هنرستان‌هاست، بیشتر از درس‌های مهارتی اهمیت می‌دهند که خود همین باعث می‌شود بچه‌ها احساس خستگی کنند و در کار عملی، که کار اصلی آن‌هاست، توانایی لازم را نداشته باشند. به همین علت حتی کیفیت کارشان نیز پایین می‌آید. مشکل دیگر استانداردها و کتاب درسی است. بچه‌های کارودانش به



دانش‌آموزانم زمان‌بندی را اجرا می‌کنم.

برای مثال، تعیین شده که درسی را آبان و درس دیگری را در ماه بهمن تدریس کنم اما می‌بینم درس بهمن‌ماه مقدمه‌ای برای درس آبان‌ماه است و قطعاً آن‌ها را جابه‌جا می‌کنم. همه این نکات را به مسئولان می‌گوییم اما متأسفانه ترتیب اثر نمی‌دهند. سال گذشته یک کلاس سوم داشتیم که هیچ معلمی حاضر نبود برای تدریس آن را قبول کند. از من خواستند که فکری به حال این کلاس بکنم. این بود که خودم مسئولیت کلاس را



نسبت بچه‌های فنی و حرفه‌ای کتاب مشخصی ندارند ولی در ارزیابی یکسان‌اند؛ در صورتی که کارودانشی‌ها فاقد منابع مطالعاتی مشخصی هستند، همکاران خودشان جزوه تهیه می‌کنند. فنی و حرفه‌ای‌ها کتاب و منبع مشخص دارند. در نتیجه وقتی این دو گروه فارغ‌التحصیل می‌شوند با هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

#### خانم روشنی:

در مدرسه همکاران مجله آموزش هنر را ورق می‌زنند. باز خالی از لطف نیست. در گرافیک مبحثی داریم که می‌گوید هنر آموزش نظری و عملی دارد و همین دیدن عکس و مجله هم می‌تواند به ما کمک کند. مثلاً پیش آمده معلم علوم که مجله را ورق می‌زند، از من می‌پرسد که این خط یا این موضوع که مربوط به هنر است یعنی چه. من برایشان توضیح می‌دهم و همین هم فرهنگ‌سازی می‌شود. من همیشه انتظار داشتم در مجلات هنر، روان‌شناسی نقاشی کودکان هم باشد؛ به‌خصوص در دوره ابتدایی. دانش‌آموزی در پایه اول راهنمایی داشتیم که اصلاً صحبت نمی‌کرد، نه در مورد درس و نه چیز دیگری؛ طوری که همه معلم‌ها دچار مشکل بودند. البته من توانستم از طریق نقاشی با او ارتباط برقرار کنم. روان‌شناسی مبحثی است که رشد آموزش هنر می‌تواند به آن بپردازد. اگر در رابطه با کتاب‌های پایه‌های راهنمایی و دبیرستان تصاویری در مجلات کار شود، کمک بسزایی به ما می‌کند.

#### خانم میر عرب:

من سه سال است که هنر تدریس می‌کنم. درسی که جای خالی آن در کتاب حس می‌شود، مربوط به خطوط است. از طرفی سرفصل‌هایی از هنر تجسمی، خط، نقطه، سطح و حجم را باید در یک درس بگنجانند. دانش‌آموز وقتی می‌خواهد درخت بکشد، خط درخت را با ترس و دلهره می‌کشد؛ چرا که اطلاعات لازم را در مورد خط ندارد.

#### خانم حقیقت‌جو:

مجلات رشد از نظر اطلاع‌رسانی خوب‌اند. از آنجا که اطلاعات کتاب درسی کافی نیست، مجلات این آگاهی را می‌دهند؛ البته در صورتی که سنگین و خارج از حد دوره مربوطه نباشند. اطلاعات مجله در رابطه با دبیرستان بهتر است. از این رو مطلوب‌تر این است که مجله برای پایه‌های مختلف، متفاوت باشد. مثلاً برای راهنمایی، مینیاتور سنگین است یا معماری که ذکر شده، فقط مربوط به دوره دبیرستان است.

#### خانم لک: دبیر هنر از نا (لرستان)

برخلاف دیگر همکاران که در مدارس عادی تدریس

می‌کنند، من در کارودانش مدرسه استثنایی متوسطه حرفه‌ای کار می‌کنم.

کتاب‌های هنر بچه‌های آهسته گام (باید این نکته را ذکر کنم که ما به جای استثنایی از کلمه آهسته گام استفاده می‌کنیم) به نسبت مدارس عادی از لحاظ چاپ و محتوا بسیار غنی است اما چقدر خوب می‌شد برای معلم‌های هنر این مدارس کلاس‌های خاصی در رابطه با برخورد با بچه‌های ناشنوا، نابینا یا کم‌توان ذهنی برگزار می‌کردند. خود من در حال حاضر با دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی کار می‌کنم. سال گذشته بخشنامه‌ای در رابطه با نظرسنجی مجلات آمده بود که در آنجا من این پیشنهاد را داشتم که بخشی از مجله به مدارس استثنایی اختصاص داده شود.



#### خانم احمدی، مدرس هنر:

در هنرستان رشته نگارگری تدریس می‌کنم. این رشته با رشته هنر کاملاً تفاوت دارد؛ چون تخصصی است. گله‌ای که از مسئولان دارم این است که چرا به هنر رسیدگی نمی‌کنند! من امسال فقط چهار تا دانش‌آموز دارم. مسئله این است که هنر از صحنه حذف می‌شود؛ در حالی که علاقه بسیار است. حتی پارسال از بین پنج دانش‌آموزی که داشتم یکی از آن‌ها ناشنوا بود اما استعداد بسیار بالایی در زمینه هنر داشت. با وجود این، مدیر مدرسه ما حقیقتاً با این رشته مشکل دارد و حتی گفته است که سال بعد هنر را حذف خواهد کرد. هر قدر هم که من به اداره مراجعه کردم، در این مورد جوابی نشنیدم.

در پایان با تشکر از تمام همکاران امیدوارم بتوانیم هر فصل دور هم جمع شویم و چنین گفت‌وگوهای سازنده‌ای داشته باشیم.

# چهل تکه با هنر استنای



شاره

خود آورده است: «هنر طراحی، که از هنرهای دستی زنان ایرانی به شمار می‌آید، در ابتدا مانند بسیاری از هنرها برای رفع نیاز طراحی شد اما به مرور با ذوق و سلیقه زنان ایرانی زمینه ایجاد دست‌ساخته‌هایی زیبا و دیدنی را فراهم آورد. چهل تکه انواع مختلفی دارد و در جای جای کشور پهناور ما، به روش‌ها و اشکال مختلف دوخته می‌شود.»

مقاله حاضر، گزارشی از پژوهش خانم نرگس بزرافکن، دبیر هنر از استان خوزستان، به راهنمایی آقای بهمن زارعیان است که در سال ۱۳۸۷ به انجام رسیده است. مطالعه از نوع توصیفی و عملی است و در آن علاوه بر معرفی یکی از رشته‌ها و گرایش‌های مهم صنایع دستی یعنی «چهل تکه»، به نقش و جایگاه ویژه زنان در این رشته اشاره شده است. پژوهشگر در بخشی از پژوهش



در این پژوهش، پژوهشگر به بررسی انواع چهل تکه می‌پردازد و ابتدا انواع پارچه و سپس انواع نخ را معرفی می‌کند. پس از آن به بررسی اجمالی طرح‌ها و نقش‌های دورهٔ هخامنشی، اشکانی، ساسانی و دورهٔ اسلامی، انواع رودوزی‌های سنتی ایران چون تکه‌دوزی، لندره‌دوزی و خاتمی‌دوزی می‌پردازد و در ادامه، روش‌های تکه‌دوزی را، که شامل روش ساده، معرق، ضخیم‌دوزی و برشی، نمدی و مرصعی است، معرفی می‌کند. در انتها نیز ضمن نشان دادن یک نمونه چهل تکه، روش دوخت آن را آموزش می‌دهد. مدلی است که در استان خوزستان و اغلب در شهرهای شوشتر و دزفول دوخته می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی در مورد نحوهٔ دوخت چهل تکهٔ مورد نظر چنین آورده است: «در این روش ابتدا پارچه‌های انتخاب شده را، که متناسب با ذوق و سلیقهٔ هنرمند و برخاسته از احساسات اوست، به صورت مربع‌هایی برش می‌دهیم. اندازهٔ مربع‌ها با توجه به ریز و درشت بودن تکه‌ها متفاوت و گاهی به صورت تلفیقی از کوچک به بزرگ یا برعکس است. مربع‌های برش‌خورده را از قطر تا می‌کنیم، در حالت لوزی قرار می‌دهیم و از قطر افقی لوزی دوخت می‌زنیم. این تکه به صورت دایره دوخته می‌شود؛ به این ترتیب که از مرکز دایره، دوخت تکه‌های مثلی



## با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

**مجله‌های دانش‌آموزی**  
 (این مجله‌ها توسط هیئت تحریر و در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.)

- رشد کودک** - برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه اول دورهٔ دبستان
- رشد نوجوان** - برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دورهٔ دبستان
- رشد دانش‌آموز** - برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دورهٔ دبستان
- رشد نوجوان** - برای دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی تحصیلی
- رشد جوان** - برای دانش‌آموزان دورهٔ دبیرستان

**مجله‌های بزرگسال عمومی**  
 (به صورت ماه نامه و هفتاد شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.)

- رشد آموزش ابتدایی - رشد آموزش راهنمایی تحصیلی - رشد تکنولوژی آموزشی - رشد هنر سه لردا - رشد مدیریت مدرسه - رشد معلم

**مجله‌های بزرگسال تخصصی**  
 (به صورت فصلنامه و چهارشماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند.)

- رشد برهان ریاضی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسط (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان و رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش هنر و تفریح
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فلسف و عرفانی
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان آموزش عالی، دانش‌جوین، مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

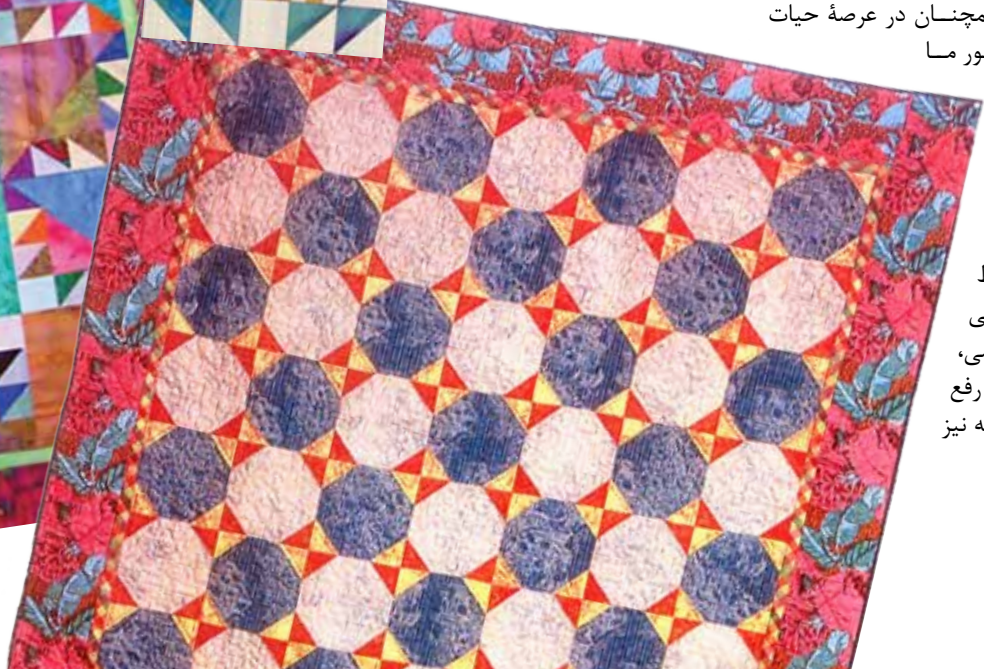
نشانی: تهران، خیابان آرانتسینو شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی  
 تلفن و فکس: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۲۷۸



شکل را به صورت چرخشی شروع می کنیم. در هر دور تعداد تکه‌ها بیشتر می شود و تا رسیدن به اندازه دلخواه ادامه می یابد. ما این تکه‌ها را به صورت ریتم رنگی اجرا می کنیم که از رنگ قرمز شروع می شود و درجات رنگی را به سوی زرد سوق می دهیم. در واقع، با این انتخاب رنگ هم می خواهیم گرمای دل و صمیمیت مردمان این خطه را نشان دهیم و هم دست ساخته ما، با رنگی که دارد نشان دهد که از یک سرزمین بسیار گرم آمده و پیغام رسان خون گرمی و صمیمیت مردمان آن منطقه است. دوخت متن یا پس زمینه این چهل تکه به صورت چهل تکه نامنظم اجرا می شود و سعی بر آن است که از یک بافت و رنگ سنتی استفاده شود».

ویژگی هنر دستی چهل تکه دوزی مانند بسیاری از صنایع دستی کارایی مصرفی آن است و به همین دلیل، این هنر جزو گروه هنرهای کاربردی قرار می گیرد. خوشبختانه هنر چهل تکه دوزی همچنان در عرصه حیات اجتماعی مردم کشور ما

حضور دارد. بدیهی است تداوم تولید صنایع دستی از سوی زنان متعهد و هنرمند ایرانی و گسترش آن می تواند ضمن حفظ و تقویت مبانی ارزشی فرهنگ ایرانی- اسلامی، در ایجاد اشتغال مولد و رفع بخشی از نیازهای جامعه نیز مؤثر و مفید باشد.



تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

برک اشتراک مجله های رشد

نحوه اشتراک:

شماره می توانید پس از واريز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۳۳۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه شماره ۳۹۵ در وجه شرکت انست از دو روش زیر، بیشترک مجله شوید:

- 1- مراجعه به وبگاه مجلات رشد، آدرس: [www.roshdmg.ir](http://www.roshdmg.ir) و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات قبضه واریزی
- 2- ارسال اصل قبضه بانکی به همراه برگه تکمیل شده الفهرات با پست سفارشی (کمی قبضه را لازم خود نگه دارید)

نام مجلات درخواستی:

نام و نام خانوادگی:  
تاریخ تولد:  
تلفن:

شماره کابل پستی:  
استان:  
شماره تلفن:  
پلاک:

عنوان:  
موقع پرداختی:  
شماره پستی:  
پلاک:

در صورتی که قبلاً همواره مجله بوده‌اید، شماره الفهرات خود را ذکر کنید:

امضا:



آدرس: تهران، صندوق پستی انور مشتری کبک، ۱۱۱ ۱۳۵۴۵۱۱۱

www.roshdmg.ir

وبگاه مجلات رشد

آدرس: تهران، صندوق پستی انور مشتری کبک، ۱۱۱ ۱۳۵۴۵۱۱۱

- هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (شماره ۱۳۰۰۰ ریال)
- هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره)، ۸۰۰۰۰ ریال